

موسسه آموزش عالی آزاد اندیشه سازان (دپارتمان تخصصی حقوق داداستان)

دفترچه در سنامه

۱۱ آبان ۱۴۰۳

آزمون های مفهومی مهارتی داداستان

آزمون جامع ۴

www.Dadestan.com

شدنی ها را انجام بده و تمام نشدنی های را به
خدا بسپار، آرام آرام همه چیز درست می شود...

غلط بگیر، سکه ببر



به هر یک از داداستانی های عزیز که در سوالات آزمون داداستان به شرح ذکر شده در سایت، حتی یک غلط یا اشتباه موثر پیدا کنند، یک سکه طلای تمام بهار آزادی تقدیم می گردد.
نحوه شرکت در مسابقه:

۱. ابتدا وارد پرتال آزمون های مفهومی مهارتی داداستان شوید.
۲. شرایط برنده شدن در مسابقه، مطابق آگهی منتشر شده در سایت داداستان را مطالعه نمایید.
۳. چنانچه نسبت به سوالی، اشتباه موثری پیدا کردید با ذکر دلیل اشتباه، در قسمت مربوطه در پرتال (ایرادات آزمون) تایپ و ارسال فرمایید.



دفترچه درسنامه آزمون‌های مفهومی و مهارتی داداستان

برنامه این هفته

دسته	عنوان	توضیحات	روز برگزاری	ساعت برگزاری
کلاس	کارگاه دادگاه صلح - استاد مجید حسینی - (آنلاین و حضوری)	هدیه ویژه دوره تفصیلی - باشگاه رتبه سازی - دوره معیار و ثبت نام کنندگان در سایت law.dadsima.com	شنبه ۱۴۰۳/۰۸/۱۲	۱۶ الی ۲۰
کلاس	حقوق مدنی - استاد محمد نکویی - (آزمون استخدامی دادگاه صلح) - (آنلاین)		شنبه ۱۴۰۳/۰۸/۱۲	۱۶ الی ۲۰
کلاس	آمایش رفتارهای هوشمندانه - استاد مجید قاضی زاده - وکالت - (آنلاین و حضوری)	ویژه دوره تفصیلی و تندرو تسلط و گروه‌های آزمونی	یکشنبه ۱۴۰۳/۰۸/۱۳	۱۸ الی ۲۰
کلاس	بزرگترین کارگاه فنون موفقیت در آزمون وکالت ۱۴۰۴ - استاد مجید قاضی زاده - (آنلاین)	هدیه به جامعه حقوقی رزرو از طریق سایت reg.dadsima.com	دوشنبه ۱۴۰۳/۰۸/۱۴	۱۶ الی ۱۹
کارگاه	حقوق جزا - استاد مجید قاضی زاده - (آزمون استخدامی دادگاه صلح) - (آنلاین)		سه‌شنبه ۱۴۰۳/۰۸/۱۵	۱۸ الی ۲۰
کلاس	رفتار سازمانی - استاد امیر توکلی - (آزمون استخدامی دادگاه صلح) - (آنلاین)		چهارشنبه ۱۴۰۳/۰۸/۱۶	۱۵:۳۰ الی ۱۷:۳۰
کلاس	فناوری اطلاعات (ICDL) - استاد رضا اکبرزاده - (آزمون استخدامی دادگاه صلح) - (آنلاین)		چهارشنبه ۱۴۰۳/۰۸/۱۶	۱۸ الی ۲۰

حقوق دانان گرامی :

به منظور کسب اطلاع از برنامه های مجموعه می‌توانید یکی از موارد ذیل را انتخاب و شخصا پیگیر برنامه ها باشید:

- سایت مجموعه: www.dadestan.com (انتهای صفحه سایت)

- کانال بشداد (شبکه داخلی داداستان): لینک ورود به این کانال تلگرامی در پورتال داوطلبی (سامد) قرار گرفته است.



دفترچه در سنامه آزمون های مفهومی و مهارتی داداستان

پیام دانشیاری

(توصیه قبول شدگان آزمون وکالت)

موفقیت کلید شادی نیست، شادی کلید موفقیت است؛ اگر آنچه انجام می دهی دوست بداری، موفق خواهی بود! باسلام و درود و خسته نباشید به همه داوطلبان داداستانی آخرین آزمون جامع را سپری کردید و این نیز گذشت ... امیدواریم با کوله باری پر از تلاش یکساله به موفقیت دست یافته و آرزومندیم قبولی در آزمون وکالت کوچکترین هدف شما در زندگیتان باشد و سرآغاز اهداف عالیه و پیشرفت روزافزون شما بزرگواران . پیروز و سربلند باشید.

پیام سلامت

این خوراکی ها ضد استرس هستند

آجیل ها: این خوردنی ها با داشتن مقدار قابل توجهی زینک ویتامین ب سلنیوم و آنتی اکسیدان ها برای مقابله با استرس قدرتمند عمل می کنند.

آب گیلان: این آبمیوه در تحقیقات بهترین نتیجه را برای ایجاد آرامش و مقابله با استرس را داشته است.

قهوه: قهوه بنوشید تا آرامش کسب کنید. کافئین موجود در قهوه بدن را در مسیر ضد استرس قرار می دهد.

موز: میوه ای که همانند نرمی اش روح را نرم می کند و یک خوردنی ضد استرس محسوب می شود. ماهی آب های سرد: سالمون و ساردینا جزء ماهی های آب های سرد هستند که به دلیل مکانیسم بدنی شان و داشتن dha استرس را در بدن کاهش می دهند.

سیب زمینی: فیبر و ویتامین های موجود در سیب زمینی برای تقویت بدن در مقابل استرس لازم است.

تخم مرغ: تخم مرغ سرشار از پروتئین و آنتی اکسیدان سلنیوم و.. است که با کاهش انسولین استرس را کاهش می دهد.

کلم بروکلی: این کلم سبزرنگ ضد سرطان و چاقی است و مواد معدنی موجود در آن ضد استرس هستند.



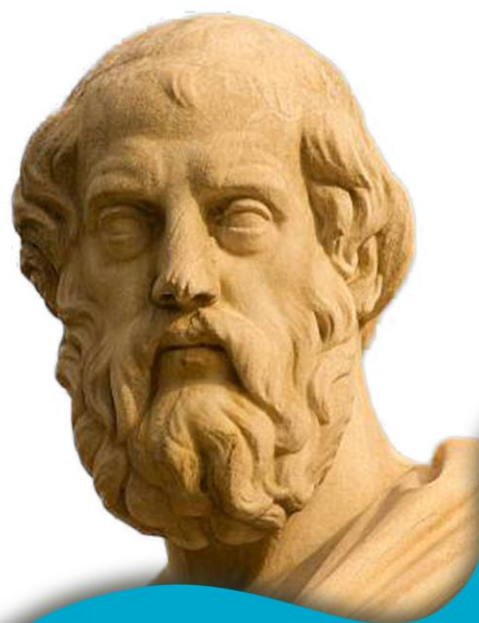
دفترچه درسنامه آزمون‌های مفهومی و مهارتی داداستان

پیام باشگاه موفقیت

قانون بخشندگی

هر چه بیشتر، بدون انتظار پاداش به دیگران خدمت کنید خیر و نیکی بیشتری به شما می‌رسد، آن هم از جاهایی که اصلاً انتظار ندارید. شما تنها در صورتی حقیقتاً خوشبخت خواهید شد که احساس کنید به دلیل خدمت به دیگران انسان با ارزشی هستید.

افرادی که با ما هم عقیده هستند ،
به ما آرامش و افرادی که مخالف با
عقیده ما هستند، به ما دانش
می‌دهند.



افلاطون



دفترچه درسنامه آزمون های مفهومی و مهارتی داداستان

رزرو مشاوره از سایت داداستان

داوطلبان آزمون وکالت، همگی کتاب های آموزشی متعددی برای آزمون دارند، جزوات آموزشی و کتاب های نکته و تست دارند، کلاس کمک آموزشی و آزمون آزمایشی شرکت می کنند، اما نحوه استفاده صحیح از هر کدام را نمی دانند. مهمترین نکته ای که وجود دارد این است که منابع همیشه در اولویت هستند اما مطالعه منابع نیاز به برنامه دارد؛ اگر مطالعه منابع با برنامه همراه نباشد، داوطلب تعداد زیادی منابع را مطالعه می کند و با شکست روبرو می شود. داوطلبان زیادی هستند که سال ها آزمون می دهند اما نمی دانند که ضعف آنها در کجاست که قبول نمی شوند. اینجاست که لزوم حضور یک مشاور و راهنما به منظور مشاوره آزمون وکالت و هدایت داوطلب در مسیر صحیح احساس می شود.



مسعود یآوری مشاور برتر



محمد رضامهدوی مشاور برتر



جهت رزرو مشاوره
به صورت آنلاین
اسکن کنید.

رزرو آنلاین مشاوره از طریق سایت Law.Dadsima.Com
و یا تماس با شماره ۰۵۱۳۱۶۰۱۴۰۰ امکان پذیر است.

ماجد چیست؟!

طرح ماجد مباحث آموزشی جدولی داداستان است که از منظمات آزمون های مفهومی مهارتی است و به منظور تثبیت مطالب حقوقی در هر آزمون طراحی و ارائه می شود. در طرح ماجد سوالاتی در مورد نکات فنی حقوقی مطرح می شود تا داوطلب با پاسخگویی به آن مطالب، بیش از پیش مسلط شود.



حقوق مدنی:**۱. پاسخ گزینه ۳ می باشد.**

نکته ۱: ایقاع نوعی عمل حقوقی است که فقط با اراده یک نفر انجام می شود و برخلاف عقد یا قرارداد به توافق دو یا چند اراده نیاز ندارد. هر چند ممکن است با اراده دیگری از میان برود.

نکته ۲: جعالة عبارت است از التزام شخصی به اداء اجرت معلوم در مقابل عملی اعم از اینکه طرف معین باشد یا غیرمعین.

نکته ۳: در جعالة ملتزم را جاعل و طرف را عامل و اجرت را جعل می گویند.

نکته ۴: جعالة تعهدی است جائز و مادامی که عمل به اتمام نرسیده است هر یک از طرفین می توانند رجوع کنند؛ ولی اگر جاعل در اثناء عمل رجوع نماید باید اجرت المثل عمل عامل را بدهد.

۲. پاسخ گزینه ۴ می باشد.

موضوع سؤال: تشخیص ضرورت آزاد بودن دین یا طلب

نکته (۱): تهاتر بین دو دینی واقع می شود که موضوع حق شخص ثالث قرار نگرفته باشد. پس اگر یکی از دو دین مطابق قانون به نفع شخص ثالث بازداشت شده باشد، سپس مدیون از داین خود طلبکار گردد، بین دو دین تهاتر حاصل نمی شود؛ زیرا شخص ثالث نسبت به دین مزبور حق پیدا کرده و حصول تهاتر موجب تضییع حق او خواهد شد (ماده ۲۹۹ ق. م. ن. کته (۲): برای حصول مالکیت مافی الذمه لازم است طلب مورد بازداشت قرار نگرفته باشد و الاً ثبوت حق دیگری بر آن، مانع سقوط آن از طریق مالکیت مافی الذمه خواهد بود. پس هرگاه بستانکاران مورث، طلب او را از وارث برای استیفای حق خود بازداشت کرده باشند، این طلب نمی تواند با فوت مورث، به وارث بدهکار او انتقال یافته و مورد مالکیت مافی الذمه قرار گیرد (مهدی شهیدی، سقوط تعهدات، ش ۱۴۴، ص ۱۹۶).

نکته (۳): دین مورد اجراء باید آزاد باشد؛ یعنی از طرف مقامات صالحه بازداشت نشده و متعلق حق ثالث قرار نگرفته باشد. پس هرگاه طلبکار که طلب او بازداشت شده، ذمه مدیون خود را ابراء کند، طلب او ساقط نمی گردد و ذمه مدیون بری نمی شود مگر بازداشت کننده رضایت خود را اعلام کند؛ زیرا طلب مزبور آزاد نیست و حق شخص دیگر در آن انعکاس دارد و حق هیچ شخصی را بدون رضایت او نمی توان ساقط کرد (همان کتاب، ص ۷۹، ص ۱۳۵).

۳. گزینه ۳ پاسخ می باشد.

نکته ۱: طبق قسمت اخیر ماده ۱۹۶ ق.م. ممکن است در قراردادی تعهدی به نفع ثالث نیز ایجاد شود.

نکته ۲: در تعهد به نفع ثالث، قبول وی شرط نیست لکن با توجه به اینکه حق، با انعقاد قرارداد و توافق میان متعاقدين، ایجاد شده است، رضایت ثالث شرط «استقرار» است و نه «ایجاد حق».

۴. گزینه ۳ پاسخ می باشد.

نکته ۱: تبدیل تعهد هنگامی واقع می شود که اولاً تعهدی از سابق وجود داشته باشد، ثانیاً تعهد موجود، به موجب توافق ساقط شود، ثالثاً تعهدی جدید ایجاد گردد.

نکته ۲: نکته بسیار مهم در تشخیص تبدیل تعهد، خود واژه «تعهد» است.

نکته ۳: تعهد به معنای تکلیف به انجام رفتاری در آینده است، لذا موجد مالکیت نسبت به عین مالی نمی باشد.

نکته ۴: بنا بر نکته فوق، اگر آنچه اسقاط یا ایجاد شده، مالکیت بر مالی باشد، توافق صورت گرفته حسب مورد مشمول یکی از عناوین معاوضه، بیع، قرارداد نامعین موضوع ماده ۱۰ یا تأدیه دین به غیر جنس دین می باشد.

نکته ۵: در فرض سؤال، اگرچه آنچه اسقاط شده «تعهد» بوده لکن آنچه ایجاد شده مالکیت بر عین معین (پانصد کیلو برنج) است، لذا ماهیت توافق مزبور نمی تواند تبدیل تعهد باشد.

نکته ۶: تهاتر به معنای تقابل دو دین است؛ یعنی دو دینی که از سابق وجود داشته است، با اتحاد جنس و زمان و مکان تأدیه، با یکدیگر تقابل نموده و ساقط می شوند. در فرض سؤال اولاً فقط یک دین از سابق وجود داشته و ثانیاً آنچه ایجاد شده نیز، نه دین، بلکه مالکیت بر مال معینی بوده است، لذا تهاتر واقع نشده است.

۵. پاسخ گزینه ۴ می باشد.

موضوع سؤال: تعیین گزینه نادرست در وجه التزام

نکته ۱- در صورت بروز قوه قاهره، اگر از مفاد کفالت یا اوضاع و احوال چنین برآید که مقصود تضمین عدم حضور مکفول در حال است، وجه التزام باید پرداخت شود. در غیر این صورت، قوه قاهره دین مربوط به وجه التزام را از بین می برد.

نکته ۲- از نظر حقوقی مانعی به نظر نمی رسد که میزان وجه التزام بیش از مبلغ دین باشد و کفیل اعلام کند که علاوه بر ادای دین، ملتزم به پرداخت فلان مبلغ به عنوان وجه التزام است.

نکته ۳- ولی هرگاه تصریح بر امر فوق نشود، ظاهر این است که، وجه التزام جانشین ادای دین شده است و مکفول له نمی تواند آن دو را با هم جمع کند یا از وجه التزام بگذرد و دین را از کفیل بخواهد.

۶. گزینه ۴ پاسخ می باشد.

نکته ۱: عدم درج شرط مدت در اجاره اشیاء، طبق ماده ۵۰۱ ق.م. لزوماً موجب بطلان عقد نیست، همچنین در اجاره حیوان طبق ماده ۵۰۷ قانون مزبور، ممکن است بدون تعیین مدت، اعتبار قرارداد تا طی مسافت معین یا مقصد مشخص باشد.

نکته ۲: طبق ماده ۵۰۶ همان قانون «در اجاره عقار آفت زراعت از هر قبیل که باشد به عهده مستأجر است مگر اینکه در عقد اجاره طور دیگر شرط شده باشد».

نکته ۳: وفق ماده ۵۰۲ ق.م. «اگر مستأجر در عین مستأجره بدون اذن موجر تعمیراتی نماید حق مطالبه قیمت آن را نخواهد داشت». دقت شود که اصل بر عدم اذن است، لذا اصولاً حق رجوع ندارد.

۷. گزینه ۲ پاسخ می باشد.

نکته ۱: در فرض گزینه ۱، طبق ماده ۱۰۹۲ ق.م.، زوجه مستحق نصف مهر است.

نکته ۲: در فرض گزینه ۲، طبق ماده ۱۰۹۳، زوجه مستحق مهرالمتعه است.

نکته ۳: در فرض گزینه ۳، زوجه مستحق تمام مهر است.



نکته ۴: در فرض گزینه ۴، طبق ماده ۱۰۸۸ زوج مستحق هیچ مهری نیست.

۸. گزینه ۱ پاسخ می‌باشد.

نکته ۱: سهم الارث هر یک از پدر و مادر، در صورتی که برای متوفی فرزند یا فرزندان باشد، یک‌ششم ترکه است (جمعاً یک‌سوم ترکه است).

نکته ۲: سهم الارث زوج، در صورتی که متوفی دارای فرزند باشد، یک‌هشتم ترکه است.

نکته ۳: فرزندان ذکور، به قرابت ارث می‌برند، لذا در فرض همراه بودن آن‌ها با سایر وراث، سایرین به نسبت فرض ارث برده و باقیمانده متعلق به وی است.

نکته ۴: بنا بر نکات فوق، طریقه احتساب سهم الارث هر یک از ورثه به شرح ذیل است:

$$\frac{1}{6} + \frac{1}{6} + \frac{1}{8} = \frac{11}{24}$$

سهم الارث هر یک از پدر و مادر: $\frac{4}{24} = \frac{1}{6} = 480 \div 6 = 80$

سهم الارث زوج: $\frac{3}{24} = \frac{1}{8} = 480 \div 8 = 60$

سهم الارث پسر: $480 - 80 - 80 + 60 = 260$

۹. گزینه ۱ پاسخ می‌باشد.

نکته ۱: طبق ماده ۵۶ ق.م. در وقف عام قبول حاکم شرط است.

نکته ۲: اگرچه طبق ماده ۸۲۸ قانون مزبور، در وصیت بر فقرا یا امور عام‌المنفعه قبول شرط نیست، اما طبق قاعده تبعیت وقف از ماهیت عمل حقوقی که در قالب آن انجام می‌شود، به این جهت که در وقف عام قبولی شرط است، در وصیت بر وقف نیز قبول حاکم شرط است.

نکته ۳: متولی فقط حق قبض موقوفه را دارد و نه قبول آن را، به این جهت که ایجاد نسبی سمت وی منوط به ایجاب و قبول وقف است و قبل از آن هیچ‌گونه سمتی برای وی موجود نیست تا قبولی وی مؤثر باشد. درواقع اگر قبول وی منشأ اثر باشد، دور لازم می‌آید، چراکه از یک‌سوی تحقق سمت وی منوط به ایجاب و قبول است و از سوی دیگر تحقق توافق بر وقف (ایجاب و قبول) منوط به قبولی وی خواهد بود.

۱۰. گزینه ۲ پاسخ می‌باشد.

نکته ۱: هبه دین به مدیون طبق ماده ۸۰۶ ق.م. قابل رجوع نیست.

نکته ۲: صرف اینکه هبه معوض باشد، عقد را قابل رجوع نمی‌کند بلکه طبق بند ۲ ماده ۸۰۳ قانون مزبور، حق رجوع در هبه معوض در صورتی از بین می‌رود که «عوض هم داده شده باشد». در گزینه ۲ به داده شدن عوض تصریح نشده لذا مشخص است که طبق اصل عدم، فرض این است که عوض داده نشده است.

نکته ۳: ایجاد حق رهن برای ثالث نسبت به عین موهوبه، طبق بند ۳ ماده ۸۰۳، مسقط حق رجوع است.

نکته ۴: فوت هر یک از واهب و متهب، مسقط حق رجوع است.

۱۱. گزینه ۱ پاسخ می‌باشد.

نکته ۱: طبق ماده ۶۹۱ ق.م. ضمانت از دینی که هنوز سبب آن ایجاد نشده باطل است.

نکته ۲: مفهوم مخالف ماده فوق گویای این است که ضمانت از دینی که سبب آن ایجاد شده، صحیح است.

نکته ۳: گفته شده که منظور از وجود سبب و مقتضی، این است که در صورت عدم وقوع مانع، دین ایجاد می‌گردد (امامی و کاتوزیان).

نکته ۴: علم ضامن هیچ اثر و ارتباطی با فرض سؤال ندارد.

۱۲. گزینه ۳ پاسخ می‌باشد.

نکته ۱: در فرض سؤال، قبل از تحویل مال به سجاد، ید محمد امانی بوده لکن پس از آن به جهت خروج از اذن مالک، در حکم غاصب تلقی شده و طبق ماده ۳۱۱ ق.م. در برابر مالک مسئول جبران هر نوع خسارتی است که به خودروی وی وارد آمده است.

نکته ۲: سجاد که خودرو نزد وی آسیب‌دیده است، بر دو مبنا مسئول جبران تمام خسارتی است که به خودرو وارد شده است؛ یکی بر مبنای ائتلاف و دیگری بر مبنای غصب و ید ضمانی وی.

نکته ۳: بنا بر نکات فوق، هر یک از سجاد و علی در برابر مالک متضامناً مسئول هستند.

نکته ۴: البته طبق ملاک ماده ۳۱۸ ق.م. اگر مالک به علی رجوع کرده و خسارات خود را دریافت کند، وی حق رجوع به سجاد جهت دریافت آنچه پرداخته است را دارد.

۱۳. گزینه ۱ پاسخ می‌باشد.

نکته ۱: مستعیر نسبت به مال مورد عاریه امین است و مادام که تعدی یا تفریط ننموده باشد، فقط در صورتی مسئول خسارات وارده بر مال مورد عاریه است که مرتکب تقصیر شده باشد. نکته ۲: در فرض سؤال، با استفاده غیرمجاز ید الف از امانی به ضمانی تغییر یافته است.

نکته ۳: اگر امین، تعدی یا تفریط را قطع نماید، در خصوص اینکه ید امانی وی بازمی‌گردد یا خیر اختلاف نظر است.

نکته ۴: مطابق با صحیح‌ترین نظرات، با توقف تعدی یا تفریط، وصف امانت بازمی‌گردد، چراکه درواقع تعدی یا تفریط منجر به انحلال عقد عاریه نشده و لذا اصل عقد برقرار است لکن وصف امانت زائل شده است. به عبارت دیگر، تقصیر مانی جهت اثرگذاری وصف امانی عقد عاریه است و هنگامی که زائل شود، طبق قاعده «إذا زال المانع عاد الممنوع» ید ضمانی از بین رفته و تبدیل به امانی شده است.

نکته ۵: همچنین در راستای تأیید نظر فوق می‌توان افزود که مقنن در ماده ۲۷۰ فرضی را در نظر گرفته است که شخصی به‌عنوان «امین» بر مال غیر متصرف بوده و سپس بدون آنکه از جانب مالک مأذون باشد، با تعدی در مال غیر، مال دیگری را به‌عنوان مال خود به متعهده تحویل می‌دهد، طبق ماده مزبور اگر متعهد اثبات کند که آنچه تأدیه شده مال متعلق به غیر بوده، می‌تواند آنچه را که تحویل داده باز پس ستاند. در این فرض، امین پس از تعدی، از اقدامات سوء خود صرف‌نظر کرده است و مقنن به او اختیار داده که مجدد بر همان مال متصرف شود، بدیهی است که تصرف بر مال غیر که قانون اجازه آن را داده است، تصرف از نوع ضمانی نبوده بلکه امانی است.

۱۴. گزینه ۴ پاسخ می‌باشد.

نکته ۱: طبق ماده ۵۹۵ ق.م. «هرگاه تقسیم متضمن افتادن تمام مال مشترک یا حصه یک یا چند نفر از شرکاء از مالیت باشد تقسیم ممنوع است اگر چه شرکاء تراضی نمایند.»



نکته ۲: طبق ماده ۵۸۹ قانون مزبور که مقرر میدارد «هر شریک‌المال میتواند هر وقت بخواهد تقاضای تقسیم مال مشترک را بنماید»، درخواست تقسیم ممکن است از سوی یکی از شرکا نیز واقع شود.

۱۵. گزینه ۱ پاسخ می‌باشد.

نکته ۱: طبق ماده ۶۲۱ ق.م «اگر مال ودیعه قهراً از امین گرفته شود و مشارالیه قیمت یا چیز دیگری به‌جای آن اخذ کرده باشد باید آنچه را که در عوض گرفته است به امانت‌گذار بدهد ولی امانت‌گذار مجبور به قبول آن نبوده و حق دارد مستقیماً به قاهر رجوع کند.»

نکته ۲: سرقت نیز از مصادیق ماده فوق است.

۱۶. گزینه ۴ پاسخ می‌باشد.

نکته ۱: در قراردادهایی که مشمول قانون ۱۳۵۶ هستند، در برخی موارد مقنن به مستأجر حق فسخ قرارداد را اعطا نموده که برخی از آن‌ها مطابق با مقررات قانون مدنی و برخی مغایر آن است.

نکته ۲: طبق ماده ۱۲ قانون مزبور؛

«در موارد زیر مستأجر می‌تواند صدور حکم به فسخ اجاره را از دادگاه درخواست کند.

۱- در صورتی که عین مستأجره با اوصافی که در اجاره‌نامه قیدشده منطبق نباشد. (با رعایت ماده ۴۱۵ قانون مدنی).

۲- اگر در اثنای مدت اجاره عیبی در عین مستأجره حادث شود که آن را از قابلیت انتفاع خارج نموده و رفع عیب مقدور نباشد.

۳- در مواردی که مطابق شرایط اجاره حق فسخ مستأجر تحقق یابد.

۴- در صورت فوت مستأجر در اثناء مدت اجاره و درخواست فسخ اجاره از طرف کلیه ورثه.

۵- هرگاه مورد اجاره کلاً یا جزئاً در معرض خرابی بوده و قابل تعمیر نباشد و یا برای بهداشت و سلامت مضر بوده و باید خراب شود.»

نکته ۳: مورد نخست منطبق با خيار تخلف شرط صفت، موضوع ماده ۲۳۵ ق.م است.

نکته ۴: موارد سوم و پنجم نیز مطابق با مقررات عام بوده و متضمن حکم جدیدی نیستند.

نکته ۵: مورد دوم خلاف ماده ۴۸۱ قانون مدنی است که مقرر می‌دارد «هرگاه عین مستأجره به‌واسطه عیب از قابلیت انتفاع خارج شده و نتوان رفع عیب نمود اجاره باطل می‌شود.»، مراد از بطلان در ماده اخیر، معنای عام آن بوده که در اینجا منظور انفساخ عقد است. لذا ملاحظه می‌شود که در فرض مورد بحث، در قانون مدنی اجاره منفسخ شده اما به‌موجب قانون روابط موجر و مستأجر ۱۳۵۶ از عوامل ایجاد حق فسخ برای مستأجر است.

نکته ۶: مورد چهارم نیز خلاف ماده ۴۹۷ ق.م است که مقرر می‌دارد «عقد اجاره به‌واسطه فوت موجر یا مستأجر باطل نمی‌شود...»

نکته ۷: به موارد تفاوت میان قانون مدنی و قانون ۱۳۵۶ دقت فراوانی به عمل آورید، چراکه منشأ طرح سؤالات آزمونی هستند.

۱۷. گزینه ۳ پاسخ می‌باشد.

نکته ۱: طبق بند «پ» ماده ۱۵ قانون بیمه اجباری ۱۳۹۵، علی‌رغم ماده ۵۳۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، حوادث غیرمترقبه نیز مشمول مقررات قانون مزبور هستند.

نکته ۲: بنا بر نکته فوق، اگر خودرو در زمان حادثه، دارای بیمه باشد، بیمه‌گر مکلف به پرداخت خسارات وارده خواهد بود.

نکته ۳: مواردی که بیمه‌گر پس از جبران خسارت می‌تواند به راننده مراجعه کند در ماده ۱۵ قانون فوق ذکر شده است، طبق بند پ ماده اخیر یکی از مواردی مزبور این است که راننده مسبب، فاقد گواهینامه رانندگی باشد یا گواهینامه او متناسب با نوع وسیله نقلیه نباشد.

نکته ۴: نکته بسیار مهم این است که در صدر ماده ۱۵ و نیز در بند پ، مقنن از حق رجوع بیمه‌گر به «راننده مسبب حادثه» سخن به میان آورده است، لذا صرف فقدان گواهینامه مجوز رجوع نیست بلکه باید راننده «مسبب» حادثه باشد. در فرض سؤال، علت حادثه سقوط بهمن است و با عدم وصف مسبب، راننده در برابر بیمه‌گر فاقد مسئولیت است.

۱۸. گزینه ۲ پاسخ می‌باشد.

نکته ۱: مسئولیت کسی که به‌موجب قانون یا قرارداد، حفاظت از مجنون یا صغیر را بر عهده دارد، طبق ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی، مسئولیت مبتنی بر تقصیر است و زیان‌دیده برای مراجعه به وی باید تقصیر در نگهداری را اثبات کند و فرض مسئولیتی وجود ندارد.

نکته ۲: طبق ماده فوق «کسی که نگهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر قانوناً یا برحسب قرارداد به عهده او می‌باشد در صورت تقصیر در نگهداری یا مواظبت مسئول جبران زیان وارده از ناحیه مجنون و یا صغیر می‌باشد و در صورتی که استطاعت جبران تمام یا قسمتی از زیان وارده را نداشته باشد از مال مجنون یا صغیر زیان جبران خواهد شد و در هر صورت جبران زیان باید به نحوی صورت گیرد که موجب عسرت و تنگدستی جبران‌کننده نباشد.

نکته ۳: طبق ماده فوق، مسئولیت اشخاص مندرج در صدر ماده، مبتنی بر تقصیر شخصی خودشان است و نه مسئولیت ناشی از فعل غیر، به عبارت دیگر، مسئولیت ناشی از فعل غیر در معنای خاص خود، هنگامی صادق است که از جمله شخص ثالث (کسی که مسئول جبران زیان ناشی از فعل غیر است) فاقد تقصیر باشد.

۱۹. گزینه ۳ پاسخ می‌باشد.

نکته ۱: طبق ماده ۷ قانون پیش‌فروش ساختمان مصوب ۱۳۸۹، در صورتی که مساحت بنا بر اساس صورت‌مجلس تفکیکی، کمتر یا بیشتر از مقدار مشخص شده در قرارداد باشد، مابه‌التفاوت بر اساس نرخ مندرج در قرارداد مورد محاسبه قرار خواهد گرفت، لیکن چنانچه مساحت بنا تا پنج درصد (۵٪) افزون بر زیربنای مقرر در قرارداد باشد، هیچ‌کدام از طرفین حق فسخ قرارداد را ندارند و در صورتی که بیش از پنج درصد (۵٪) باشد صرفاً خریدار حق فسخ قرارداد را دارد. چنانچه مساحت واحد تحویل‌شده کمتر از نودوپنج درصد (۹۵٪) مقدار توافق شده باشد پیش‌خریدار حق فسخ قرارداد را دارد یا می‌تواند خسارت وارده را بر پایه قیمت روز بنا و بر اساس نظر کارشناسی از پیش فروشنده مطالبه کند. نکته ۲: در فرض سؤال، اختلاف مساحت بیش از پنج درصد نبوده لذا هیچ‌یک از طرفین حق فسخ ندارند.

نکته ۳ (تکمیلی): طبق ماده فوق «...در صورتی که [اختلاف مساحت] بیش از پنج درصد (۵٪) باشد صرفاً خریدار حق فسخ قرارداد را دارد. چنانچه مساحت واحد تحویل‌شده کمتر از نودوپنج درصد (۹۵٪) مقدار توافق شده باشد پیش‌خریدار حق فسخ قرارداد را دارد یا می‌تواند خسارت وارده را بر پایه قیمت روز بنا و بر اساس نظر کارشناسی از پیش فروشنده مطالبه کند.»

نکته ۴ (تکمیلی): دقت شود که پیش‌فروشنده به جهت اختلاف مساحت حق فسخ ندارد و لو آنکه اختلاف بیش از پنج درصد باشد.

۲۰. پاسخ گزینه ۳ می‌باشد.



نکته ۱: به موجب ماده ۲۳۴ ق.م شرط نتیجه آن است که تحقق امری در خارج شرط شود.

نکته ۲: شرط نتیجه هنگامی معتبر است که نتیجه مورد نظر احتیاج به سبب خاصی نداشته باشد و به محض اشتراط در خارج محقق گردد. در غیر این صورت، شرط نتیجه باطل خواهد بود. مثلاً کسی نمی تواند در ضمن عقدی شرط کند که زوجه اش مطلقه باشد زیرا شرط ضمن عقد کافی برای تحقق طلاق نیست. بلکه برای طلاق تشریفات خاصی از جمله اجرای صیغه طلاق لازم است.

نکته ۳: هرگاه نتیجه مورد نظر به سبب خاصی نیاز نداشته باشد، لیکن بعضی از شرایط لازم برای حصول شرط در حین عقد موجود نباشد، عقد اصلی بدون شرط نتیجه واقع می گردد و در این صورت، بنا بر آنچه از ماده ۲۴۰ قانون مدنی برمی آید مشروط له می تواند برای رفع ضرر از خود قرارداد اصلی را فسخ یا بدون شرط قبول کند. مثلاً ممکن است انتقال مالی ضمن عقد، به صورت شرط نتیجه، پیش بینی شده باشد و بعد معلوم شود که آن مال در زمان وقوع عقد وجود نداشته یا به دیگری تعلق داشته و مالک هم شرط را تنفیذ نمی کند. در این مورد، مشروط له حق برهم زدن قرارداد اصلی را خواهد داشت. (همان، ص ۱۹۴)

آیین دادرسی مدنی:

۲۱. گزینه ۱ پاسخ می باشد.

نکته ۱: تجدیدنظرخواهی در صورتی ممکن است که نسبت به آنچه که تجدیدنظرخواهی شده سابقاً در دادگاه بدوی رسیدگی و رأی صادر شده باشد، در واقع تا نظری صادر نشده باشد، تجدیدنظر در خصوص آن سالبه به انتفای موضوع است.

نکته ۲: نکته فوق به روشنی در ماده ۷ ق.آ.د.م مقرر شده است، طبق این ماده «به ماهیت هیچ دعوایی نمی توان در مرحله بالاتر رسیدگی نمود تا زمانی که در مرحله نخستین در آن دعوا حکمی صادر نشده باشد، مگر به موجب قانون».

نکته ۳: در فرض سؤال، محکوم له می تواند نسبت به خسارت تأخیر تأدیه مجدداً اقامه دعوی نماید.

۲۲. گزینه ۴ پاسخ می باشد.

نکته ۱: طبق تبصره ماده ۳۳۱ ق.آ.د.م، احکام مستند به اقرار در دادگاه قابل تجدیدنظر نیستند.

نکته ۲: اقراری اثر فوق را دارد که «در دادگاه» انجام یا تلقی شود.

نکته ۳: اقرار در یکی از سه مورد ذیل، اقرار در دادگاه محسوب می شود؛

۱. حین مذاکرات جلسه رسیدگی
۲. ضمن دادخواست
۳. ضمن لوایح تقدیمی به دادگاه

نکته ۴: بنا بر نکات فوق، در هر یک از موارد مزبور، حکم صادره اصولاً قابل تجدیدنظر نیست.

۲۳. گزینه ۱ پاسخ می باشد.

نکته ۱: هرگاه شخص ثالثی در موضوع دادرسی اصحاب دعوای اصلی برای خود مستقلاً حقی قائل باشد و یا خود را در محق شدن یکی از طرفین ذی نفع بداند، می تواند تا وقتی که ختم دادرسی اعلام نشده است، وارد دعوا گردد، چه اینکه رسیدگی در مرحله بدوی باشد یا در مرحله تجدیدنظر...»

نکته ۲: ورود ثالث در فرض فوق، منوط به عدم آگاهی وی از جریان دادرسی نیست.

نکته ۳: در خصوص جلب شخص ثالث در مرحله تجدیدنظر، ماده ۱۳۵ تکلیف را مشخص نموده است.

نکته ۴: طبق ماده فوق «هر یک از اصحاب دعوا که جلب شخص ثالثی را لازم بداند، می تواند تا پایان جلسه اول دادرسی جهات و دلایل خود را اظهار کرده و ظرف سه روز پس از جلسه با تقدیم دادخواست از دادگاه درخواست جلب او را بنماید، چه دعوا در مرحله نخستین باشد یا تجدیدنظر».

۲۴. گزینه ۴ پاسخ می باشد.

نکته ۱: اثبات سبق تصرف، رکن اساسی دعاوی ثلاثه است، لذا در همه موارد آن باید اثبات شود.

نکته ۲: طبق ماده ۱۶۱ ق.آ.د.م «در دعاوی تصرف عدوانی، ممانعت از حق و مزاحمت، خواهان باید ثابت نماید که موضوع دعوا حسب مورد قبل از خارج شدن ملک از تصرف وی و یا قبل از ممانعت و یا مزاحمت در تصرف و یا مورد استفاده او بوده و بدون رضایت او و یا به غیر وسیله قانونی از تصرف وی خارج شده است».

۲۵. گزینه ۳ پاسخ می باشد.

نکته ۱: سازش یا در دادگاه انجام می شود یا خارج از آن. هرگاه سازش در دادگاه واقع شود، طبق ماده ۱۸۲ ق.آ.د.م موضوع سازش و شرایط آن به ترتیبی که واقع شده در صورت مجلس منعکس و به امضای دادرس و یا دادرسان و طرفین می رسد.

نکته ۲: سازش در خارج از دادگاه یا به موجب سند رسمی است یا عادی.

نکته ۳: اگر سازش خارج دادگاه به موجب سند رسمی باشد، طبق ماده ۱۸۱ قانون مزبور دادگاه ختم موضوع را به موجب سازش نامه در پرونده مربوط قید می نماید و اجرای آن تابع مقررات راجع به اجرای مفاد اسناد لازم الاجرا خواهد بود. در این مورد نیازی به حضور طرفین در جلسه رسیدگی و اقرار به صحت آن وجود ندارد.

نکته ۴: اگر سازش نامه غیررسمی و عادی باشد، طبق ماده ۱۸۳ همان قانون طرفین باید در دادگاه حاضر شده و به صحت آن اقرار نمایند. اقرار طرفین در صورت مجلس نوشته شده و به امضای دادرس دادگاه و طرفین می رسد در صورت عدم حضور طرفین در دادگاه بدون عذر موجه دادگاه بدون توجه به مندرجات سازش نامه دادرسی را ادامه خواهد داد.

۲۶. گزینه ۲ پاسخ می باشد.

نکته: طبق ماده ۲۱۸ ق.آ.د.م «در مقابل تردید یا انکار، هرگاه ارائه کننده سند، سند خود را استرداد نماید، دادگاه به اسناد و دلایل دیگر رجوع می کند. استرداد سند دلیل بر بطلان آن نخواهد بود، چنانچه صاحب سند، سند خود را استرداد نکرد و سند مؤثر در دعوا باشد، دادگاه مکلف است به اعتبار آن سند رسیدگی نماید».

۲۷. گزینه ۳ پاسخ می باشد.

نکته ۱: طبق ماده ۲۴۴ ق.آ.د.م اقامه شهادت و استماع آن در مواردی خارج از دادگاه انجام می شود.

نکته ۲: مواردی که خارج از دادگاه انجام می شود عبارت اند از؛



۱. معذور بودن شاهد

۲. تصمیم قاضی رسیدگی کننده

نکته ۳: در موارد فوق، استماع شهادت از سوی یکی از قضات دادگاه انجام می شود.

نکته ۴: ماده ۲۴۴ «در صورت معذور بودن گواه از حضور در دادگاه و همچنین در مواردی که دادگاه مقتضی بدارد می تواند گواهی گواه را در منزل یا محل کار او یا در محل دعوا توسط یکی از قضات دادگاه استماع کند.

۲۸. گزینه ۴ پاسخ می باشد.

نکته: طبق ماده ۲۷۱ ق.آ.د.م «در کلیه دعاوی مالی و سایر حقوق الناس از قبیل نکاح، طلاق، رجوع در طلاق، نسب، وکالت و وصیت که فاقد دلایل و مدارک معتبر دیگر باشد سوگند شرعی به شرح مواد آتی می تواند ملاک و مستند صدور حکم دادگاه قرار گیرد.»

۲۹. گزینه ۴ پاسخ می باشد.

نکته ۱: حکم صادره علیه خوانده با شرایط ذیل غیابی محسوب می شود؛

۱. خوانده در هیچ یک از جلسات رسیدگی حاضر نباشد.

۲. احضاریه ابلاغ واقعی نشده باشد.

۳. لایحه ارسال ننموده باشد.

نکته ۲: دقت شود که شرایط فوق راجع به «خوانده» است و نه «خواهان» و حکم صادره نسبت به خواهان همواره حضوری است.

نکته ۳: در فرض سؤال، حکم صادره علیه «خواهان» مورد پرسش واقع شده است.

نکته ۴: سؤال دارای تله تستی است.

۳۰. گزینه ۳ پاسخ می باشد.

نکته ۱: اقرار وکیل علیه موکل خود، طبق ماده ۲۰۵ ق.آ.د.م فقط نسبت به اموری که قاطع دعوی است پذیرفته نمی شود. بنابراین اطلاق گزینه ۱ نادرست است.

نکته ۲: طبق تبصره ماده ۳۳۱ قانون مزبور، احکام مستند به اقرار در دادگاه قابل درخواست تجدیدنظر نیست مگر در خصوص صلاحیت دادگاه یا قاضی صادرکننده رأی. لذا اطلاق گزینه ۲ نادرست است.

نکته ۳: طبق بند ۳ ماده ۳۶۹ همان قانون، سوگند قاطع دعوی مانع فرجام خواهی است اما مستندی جهت عدم قابلیت تجدیدنظر آن وجود ندارد، لذا مانع تجدیدنظر خواهی نیست و گزینه ۳ صحیح است.

نکته ۴: حکم دادگاه اگر مستند به اقرار قاطع دعوی باشد، طبق بند ۱ ماده اخیرالذکر، مانع فرجام خواهی است.

۳۱. گزینه ۱ پاسخ می باشد.

نکته ۱: اگر در قرارداد میان یک تبعه ایرانی و یک تبعه خارجی، طرفین بر ارجاع اختلاف به داوری توافق نمایند، دو حالت متصور است؛ یا داور تعیین شده ایرانی است یا ایرانی نیست. اگر ایرانی باشد شرط و توافق از این حیث با مانعی مواجه نیست و اگر خارجی باشد دو فرض وجود دارد؛ یا داور خارجی دارای تابعیت همان کشوری است که طرف قرارداد تابعیت آن را دارد یا اینکه دارای تابعیت یک کشور سوم است. در فرض نخست چنانچه توافق بر ارجاع به داوری قبل از حدوث اختلاف باشد، باطل و بلا اثر است و اگر بعد از آن باشد صحیح و لازم الاجرا است.

نکته ۲: در فرض سؤال، داور تعیینی دارای تابعیت کشور سوم است لذا اعم از آنکه توافق قبل از حدوث اختلاف به عمل آمده باشد یا بعد از آن، از این حیث صحیح و لازم الاجرا است.

نکته ۳: طبق ماده ۴۵۶ ق.آ.د.م «در مورد معاملات و قراردادهای واقع بین اتباع ایرانی و خارجی، تا زمانی که اختلافی ایجاد نشده است طرف ایرانی نمی تواند به نحوی از انحاء ملتزم شود که در صورت بروز اختلاف حل آن را به داور یا داوران یا هیأتی ارجاع نماید که آنان دارای همان تابعیتی باشند که طرف معامله دارد. هر معامله و قراردادی که مخالف این منع قانونی باشد در قسمتی که مخالفت دارد باطل و بلا اثر خواهد بود.»

۳۲. گزینه ۳ پاسخ می باشد.

نکته ۱: طبق ماده ۳۱۸ ق.آ.د.م «پس از صدور دستور موقت در صورتی که از قبل اقامه دعوا نشده باشد، درخواست کننده باید حداکثر ظرف بیست روز از تاریخ صدور دستور، به منظور اثبات دعوای خود به دادگاه صالح مراجعه و دادخواست خود را تقدیم و گواهی آن را به دادگاهی که دستور موقت صادر کرده تسلیم نماید. در غیر این صورت دادگاه صادرکننده دستور موقت به درخواست طرف، از آن رفع اثر خواهد کرد.»

نکته ۲: بنا بر نکته فوق، درخواست دستور موقت در قانون آیین دادرسی مدنی که از جمله بر محاکم عمومی حقوقی حاکم است، قبل از طرح دعوی امکان پذیر است.

نکته ۳: طبق ماده ۳۴ ق.د.ع.ا «...درخواست صدور دستور موقت پس از طرح شکایت اصلی تا قبل از صدور رأی امکان پذیر است و این درخواست مستلزم پرداخت هزینه دادرسی و پرداخت خسارت های احتمالی نیست.»

نکته ۴: بنا بر نکته فوق، درخواست دستور موقت در دیوان عدالت اداری، قبل از تقدیم دادخواست ممکن نیست.

۳۳. گزینه ۴ پاسخ می باشد.

نکته ۱: طبق ماده ۱۴۶ قانون اجرای احکام مدنی «هرگاه نسبت به مال منقول یا غیرمنقول یا وجه نقد توقیف شده شخص ثالث اظهار حقی نماید اگر ادعای مزبور مستند به حکم قطعی یا سند رسمی باشد که تاریخ آن مقدم بر تاریخ توقیف است، توقیف رفع می شود در غیر این صورت عملیات اجرایی تعقیب می گردد و مدعی حق برای جلوگیری از عملیات اجرایی و اثبات ادعای خود می تواند به دادگاه شکایت کند.»

نکته ۲: طبق ماده فوق، تفاوتی میان مال منقول و غیرمنقول وجود نداشته و فقط کافی است که تاریخ سند رسمی مقدم بر تاریخ توقیف باشد تا از مال رفع توقیف گردد.

۳۴. گزینه ۱ پاسخ می باشد.

نکته ۱: جهت اثبات اعسار تفاوتی ندارد که محکوم علیه واقعاً مالی نداشته یا اینکه مال یا اموالی دارد اما دسترسی به آن ها ممکن نیست.

نکته ۲: طبق تبصره ماده ۶ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی «عدم قابلیت دسترسی به مال در حکم نداشتن مال است. اثبات عدم قابلیت دسترسی به مال بر عهده مدیون است.»



نکته ۳: مفروغ عنه به معنای انجام (اثبات) شده است و در فرض سؤال به این معنا است که وجود ارز در حساب خارجی و انسداد آن به جهت تحریم اقتصادی اثبات شده می باشد.

۳۵. گزینه ۴ پاسخ می باشد.

نکته ۱: دعاوی راجع به اموال عمومی، صرف نظر از مقدار و ارزش آن قابل طرح در شورا نیستند.

نکته ۲: دعاوی راجع به اصل وصیت، صرف نظر از نوع و ارزش آن (در صورتی که تملیکی باشد) از صلاحیت شورا خارج است.

نکته ۳: دعاوی راجع به انفال نیز از صلاحیت شورا خارج شده است.

نکته ۴: رجوع کنید به ماده ۱۱ قانون شورای حل اختلاف مصوب ۱۴۰۲.

۳۶. گزینه ۲ پاسخ می باشد.

نکته: طبق ماده ۱ قانون افراز و فروش املاک مشاع مصوب ۱۳۵۷ «افراز املاک مشاع که جریان ثبتی آن ها خاتمه یافته اعم از اینکه در دفتر املاک ثبت شده یا نشده باشد، در صورتی که مورد تقاضای یک یا چند شریک باشد با واحد ثبتی محلی خواهد بود که ملک مذکور در حوزه آن واقع است. واحد ثبتی با رعایت کلیه قوانین و مقررات ملک مورد تقاضا را افراز می نماید.»

۳۷. گزینه ۳ پاسخ می باشد.

نکته ۱: وجود برخی از قرابت های سببی یا نسبی میان وکیل یا زوجه وی، مانع قبول وکالت نزد مقام قضایی است که در ماده ۱۲ لایحه استقلال قانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳ مقرر شده است.

نکته ۲: طبق ماده فوق «در صورتی که وکیل دادگستری یا زوجه او با دادرس یا دادستان یا دادیار یا بازپرس قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از طبقه دوم داشته باشند مستقیماً یا با واسطه از قبول وکالت در آن دادگاه یا نزد آن دادستان یا دادیار یا بازپرس ممنوع است.»

نکته ۳: همان گونه که در متن ماده مقرر است، تفاوتی میان قرابت سببی و نسبی وجود ندارد و نیز شامل زوجه وکیل نیز می شود.

نکته ۴: قرابت های رضاعی شامل ممنوعیت فوق نیست.

۳۸. گزینه ۱ پاسخ می باشد.

نکته ۱: طبق رای وحدت رویه شماره ۸۴۵ دیوان عالی کشور «مطابق ماده ۱۴۳ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۰۱/۰۸/۱۳۵۶، صدور دستور انتقال و تملیک مال مورد مزایده، مترتب بر اجرای صحیح مقررات و تشریفات برگزاری مزایده و احراز صحت انجام آن توسط دادگاه است، لذا در صورت وجود تخلفات مؤثر در فرآیند برگزاری مزایده، مقررات ماده قانونی یاد شده، مانع از استماع دعاوی ابطال مزایده و سند انتقال اجرائی نیست و در اجرای مواد ۲ و ۳ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹، دادگاه مکلف به رسیدگی به دعاوی اقامه شده از سوی شخص ذی نفع می باشد.»

نکته ۲: انتقال مال مورد مزایده به دیگری و به طور کلی وجود معاملات بعدی، مانع اجرای رأی فوق نیست.

نکته ۳: اعتبار امر مختوم شامل «دستور» هایی که توسط دادگاه صادر شده، نمی شود.

نکته ۴: اگرچه ممکن است اجرای رأی فوق در مواردی به حقوق اشخاص ثالث خللی وارد آورد، لکن این امر مانع جریان رأی مزبور نیست، چرا که از این حیث اطلاق دارد.

۳۹. گزینه ۴ پاسخ می باشد.

نکته ۱: در دعاوی تصرف عدوانی، سبق تصرف خواهان به انضمام سایر شرایط مقرر قانونی، شرط صدور حکم به نفع خواهان است.

نکته ۲: سند مالکیت از شرایط مقرر قانونی نیست، بلکه می تواند در زمره قرائن مثبت قرار گیرد.

نکته ۳: طبق ماده ۱۶۲ ق.آ.د.م «در دعاوی تصرف عدوانی و مزاحمت و ممانعت از حق ابراز سند مالکیت دلیل بر سبق تصرف و استفاده از حق می باشد مگر آنکه طرف دیگر سبق تصرف و استفاده از حق خود را به طریق دیگر ثابت نماید.»

نکته ۴: منظور از دلیل، در واقع قرینه احراز سبق تصرف خواهان است.

نکته ۵: بنا بر نکات فوق، اگر چه ارائه سند مالکیت می تواند صدور حکم به نفع خواهان را تسهیل کند، اما شرط صدور حکم مزبور نیست.

۴۰. گزینه ۴ پاسخ می باشد.

نکته ۱: اگر دلیلی که یکی از طرفین به آن استناد می کند در اختیار طرف مقابل باشد دو حالت متصور است؛

۱. آن طرف به وجود سند در اختیار خود اقرار می کند

۲. آن طرف به وجود سند در اختیار خود اقرار نمی کند

نکته ۲: در دو فرض فوق به ترتیب احکام ذیل جاری است؛

۱. دادگاه می تواند آن را جزء قرائن اثبات کننده ادعای استناد کننده بداند.

۲. دادگاه نمی تواند هیچ گونه استنادی به آن داشته باشد.

نکته ۳: در فرض سؤال به اقرار طرف مقابل اشاره نشده لذا اطلاق آن که شامل عدم اقرار هم می شود صحیح نیست.

نکته ۴: رجوع کنید به ماده ۲۰۹ ق.آ.د.م

حقوق تجارت:

۴۱. گزینه ۱ پاسخ می باشد.

مستندات قانونی: ماده ۱ و ۱۵ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی و مواد ۴۳۳ و ۴۳۴ قانون تجارت

نکته ۱: اگر امر ورشکستگی به اداره تصفیه امور ورشکستگی ارجاع گردد در این صورت عضو ناظر تعیین نخواهد شد.

نکته ۲: در این صورت اداره تصفیه اقدام به مهر و موم اموال تاجر ورشکسته خواهد نمود.

نکته ۳: در صورتی که اداره تصفیه بتواند انبارها- مغازه ها- کالا _ کارخانجات تاجر ورشکسته را اداره نماید در این صورت مهر و موم صورت نمی گیرد.



نکته ۴: در صورتی که امر تصفیه تاجر ورشکسته به مدیر تصفیه ارجاع گردد عضو ناظر که در حکم دادگاه تعیین می شود مهر و موم اموال تاجر را انجام خواهد داد مگر این که صورت برداری ظرف یک روز انجام شود که در این صورت مهر و موم لازم نیست.

۴۲. گزینه ۲ پاسخ می باشد.

مستندات قانونی: ماده ۲۵ قانون بازار اوراق بهادار و ماده ۲۱ و ۱۸۳ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت

نکته ۱: بر اساس ماده ۲۵ قانون بازار اوراق بهادار افزایش سرمایه در شرکت های سهامی عام بعد از موافقت سازمان بورس و اوراق بهادار ممکن است.

نکته ۲: مقررات مربوط به سازمان بورس و اوراق بهادار فقط در مورد شرکت های سهامی عام مجری است. چرا که به صراحت ماده ۲۱ لایحه قانونی قسمتی از قانون تجارت شرکت های سهامی خاص نمی توانند سهام خود را در بورس اوراق بهادار عرضه نمایند.

نکته ۳: برای افزایش سرمایه در شرکت های سهامی خاص فقط تسلیم اظهارنامه به ضمیمه سایر مدارک مذکور در ماده ۱۸۳ لایحه اصلاح به مرجع ثبت شرکت ها کافی خواهد بود.

نکته ۴: سایر مواردی که موافقت سازمان بورس و اوراق بهادار برای آن لازم است، ثبت شرکت های سهامی عام و انتشار آگهی پذیره نویسی می باشد.

۴۳. گزینه ۳ پاسخ می باشد.

مستندات قانونی: مواد ۶ و ۱۴ قانون تجارت الکترونیک

نکته ۱: هرگاه وجود نوشته از نظر قانون لازم باشد داده پیام در حکم نوشته است.

نکته ۲: داده پیام از حیث محتویات و امضای مندرج در آن، تعهدات طرفین یا طرفی که تعهد کرده و قائم مقام آنها در حکم اسناد معتبر و قابل استناد در محاکم قضایی است.

نکته ۳: هرگاه وجود یک نوشته از نظر قانون لازم باشد، «داده پیام» در حکم نوشته است مگر در موارد زیر:

الف - اسناد مالکیت اموال غیرمنقول.

ب - فروش مواد دارویی به مصرف کنندگان نهایی.

ج - اعلام، اخطار، هشدار و یا عبارات مشابهی که دستور خاصی برای استفاده کالا صادر می کند و یا از به کارگیری روش های خاصی به صورت فعل یا ترک فعل منع می کند.

۴۴. گزینه ۴ پاسخ می باشد.

مستندات قانونی: مواد ۳۴۸ و ۳۵۴ و ۳۵۲ و ۳۴۳ قانون تجارت

نکته ۱: دلال وقتی مستحق حق دلالی است که معامله به وساطت و راهنمایی او سر گرفته باشد.

نکته ۲: دلال ضامن اعتبار اشخاصی که برای آن ها دلالی می کند و ضامن اجرای معامله نیست.

نکته ۳: اگر به نحو دیگری توافق نشده باشد دلال حق الزحمه خود را از کسی که او را مأمور کرده است دریافت خواهد نمود.

نکته ۴: اگر به جهت یکی از خيارات قانونی معامله فسخ شود حق الزحمه دلال سلب نمی شود مشروط به این که فسخ مستند به دلال نباشد. همین طور است در صورت انفساخ (اقاله).

۴۵. گزینه ۱ پاسخ می باشد.

مستندات قانونی: ۳۷۶ و ۳۷۵ و ۳۷۳ قانون تجارت

نکته ۱: اگر مال التجاره قیمت بورسی یا بازاری داشته باشد، حق العملکار حق معامله با خود خواهد داشت مگر این که آمر خلاف آن دستور داده باشد.

نکته ۲: در مواردی که حق العملکار شخصاً می تواند طرف معامله قرار گیرد، اگر بدون تعیین طرف معامله برای آمر معامله ای انجام دهد خود طرف معامله محسوب خواهد شد.

نکته ۳: چنانچه آمر از امر خود رجوع کرده باشد، و حق العملکار قبل از ارسال خبر انجام معامله از این رجوع آگاه شود دیگر نمی تواند طرف معامله قرار گیرد. و به عنوان اینکه خود او طرف معامله است به انعقاد معامله استناد نماید.

۴۶. گزینه ۲ پاسخ می باشد.

مستندات قانونی: ۳۸۰ و ۳۸۱ قانون تجارت

نکته ۱: مسئولیت عدل بندی مال التجاره با ارسال کننده است. و خسارات بحری (آواری) ناشی از عیوب عدل بندی بر عهده ارسال کننده است، چرا که ارسال کننده باید مواظبت نماید عدل بندی به طرز صحیحی صورت گرفته باشد.

نکته ۲: اگر عدل بندی عیب ظاهری داشته باشد و متصدی حمل بدون قید عدم مسئولیت آن را پذیرفته باشد مسئول آواری خواهد بود.

۴۷. گزینه ۳ پاسخ می باشد.

مستندات قانونی: مواد ۴۱ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت

نکته ۱: به صراحت ماده ۴۱ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مشروط نمودن نقل و انتقال سهام شرکت سهامی عام به موافقت مدیران و یا مجامع شرکت ممکن نیست.

نکته ۲: از آنجا که در ماده صراحتاً از شرکت های سهامی عام نام به میان آورده و در خصوص شرکت های سهامی خاص موضوع را با سکوت برگزار کرده است لذا با توجه به مفهوم مخالف ماده در خصوص شرکت های سهامی خاص این محدودیت وجود ندارد.

۴۸. گزینه ۴ پاسخ می باشد.

مستندات قانونی: مواد ۸۷ و ۸۸ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت

نکته ۱: تصمیمات در مجمع عمومی عادی همواره با اکثریت نصف به علاوه یک آرای حاضرین در جلسه اتخاذ می شود.

نکته ۲: اگر تصمیمات راجع به انتخاب مدیران و بازرسان شرکت باشد اکثریت نسبی کافی خواهد بود.

نکته ۳: در نصاب تشکیل مجمع عمومی عادی شرکت سهامی در دعوت حضور دارندگان اقلاً بیش از نیمی از سهام شرکت که حق رأی دارند لازم است و در صورتی که این نصاب حاصل نشود در دعوت مجدد مجمع با حضور هر تعداد از سهام دارانی که حق رأی دارند رسمیت خواهد داشت.

نکته ۴: تصمیمات در مجمع عمومی مؤسس با اکثریت دو ثلث آرای حاضرین و در مجمع عمومی فوق العاده نیز با اکثریت دو سوم آرای حاضرین در جلسه اتخاذ می گردد.

۴۹. گزینه ۱ پاسخ می باشد.

مستندات قانونی: تبصره ۱ ماده ۱۱۹ و ۱۱۰ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت

نکته ۱: اشخاص حقیقی که به عنوان نماینده شخص حقوقی عضو هیئت مدیره انتخاب می شوند، در حکم عضو هیئت مدیره هستند.



نکته ۲: اشخاص حقوقی را می توان به سمت مدیریت شرکت انتخاب نمود در این صورت می بایست یک شخص حقیقی به عنوان نماینده دائم خود انتخاب نماید.

نکته ۳: شخص حقیقی عضو هیئت مدیره دارای همان مسئولیت های مدنی و کیفری عضو حقوقی هیئت مدیره است که با او مسئولیت تضامنی دارد.

نکته ۴: عزل نماینده حقیقی شخص حقوقی در صورتی است که در همان زمان جانشین آن کتباً معرفی شود.

۵۰. گزینه ۲ پاسخ می باشد.

مستندات قانونی: مواد ۵۸۷ قانون تجارت و ماده ۳۰۰ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت

نکته ۱: شرکت های دولتی به محض ایجاد و بدون نیاز به ثبت دارای شخصیت حقوقی می شوند.

نکته ۲: شرکت های دولتی تابع قانون تاسیس و مقررات اساسنامه خود هستند مگر در موارد سکوت که در این صورت تابع مقررات لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت خواهند بود.

نکته ۳: شرکت هایی شرکت دولتی محسوب می شود که حداقل ۵۱ درصد سهام آنها متعلق به دولت باشد.

۵۱. گزینه ۳ پاسخ می باشد.

مستندات قانونی: رأی وحدت رویه شماره ۱۳۹۹/۳/۲۷-۷۸۸ هیأت عمومی دیوان عالی کشور- ماده ۴۱۸ قانون تجارت

نکته ۱: تاجر ورشکسته از تاریخ صدور حکم ورشکستگی از مداخله در اموال خود ممنوع است.

نکته ۲: از تاریخ حکم ورشکستگی تمامی دعاوی مرتبط با تاجر ورشکسته به طرفیت مدیر تصفیه اقامه می گردد.

نکته ۳: بعد از صدور حکم ورشکستگی تمامی دیون تاجر ورشکسته با رعایت تخفیفات مقتضی حال می گردد.

نکته ۴: مستفاد از نکات فوق و رأی وحدت رویه ۷۸۸ مطالبه خسارت تأخیر تادیه از تاجر ورشکسته قابل مطالبه نیست.

نکته ۵: مستفاد از رأی وحدت رویه ۷۸۸ ضامن نمی تواند تعهدی بیشتر از مضمون عه خود داشته باشد.

۵۲. گزینه ۴ پاسخ می باشد.

مستندات قانونی: مواد ۴۱۳ و ۵۴۲ و ۵۴۳ قانون تجارت و رأی وحدت رویه ۷۶۳ هیئت عمومی دیوان عالی کشور

نکته ۱: یکی از جهاتی که محکمه به ورشکستگی تاجر رسیدگی می نماید، خود اظهاری تاجر است.

نکته ۲: به استناد رأی وحدت رویه شماره ۷۶۳ هیئت عمومی دیوان عالی کشور اگر تاجر به تکالیف خود در ماده ۴۱۳ قانون تجارت عمل ننماید باز هم دعوای ورشکستگی از وی پذیرفته می شود.

نکته ۳: مستفاد از ماده ۵۴۲ قانون تجارت و بند ۲ این ماده در صورتی که تاجر مطابق ماده ۴۱۳ عمل ننماید، محکمه ممکن است او را به ورشکستگی به تقصیر محکوم نماید، اما در هر حال به جهت احراز این ترک فعل تاجر ورشکسته محکمه برای صدور حکم ورشکستگی به تقصیر او سایر جهات را نیز در نظر می گیرد و این بر خلاف ماده ۵۴۱ قانون تجارت است که در صورت احراز موارد آن محکمه در هر صورت حکم به ورشکستگی به تقصیر تاجر ورشکسته می دهد.

نکته ۴: با توجه به ماده ۵۴۳ قانون تجارت ورشکستگی به تقصیر جنحه محسوب می شود و مجازات دارد.

۵۳. گزینه ۱ پاسخ می باشد.

مستندات قانونی: ماده ۴۲۲-۴۲۱ قانون تجارت

نکته ۱: هرگاه تاجر ورشکسته فته طلبی داده یا براتی صادر کرده که قبول نشده یا براتی را قبولی نوشته سایر اشخاصی که مسئول تأدیه وجه فته طلب یا برات می باشند باید با رعایت تخفیفات مقتضیه نسبت به مدت وجه آن را نقداً بپردازند یا تادیه آن را در سر وعده تأمین نمایند.

نکته ۲: همین که حکم ورشکستگی صادر شد قروض موبل با رعایت تخفیفات مقتضیه نسبت به مدت به قروض حال مبدل می شود.

۵۴. گزینه ۲ پاسخ می باشد.

نکته ۱: به صراحت ماده ۴۲۴ قانون تجارت اگر مشخص شود تاجر قبل از تاریخ توقف به قصد فرار از ادای دین معامله ای بنماید که متضمن ضرر بیش از ربع قیمت حین معامله بوده است آن معامله قابل فسخ است.

نکته ۲: همچنین است در رابطه با معامله ای که به قصد اضرار هیئت طلبکاران صورت گرفته باشد.

نکته ۳: ماده ۴۲۵ قانون تجارت: هرگاه محکمه به موجب ماده قبل حکم فسخ معامله را صادر نماید محکوم علیه باید پس از قطعی شدن حکم مالی را که موضوع معامله بوده است عیناً به مدیر تصفیه تسلیم و قیمت حین معامله آن را قبل از آنکه دارایی تاجر به غرماً تقسیم شود دریافت دارد و اگر عین مال مزبور در تصرف او نباشد تفاوت قیمت را خواهد داد.

نکته ۴: طبق ظاهر ماده ۴۲۴، قابلیت فسخ معاملات متضمن ضرر بیش از ربع به دوران قبل توقف مربوط است، لذا گزینه ۴ نادرست است.

گزینه ۱ نادرست است، زیرا باتوجه به گزینه ۲، منظور از «صحیح است» صحیح و غیرقابل فسخ است.

مهارت تست زنی؛ در حل سوالات، هر گزینه را با توجه به سایر گزینه ها تفسیر کنید، گاهی یک گزینه، گزینه دیگری را مقید می کند، مانند همین سوال.

۵۵. پاسخ گزینه ۳ می باشد.

بازرسان شرکت های سهامی وظایف متعددی به موجب قانون دارند مأموریت اصلی آنها بررسی حساب های شرکت است اما باید دانست که کار بازرسان جنبه نظارتی دارد و در صورتی که به نادرستی حسابی پی ببرند فقط می توانند آن را به مجمع عمومی عادی گزارش دهند. بنابراین گزینه ۳ که اصلاح صورتحساب را نیز در صلاحیت ایشان قرار داده، صحیح نیست.

اما اعلام جرم به مراجع قضایی و اعلام تخلفات مدیران به مجمع در ماده ۱۵۱ لایحه از وظایف بازرسان برشمرده شده است. در ماده ۱۴۸ لایحه نیز به تکلیف بررسی صحت مطالبی که مدیران به مجمع می دهند توجه شده است.

۵۶. گزینه ۲ پاسخ می باشد.

از این جهت که مسئولیت تضامنی در قانون فقط برای ظهرنویسان و صادرکننده سفته در صورت رعایت مواعد قانونی مشخص شده است و از طرفی مسئولیت تضامنی امری استثنایی است و می بایست تفسیر مضیق شود، و نمی توان به موارد مشابه تسری پیدا کند. بنابراین مسئولیت دارندگان متعدد سند که آن را با ظهرنویسی به دیگری منتقل می کنند به فرض رعایت مواعد قانونی اشتراکی است و در صورتی که نسبتی برای مسئولیت ایشان مشخص نشده باشد به تساوی مسئول پرداخت خواهند بود.

۵۷. گزینه ۱ پاسخ می باشد.

۱- مطابق مفهوم مخالف ماده ۱۹۳ لایحه اصلاحی، کاهش اجباری قابل اعتراض نیست.



۲- براساس ماده قانونی یاد شده فقط کاهش اختیاری سرمایه قابل اعتراض در دادگاه می باشد. مدت این اعتراض دو ماه از تاریخ انتشار آخرین آگهی راجع به تصمیم مجمع عمومی برای کاهش سرمایه است. زیرا تصمیم مجمع عمومی فوق العاده برای کاهش سرمایه می بایست یک بار در روزنامه رسمی و یک بار در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می گردد باید منتشر گردد.

نکته: کاهش اجباری سرمایه شرکت هنگامی است که: اولاً بر اثر زیان های وارده، نصف سرمایه شرکت از میان برود. ثانیاً: مجمع عمومی فوق العاده به انحلال شرکت رأی ندهد. بلکه تصمیمش بر بقای شرکت باشد. ثالثاً: سرمایه از دست رفته جبران نشود.

۵۸. گزینه ۱ پاسخ می باشد.

نکته ۱: گزینه ۲ نادرست است، زیرا شرکت الف و مدیر عامل آن قطعاً مسئول هستند.

گزینه ۳ نادرست است، چرا که مدیر عامل شرکت ب، به عنوان نماینده ظهنویس فاقد مسئولیت است و ماده ۱۹ قانون صدور چک، مسئولیت تضامنی را صرفاً برای نماینده صادرکننده مقرر نموده و نه نماینده ظهنویس.

گزینه ۴ نادرست است، زیرا اگر چه هر دو شرکت مسئول هستند اما مدیر عامل شرکت ب فاقد مسئولیت است.

نکته ۲: گزینه ۱ پاسخ است زیرا اولاً مسئولیت را منحصر به شرکت های الف و ب ننموده ثانیاً چون مواعید قانونی برای اعتراض عدم تادیه مطابق مواد ۳۱۵ و ۳۱۷ قانون تجارت رعایت شده است امکان استفاده از اصل مسئولیت تضامنی موضوع ماده ۲۴۹ قانون تجارت وجود دارد و صادر کننده و ظهنویس متضامناً مسئول هستند.

نکته ۳: به طور کلی در فرض مسئله شرکت الف و مدیر عامل آن (مطابق ماده ۱۹ قانون صدور چک) و همچنین شرکت ب در برابر دارنده مسئول هستند. البته شایان ذکر است که شرکت ب چون قراردادی با دارنده فسخ شده حق استناد به ایرادات را دارد.

۵۹. گزینه ۲ پاسخ می باشد.

مسئولیت مطلق نماینده صادرکننده اسناد تجاری فقط در چک پذیرفته شده است که البته در صورتی که ثابت نماید عدم پرداخت به جهت فعل صاحب حساب است در چک هم مسئولیتی نخواهد داشت. اما در برات و سفته کسی که سند را به نمایندگی صادر می کند، در صورتی که عنوان نمایندگی خود را تصریح نکند به همراه کسی که به نمایندگی از جانب او سند را صادر کرده است مسئول پرداخت خواهد بود و البته این مسئولیت خارج از قواعد قانون تجارت در خصوص اسناد تجاری است و نیاز به رعایت مواعید قانونی ندارد.

۶۰. گزینه ۳ پاسخ می باشد.

با توجه به اصل تنجیزی اسناد تجاری انتقال، پرداخت و قبولی می بایست منجز باشد و نمی تواند مشروط به شرطی باشد و چنانچه برات گیر قبولی را مشروط به شرطی نماید، برات نکول شده تلقی خواهد شد اما، چنانچه دارنده برات شرط ذیل برات را اجرا نمود، قبول کننده مکلف به پرداخت خواهد بود.

اصول و متون فقه:

۶۱. گزینه ۱ پاسخ می باشد.

نکته: اصل استصحاب دارای دو رکن مهم است؛ یقین سابق و شک لاحق. در ماده یقین به حق فسخ برای متوفی وجود دارد اما شک ایجاد می شود که این حق به ورثه می رسد یا خیر که با استصحاب و بقای یقین سابق این حق برای ورثه باقی می ماند.

۶۲. گزینه ۲ پاسخ می باشد.

نکته ۱: ماده ۳ قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مواد ۱۳ قانون بیمه و ۴۹۰ قانون مجازات را تخصیص زده است.

نکته ۲: بیمه حوادث راننده چیست و چه تفاوتی با بیمه شخص ثالث دارد؟ بیمه حوادث راننده، که بخشی از بیمه شخص ثالث است، خسارات جانی وارد بر راننده مقصر حادثه را پوشش می دهد. بیمه شخص ثالث خسارات وارده به اشخاص ثالث (سرنشینان و عابران) را پوشش می دهد، اما بیمه حوادث راننده مختص آسیب های جانی راننده مقصر است.

نکته ۳: بنابراین مطابق قانون بیمه ی شخص ثالث ماده ی ۳، دیه راننده مقصر به نرخ روز نبوده و مطابق آن چیزی است که در بیمه نامه آمده است؛ حتی اگر رأی دادگاه چندین سال پس از حادثه صادر شود در ماده ۴۹۰ و ۱۳ به روز بودن دیه سایر افراد به جز راننده مقصر اشاره شده است.

۶۳. گزینه ۲ پاسخ است.

نکته ۱: استصحاب نام های دیگری از جمله «ابقا ماکان» را دارد.

نکته ۲: در تعارض استصحاب سببی با مسببی، استصحاب سببی مقدم می شود.

نکته ۳: در تعارض استصحاب با قاعده قرعه، به نظر قوی تر قاعده قرعه مقدم است اما برخی استصحاب را مقدم می دانند.

نکته ۴: موضوع اختلافی نکته ۳ مانع انتخاب گزینه ۲ به عنوان گزینه صحیح و برتر نمی باشد زیرا در تعارض برائت با استصحاب، استصحاب و در تعارض استصحاب با قاعده ید، قاعده ید و در تعارض استصحاب سببی با استصحاب مسببی، استصحاب سببی مقدم می شود.

۶۴. گزینه ۴ پاسخ می باشد.

نکته: اعمال در این ماده محذوف است و باید آن را در معنا بیان نمود تا جمله تکمیل شود لذا دلالت از نوع اقتضا می باشد. ماده ی ۴۲۰ قانون مدنی؛ خیار غبن بعد از علم به غبن فوری است. نیز همین دلالت را دارد.

۶۵. گزینه ۱ پاسخ می باشد.

نکته ۱: جمله ی وصفیه با یک حرف ربطی "که" جمله ی بعدی را وصف می کند که اینجا به این گونه بیان شده: "که عیب مخفی و موجود در حین عقد" این جمله ی وصفیه می باشد که با حرف ربطی بیان شده است. این وصف احترازی می باشد یعنی از ورود سایر وصف ها جلوگیری می کند.

نکته ۲: "خیار عیب وقتی برای مشتری ثابت می شود که عیب مخفی و موجود در حین عقد باشد." مفهوم مخالف این است که اگر عیب مخفی نباشد و ظاهر باشد، خیار عیب ثابت نمی شود.

نکته ۳: مطابق با نظر دکتر کاتوزیان، آگاهی نسبت به وجود عیب، در صورتی مانع از وجود خیار خواهد شد که خریدار این آگاهی را داشته باشد که عیب مشاهده شده در مبیع، باعث ایجاد اختلال در مصرف آن شده و یا از ارزش آن می کاهد.

۶۶. گزینه ۲ پاسخ می باشد.

نکته ۱: در عام بدلی اگر یکی از مصادیق عام محقق شود حکم هم به تبع آن محقق می شود.



نکته ۲: یک نفر به صورت علی البدل و نا معین مشمول حکم می شود. این نوع عام در واجب کفایی و غصب وجود دارد.

نکته ۳: مثال: ۳۱۷ ق.م. مالک می تواند عین و در صورت تلف شدن عین مثل یا قیمت تمام یا قسمتی از مال مغضوب را از غاصب اولی یا از هر یک از غاصبین بعدی که بخواهد مطالبه کند. هر یک از غاصبین به صورت علی البدل پرداخت کند تکلیف از عهده ی سایرین ساقط می شود.

۶۷. گزینه ۳ پاسخ می باشد.

نکته ۱: مشتری و بایع همچنان بعد از مستحق للغیردرآمدن مبیع و باطل شدن عقد به اعتبار آنچه در گذشته نامیده می شدند همچنان مشتری و بایع نامیده شده اند لذا هر دو لفظ مجازا به اعتبار ماکان و علاقه ماکان استعمال شده اند.

نکته ۲: علاقه ماکان: اگر فردی بایع، مشتری، قیم یا وصی یا زوج و زوجه بوده، اما الان هیچ کدام از این صفت ها را نداشته باشد و همچنان به اعتبار گذشته به همین نام ها در مورد ایشان صحبت شود، این واژگان در معنای مجازی استعمال شده اند. (رمز: این نوع از علاقه در عقود باطل یا منحل شده بیشتر به کار می رود.)

به طور مثال در ماده ۳۸۷ ق.م: بعد از انفساخ عقد بیع بگوئیم، بایع و مشتری در حالی که بیع منحل شده، یا بعد از رفع حجر محجور، همچنان به فرد بگوئیم قیم مثل ماده ی ۱۲۴۵ ق.م، یا بعد از انحلال نکاح همچنان بگوئیم زوجه مانند ماده ی ۳۸ قانون حمایت از خانواده

۶۸. گزینه ۲ پاسخ می باشد.

نکته: قسمت اول ماده که باید یکسال تعریف کند واجب تعیینی است و قسمت دوم ماده که مشخص شده واجب تخییری است. باید دقت کنید که سوال فقط در مورد قسمتی است که زیر آن خط کشیده است.

نکته: در صورتی که تردید داشته باشیم که واجب تعیینی است یا تخییری اصل بر تعیینی بودن است.

واجب تخییری	تخییر شرعی	امر به یک عمل از چند عمل تعلق گرفته که مکلف مخیر است یکی را امتثال کند.
واجب تعیینی	تخییر عقلی	امر به یک عمل معین تعلق گرفته و از مصادیق واجب تعیینی است.

۶۹. گزینه ۴ پاسخ می باشد.

نکته ۱: اصل عدم شباهت زیادی با اصل برائت دارد ولی با آن متفاوت است. در اصل عدم هرگاه در وجود یا عدم چیزی شک داشته باشیم اصل عدم آن است. قاعده ی «البینه علی المدعی و الیمین علی من انکر» مبتنی بر اصل عدم است. همچنین ماده ۸۷۶ قانون مدنی نیز مبتنی بر اصل عدم می باشد.

نکته ۲: در اصل برائت وقتی تکلیفی در مرحله واقع وجود داشته باشد ولی دلیلی برای پی بردن به آن نداشته باشیم، در مقام عمل و در ظاهر بنا را بر برائت و بری بودن مکلف از تکلیف می گذاریم.

۷۰. گزینه ۳ پاسخ می باشد.

نکته ۱: با توجه به صورت سوال که آیا کشت و کار تغییر محسوب می شود باید پاسخ داد که اگر تغییر محسوب شود حق رجوع واهب ساقط می شود ولی اگر شک داریم کشت و کار تغییر محسوب می شود یا خیر در صورت تردید حق رجوع واهب را استصحاب می کنیم و شک از نوع رافعیت رافع است. یعنی در صورتیکه امری قابلیت بقا دارد، حق رجوع واهب، اما یک امربرونی مانع ادامه آن می شود و بعد تردید می کنیم اصلا این مورد (کشت و کار) جز رافع ها و از بین برنده مستصحب می شود یا خیر؟ شک از نوع رافعیت رافع است.

۷۱. گزینه ۲ پاسخ می باشد.

نکته ۱) اگر رأی بر اساس نظر اجتهادی باشد که خطاست، نقض نمی شود.

نکته ۲) حکم صادره دارای اعتبار امر مختومه است منتها اگر عدم صلاحیت قاضی ثابت شود رأی نقض می شود.

نکته ۳) اگر طرفین دعوا تراضی کنند نمی توانند دعوا را نزد حاکم دیگری ببرند تا حکم جدیدی صادر شود.

نکته ۴) اگر یکی از طرفین دعوا ادعا کند نظر قاضی مطابق فقه نبوده و قاضی دیگری متوجه شود رأی بر مبنای نظر اجتهادی قاضی صادر شده حکم را نقض نمی کند اما اگر متوجه بشود رأی خلاف فقه است به طوریکه اگر قاضی اول متوجه بود رأی را نقض می کرد، رأی صادره را نقض می کند.

۷۲. گزینه ۱ پاسخ می باشد.

نکته: جواز تقاص در صورت عدم اقامه دعوا: وقتی تقاص جایز است که مرافعه را نزد حاکم نبرده باشد، پس او را قسم داده باشد وگرنه تقاص بعد از قسم، جایز نیست و اگر بعد از آن تقاص کند مالک آن نمی شود.

۷۳. گزینه ۴ پاسخ می باشد.

۱. تطلیق امرأه لم تکن فی حبالته، وتزویج من کانت مزوجة

اعطای وکالت باید در امری باشد که فرد وکیل توانایی شرعی و قانونی انجام آن را دارد اما در جاییکه توانایی انجام آن را ندارد مثل طلاق دادن زنی که اصلا در عقد زوجیت نباشد اینجا وکالت صحیح نیست.

۲. اذا قدم زید او اهل هلال الشهر وکلتنک

اگر زید بایاید یا هلال ماه را ببینیم وکالت می دهیم که این نوع وکالت تعلیق در اصل عقد دارد و باطل است.

۳. توکیل علی بیع مال الغیر من دون ولایة علیه

اعطای وکالت در امری است که سائغاً فی نفسه می باشد یعنی ذاتاً جایز باشد در فروش مال غیر وکالت باطل است

۴. توکیل الزوجة فی أن تطلق نفسها بنفسها

وکیل نمودن زوجه در طلاق به این که او خودش را طلاق دهد یا دیگری را از طرف شوهر یا از طرف خودش وکالت دهد، جایز می باشد. (اعطای وکالت در طلاق صحیح است)

۷۴. گزینه ۳ پاسخ می باشد.



نکته: مخالفت وکیل از امر موکل: اگر وکیل مخالفت کند و کار را به صورتی انجام دهد که عقد وکالت شامل آن نباشد، پس اگر چیزی باشد که فضولی در آن جاری است مانند عقدها، صحت آن بر اجازه موکل توقف دارد؛ و در مخالفت وکیل فرقی نیست بین اینکه مباین و منافی مورد وکالت باشد مثل اینکه او را در فروش خانه اش وکیل نموده ولی وکیل آن را اجاره دهد و بین اینکه در بعضی از خصوصیات در مورد وکالت، مخالفت کند مثل این که او را وکالت داده که خانه اش را نقدی یا با خیار فسخ بفروشد، ولی او به طور نسبی یا بدون خیار به فروش برساند.

۷۵. گزینه ۲ پاسخ می باشد.

نکته: ۱) اگر افسار مقرر به ثبوت برسد در صورتی که صنعتی و یا نیروی کاری نداشته باشد اشکالی نیست در اینکه باید او را مهلت دهند تا متمکن شود، ۲) اگر دارای صنعت یا نیروی کار باشد، آیا حاکم او را تحویل طلبکارش می دهد تا از وی کار بکشد؟ ۳) یا اینکه او را به اجیری بدهد و اجرتش را بابت طلبش بردارد؟ ۴) یا حاکم مهلتش می دهد و ملزمش می کند که در این مهلت به کار و کسب بپردازد تا بتواند ذمه خود را بری سازد و در نتیجه کاسبی کردن برای دادن قرض بر او واجب شود؟ ۴) آنکه حاکم او را مهلت بدهد و الزامش هم نکند و در نتیجه کاسبی کردن بر او واجب نشود؟ اگر به خودی خود صاحب مالی شد آن وقت اداء دین بر او واجب شود؟ و جوهی است که شاید وجیه ترین آنها وجه میانی باشد، بلکه اگر بنابر همان وجه میانی الزام به کسب ممکن نشد مگر به همین که او را تسلیم طلبکارش کند و طلبکار او را بکار بگیرد آن وقت تسلیم به طلبکار جایز است (به عبارت دیگر حاکم در صورتی معسر را تحویل به طلبکار می دهد که الزام به کسب طلب ممکن نباشد مگر در صورتی که معسر را تحویل به طلبکار دهد).

۷۶. گزینه ۱ پاسخ می باشد.

نکته: جواز یا عدم جواز وکیل برای معامله با خود: اگر او را در فروش کالا یا خریدن متاعی وکالت دهد پس اگر تصریح کند که فروش یا خرید از دیگری باشد یا به چیزی تصریح نماید که خود او را شامل شود، اشکالی ندارد؛ و اگر مطلق بگذارد و بگوید: تو وکیل من هستی که این کالا را بفروشی یا فلان متاع را برای من بخری، آیا خود وکیل را شامل می شود تا جایز باشد که کالا را به خودش بفروشد یا متاع را از خودش برای او بخرد یا نه؟ دو وجه، بلکه دو قول است:

۱. اقوای آنها اول (جواز وکیل برای معامله با خود) است

۲. احوط آنها دوم (عدم جواز وکیل برای معامله با خود) است.

۷۷. گزینه ۴ پاسخ می باشد.

نکته: رد مال مورد تقاض در صورت اشتباه: اگر بعد از تقاض معلوم شود که در دعوایش خطا نموده است، واجب است آنچه را که گرفته یا عوض مثلی یا قیمی آن را اگر تلف شده باشد، به او برگرداند و غرامت آنچه را که به او ضرر رسانده بر او می باشد (اشتباه حکمی)؛ و در خطا، بین حکم و موضوع فرقی نیست؛ و اگر معلوم شود آنچه را که گرفته ملک غیر بدهکار است، برگرداندن آن یا عوض آن (اگر تلف شده باشد) واجب است. (اشتباه موضوعی)

۷۸. گزینه ۳ پاسخ می باشد.

نکته: وکالت خاص، عام و مطلق: وکالت یا خاص است و یا عام است و یا مطلق

نکته: وکالت خاص: وکالت خاص آن است که به تصرف معینی در چیز معینی تعلق یابد، مانند اینکه به او در خریدن خانه معینی وکالت دهد و در صحت این گونه وکالت اشکالی نیست.

۷۹. گزینه ۲ پاسخ می باشد.

جواب مدعی علیه می تواند به صورت ذیل باشد:

قول مدعی علیه مبنی بر موقوفه بودن مال مورد منازعه: اگر مدعی علیه در پاسخ مدعی گفت این مال ملک تو نیست بلکه وقف است، حال اگر مدعی علیه ادعای تولیت آن را بکند نزاع متوجه مسئله تولیت می شود دیگر نسبت به خود مال خصومتی باقی نمی ماند و خصومت از این جهت متوجه او می شود که او مدعی تولیت است، حال اگر فتوای ما این باشد که متولی موقوفه می تواند سوگند یاد کند سوگند یاد می کند و دعوای مدعی را ساقط می سازد و اگر تولیت را از خود نفی کند آن وقت اختیار آن مال به دست حاکم می افتد.

قول مدعی علیه مبنی بر ملکیت مال مورد منازعه برای صغیر یا مجنون: همچنین آن صورتی که مدعی علیه بگوید این مال ملک تو نیست بلکه ملک فلان کودک صغیر و یا فلان شخص دیوانه است و ولایت آن کودک و مجنون را هم از خود سلب کند که در اینجا نیز اختیار آن مال به دست حاکم می افتد. (یعنی مدعی علیه بگوید برای مجنون یا صغیر است و خودش هم ولی یا وکیل این دو نباشد؛ اختیار با حاکم است.)

۸۰. گزینه ۱ پاسخ می باشد.

نکته: در خصوص تغییر شرایط حاکم باید به صورت سوال دقت شود که راجع به بعد از صدور حکم پرسیده است.

تغییر وضعیت حاکم: اگر حال حاکم اول بعد از حکم او - به علت مردن یا دیوانگی - تغییر پیدا کند، این تغییر در عمل به حکم او و در لزوم انفاذ آن بر حاکم دیگر اگر استیفای حق متوقف بر آن باشد ضرری نمی رساند.

نکته: فاسق شدن قاضی: اگر حال او به سبب فسق تغییر پیدا کند گاهی گفته می شود به حکم او عمل نمی شود یا تفصیل داده میشود بین این که آشکار شدن فسق او قبل از انفاذ باشد پس به آن عمل نمی شود. یا بعد از آن است پس به آن عمل میشود، ولی عمل به آن مطلقاً مانند بقیه عوارض و جواز انفاذ آن یا وجوب انفاذ آن شبهه است. یعنی نظر امام این است که جواز این است که به حکم عمل شود بلکه حتی واجب عمل کردن به حکم صادر شده است.

حقوق جزای عمومی و اختصاصی:

۸۱. گزینه ۱ پاسخ می باشد.

نکته اول. به موجب رای وحدت رویه شماره ۸۵۳ گزینه یک صحیح می باشد.

نکته دوم. گزینه دو نادرست است. به موجب رای وحدت رویه شماره ۷۲۹ (در جرم کلاهبرداری مرتبط با رایانه، هرگاه تمهید مقدمات و نتیجه حاصل از آن در حوزه های قضایی مختلف صورت گرفته باشد، دادگاهی که بانک افتتاح کننده حساب زبان دیده از بزه در حوزه آن، قرار دارد صالح به رسیدگی است)

نکته سوم. در جرم کلاهبرداری مرتکب علاوه بر حبس به جزای نقدی معادل مال کلاهبرداری شده محکوم می شود.

۸۲. گزینه ۲ پاسخ می باشد.



نکته اول. مطابق ماده ۳۷۵، در قتل عمد اصولاً اکراه کننده به حبس درجه یک و اکراه شونده به قصاص محکوم می شود زیرا اکراه در قتل مجوز قتل نیست.

نکته دوم. ماده ۳۷۵ قانون مجازات اسلامی: اکراه در قتل مجوز قتل نیست و مرتکب قصاص می شود و اکراه کننده به حبس درجه یک محکوم می شود.

نکته سوم. اگر اکراه شونده طفل غیر ممیز یا مجنون باشد، اکراه کننده به قصاص محکوم می شود.

نکته چهارم. اگر اکراه شونده طفل ممیز باشد اکراه کننده به حبس درجه یک و عاقله طفل ممیز عهده دار دیه هستند.

نکته پنجم. به موجب ماده ۳۷۶، مجازات حبس ابد برای اکراه کننده مشروط به وجود شرایط عمومی قصاص در اکراه کننده و حق اولیای دم می باشد و قابل گذشت و مصالحه است.

اگر اکراه کننده به هر علت به حبس ابد محکوم نشود، به مجازات معاون در قتل محکوم می شود.

نکته ششم: در صورت این سؤال تصریح شده است که آمر اکراه کننده می باشد.

۸۳. گزینه ۳ پاسخ می باشد.

نکته اول. طبق رای وحدت رویه ۸۳۸،

نظر به اینکه مقنن به موجب ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری با بیان عبارت (پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است) کیفر مرتکب

واحد جرم کلاهبرداری را تعیین نموده است و از طرف دیگر در ماده ۱۲۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مجازات شریک جرم را مجازات فاعل مستقل قرار داده است، لذا با

توجه به لزوم تفسیر مضیق قوانین کیفری چنانچه کلاهبرداری با مشارکت دو یا چند نفر انجام شده باشد، جزای نقدی هریک از شرکای جرم به میزان سهم او از مال اخذ شده تعیین

خواهد شد و صدور حکم بر محکومیت هریک از شرکا به پرداخت جزای نقدی معادل کل مبلغ مورد کلاهبرداری، تعیین مجازات بیش از میزان مقرر قانونی خواهد بود و در مواردی که

سهم هریک از شرکا دقیقاً معلوم نباشد، میزان جزای نقدی به صورت مساوی بین آنان تعیین می گردد.

نکته دوم. کلاهبرداری ا هر مبلغی قابل گذشت است (اصلاحی ۱۴۰۳/۲/۲۵).

۸۴. گزینه ۴ پاسخ می باشد.

نکته ۱: معافیت در قالب حکم است نه قرار.

نکته ۲: معافیت در تعزیرات درجه ۷ و ۸ صادر می شود نه فقط در حبس های تعزیری درجه ۷ و ۸.

نکته ۳: رمز معافیت کلمه «جگفا» می باشد.

نکته ۴: فقدان سابقه مؤثر کیفری شرط است نه فقدان سابقه کیفری.

۸۵. گزینه ۱ پاسخ می باشد.

نکته اول. محدوده ضمان پزشک نسبت به تلف یا صدمات بدنی ناشی از عمل جراحی یا طبی مشروع با لحاظ بند ج ماده ۱۵۸ و مواد ۴۹۵ و ۴۹۶ به شرح بعدی است.

نکته دوم. اصل: هرگاه پزشک در معالجاتی که انجام می دهد موجب تلف یا صدمه بدنی گردد (وجود رابطه سببیت بین معالجه و تلف یا صدمه) پزشک ضامن دیه است.

نکته سوم. استثناء:

۱. مگر اینکه پزشک ثابت کند که عمل او مطابق مقررات پزشکی و موازین فنی بوده و عدم قصور یا عدم تقصیر در علم و عمل خود را ثابت کند، در این صورت ضمانی بر عهده پزشک

نیست.

۲. یا اگر پزشک قبل از معالجه، براءت اخذ کرده باشد ضامن خسارات نیست مگر اینکه بیمار یا اولیای دم او، تقصیر پزشک را ثابت کنند.

نکته چهارم. در انجام عمل جراحی مشروع و وقوع تلف یا صدمه، اگر اقدام پزشک با اخذ رضایت نامه باشد، فرض بر تقصیر پزشک است و در صورتی که پزشک عدم تقصیر خود را ثابت

کند، دیه و ضمان متوجه او نیست.

نکته پنجم: در حالت فوق در صورتی که پزشک عدم تقصیر خود را ثابت نکند، دیه و ضمان متوجه او می باشد.

نکته ششم: انجام عمل جراحی مشروع و وقوع تلف یا صدمه، اگر اقدام پزشک با اخذ براءت نامه باشد، فرض بر عدم تقصیر پزشک است در صورتی که بیمار یا اولیای او، نتوانند تقصیر

پزشک را ثابت کنند، دیه و ضمان متوجه او نیست.

نکته هفتم. در حالت فوق اگر بیمار یا اولیای دم بتوانند تقصیر پزشک را ثابت کنند، دیه و ضمان متوجه او می باشد.

نکته هشتم. اخذ براءت از مریض که نابالغ یا مجنون باشد، معتبر نیست و در این وضعیت براءت از ولی مریض تحصیل می شود.

نکته نهم. پزشک عمد و قاصد در وقوع جنایت تابع احکام جنایات عمدی مجازات می شود.

نکته دهم. در موارد ضروری که تحصیل براءت ممکن نباشد و پزشک برای نجات مریض طبق مقررات عمل کند کسی ضامن تلف یا صدمه وارده نیست.

نکته یازدهم. در مورد ولی مریض جهت اخذ براءت نامه، ولی مریض اعم است از ولی خاص (پدر و جد پدری) و ولی عام (رهبری).

نکته دوازدهم. در مورد فقدان یا عدم دسترسی به ولی خاص، رئیس قوه قضائیه با استیذان از مقام رهبری و تفویض اختیار به دادستان های مربوطه نسبت به اعطاء براءت به طبیب

اقدام می نماید.

۸۶. گزینه ۲ پاسخ می باشد.

نکته اول. مستند به بند ب ماده ۲۹۱.

نکته دوم. اشتباه در موضوع دو حالت دارد:

الف. اشتباه از انسان به انسان (اشتباه در هویت)

ب. اشتباه از شی یا حیوان به انسان.

نکته سوم. کشاورز به جای شلیک به حیوان به انسان تیر اندازی کرده است که به موجب ماده ۲۹۱ در حکم شبه عمد است.

نکته چهارم. کشاورز در هدف اشتباه کرده است و تیر به کودک اصابت کرده است و درواقع نسبت به کودک، قصد فعل و قصد نتیجه نداشته است که به این علت خطای محض است اما

چون مرتکب تقصیر شده است (استفاده از اسلحه غیر مجاز)، از حالت خطای محض خارج شده و قتل شبه عمد محسوب می شود.

نکته پنجم. چنانچه قصد فعل و قصد نتیجه در قتل وجود نداشته باشد اما مرتکب آگاه باشد که اقدام او نوعاً موجب جنایت بر دیگری می شود، قتل عمدی محسوب می شود.

۸۷. گزینه ۳ پاسخ می باشد.



نکته اول: مستند به ماده ۲۹۲ بند الف، جنایت به وسیله صغیر چه ممیز و چه غیر ممیز خطای محض محسوب می شود.

نکته دوم: تمام جرایم عمدی قصد فعل دارند.

نکته سوم: جرایم عمدی ممکن است قصد نتیجه داشته باشند.

در واقع قانونگذار برای برخی جرایم سوء نیت خاص یا همان قصد نتیجه را لازم دانسته است مانند قتل عمدی.

نکته چهارم: در مسئله مذکور قصد فعل (قصد توهین به سفیه) وجود داشته است و قصد نتیجه (قصد کشتن سفیه) وجود داشته است.

نکته پنجم: در قتل عمد قصد فعل و قصد نتیجه هر دو وجود دارند.

نکته ششم: وسیله در قتل عمد شرط نیست.

نکته هفتم: با توجه به اینکه در مسئله مذکور قصد فعل و نتیجه هر دو وجود داشته است و مرتکب قصد قتل او را داشته، وسیله اهمیت ندارد که توهین باشد یا سوزن یا چاقو و اسلحه.

۸۸. گزینه ۴ پاسخ می باشد.

نکته ۱: بر اساس ماده ۱۰۴ اصلاحی ۱۴۰۳/۲/۲۵ تمامی سرقت ها غیر قابل گذشت می باشند.

نکته ۲: نظام نیمه آزادی در جرایم قابل گذشت ممکن نیست.

نکته ۳: چون سرقت غیر قابل گذشت است مرور زمان شکایت که ویژه جرایم قابل گذشت است در سرقت ممکن نیست.

نکته ۴: ماده ۱۰۴ و اصلاحات اخیر بسیار سؤال خیز است.

۸۹. گزینه ۱ پاسخ می باشد.

نکته اول. برای آن که مجازاتی را معلق کنیم لازم است دو موضوع را مدنظر قرار داد: ۱. جرم کنونی فرد. ۲. سابقه فرد

نکته دوم. دو جرم معاونت سرقت در شب و خیانت در امانت از جرایم مذکور در ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی (جرایم غیر قابل تعلیق و تعویق) نیستند.

نکته سوم. شرط برخورداری از تعلیق و تعویق، فقدان سابقه موثر کیفری است، به عبارتی فردی که سابقه موثر کیفری داشته باشد تعلیق را غیر ممکن می کند، حتی اگر جرم اخیر او از جرایم ماده ۴۷ نباشد.

نکته چهارم. دو سال حبس به موجب ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی، درجه شش است.

نکته پنجم. حبس درجه شش، با توجه به ماده ۲۵ و محکومیت های موثر، غیر موثر است پس سابقه موثر در فرض مسئله وجود ندارد.

۹۰. گزینه ۲ پاسخ می باشد.

نکته اول. عفو خصوصی فقط درباره محکومان است برخلاف عفو عمومی که هم درباره محکومان و هم درباره متهمان اعمال می شود.

نکته دوم. در عفو خصوصی بر خلاف عفو عمومی، آثار محکومیت کیفری زایل نمی شود.

نکته سوم. عفو عمومی به موجب مصوبه مجلس و عفو خصوصی به پیشنهاد رییس قوه قضاییه و موافقت مقام رهبری است.

نکته چهارم. به عفو خصوصی، (بخشودگی) هم گفته می شود.

نکته پنجم. بابت یادگیری نکات بیشتر به کتاب تسلط نامه حقوق جزا (استاد قاضی زاده) مراجعه شود.

۹۱. گزینه ۳ پاسخ می باشد.

نکته اول. مستند به ماده ۹۰ قانون مجازات اسلامی، دادگاه می تواند با توجه به گزارش های رسیده از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او در کانون اصلاح و تربیت، یک بار در رای خود

تجدید نظر کند و مدت نگهداری را تا یک سوم تقلیل دهد، یا نگهداری را به تسلیم طفل یا نوجوان به ولی یا سرپرست قانونی او تبدیل نماید...

نکته دوم. به موجب ماده ۹۳ دادگاه می تواند در صورت احراز جهات تخفیف، مجازات ها را تا نصف حداقل تقلیل دهد و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان را به اقدام دیگری تبدیل نماید.

نکته سوم. شدیدترین اقدام تأمینی و تربیتی پایین ترین اقدام است، برخلاف مجازات های تعزیری که شدیدترین آن، بالاترین مجازات است.

نکته چهارم.

در مورد نوجوانان شلاق حدی ممکن است.

نکته پنجم. در مورد نوجوانان شلاق تعزیری ممکن نیست زیرا مجازات ها در جرایم تعزیری (ماده ۸۹) مشخص است.

نکته ششم. در مورد نوجوانان، مجازات حبس تعزیری ممکن نیست پس جایگزین حبس ندارد.

۹۲. گزینه ۴ پاسخ می باشد.

نکته: ماده ۱۲۲ و نمودار شروع به جرم بسیار سؤال خیز است.

۹۳. گزینه ۱ پاسخ می باشد.

این سوال، سوال ساده ای است چون کافی است بدانید که گزاره سوم بصورت قطعی نادرست است و چاره ای جز انتخاب گزینه ۱ ندارید.

نکته اول. اصل صلاحیت واقعی یا واقعی بودن قوانین جزایی (اصل حمایتی یا حفاظتی) در ماده ۵ ق.م.ا ذکر شده است

نکته دوم. تابعیت مرتکب در اصل حفاظتی، کلیه اشخاص با هر تابعیتی است و محدود به ایرانی ها نیست.

نکته سوم. در اصل تابعیت فعال (اصل شخصی بودن قوانین جزایی) واصل تابعیت منفعل در مواد ۷ و ۸ ق.م.ا «شرط یافت یا استرداد» بیان شده است.

نکته چهارم. در اصل صلاحیت جهانی یا بین المللی بودن قوانین جزایی (همگانی) تنها شرط «یافت شدن» مرتکب در قلمرو ایران بیان شده است و شرط «یافت شدن یا استرداد» نیامده است. (ماده ۹ ق.م.ا)

نکته پنجم. مطابق ماده ۴ ق.م.ا هرگاه قسمتی از جرم یا نتیجه آن در قلمرو حاکمیت ایران واقع شود، در حکم جرم واقع شده در ایران است.

۹۴. گزینه ۲ پاسخ می باشد.

نکته اول. ماده ۲۷ ق.م.ا مربوط به شلاق تعزیری است و در حدود، قصاص، دیات راه ندارد.



نکته دوم. به استناد تبصره ماده ۱۵، موضوع شلاق های منصوص تعزیری از شمول ماده ۲۷ خارج است و لذا شلاق های منصوص شرعی همانند شلاق های حدی می باشند و محاسبه نمی گردند.

نکته سوم. در گزینه دوم همه تعزیرات را بیان کرده است، در حالی که باید تعزیرات منصوص شرعی را جدا می کرد.

نکته چهارم. با توجه به ماده ۲۷ ق.م.ا چنانچه مجازات متعدد باشد به ترتیب نسبت به حبس، شلاق و جزای نقدی محاسبه می گردد.

نکته پنجم. بازداشت موقت تنها با حبس، شلاق، جزای نقدی محاسبه می شود و نه همه مجازات ها.

لذا به موجب نکات فوق، به جز گزینه دوم، سایر گزینه ها صحیح هستند.

۹۵. گزینه ۳ پاسخ می باشد.

نکته اول. باتوجه به ماده ۲۹ ق. م. ا

در بازداشت بدل از جزای نقدی، اگر محکوم به جزای نقدی صرف باشد، هرروز بازداشت معادل ۲۵۰۰۰ تومان و حداکثر مدت بازداشت بدل از جزای نقدی، سه سال است.

نکته دوم. اگر محکومیت به جزای نقدی توأم با حبس باشد، حداکثر مدت بازداشت بدل از جزای نقدی همان سه سال است مگر اینکه حداکثر حبس قانونی آن جرم کمتر از سه سال باشد که در این صورت همان مدت کمتر ملاک است.

۹۶. گزینه ۴ پاسخ می باشد.

نکته اول. تقلیل (نه تبدیل) حبس درجه ۵ و ۶ به میزان یک تا دو درجه

نکته دوم. تبدیل حبس درجه ۵ و ۶ به جزای نقدی متناسب با همان درجه، یعنی حبس درجه ۶ به جزای نقدی درجه ۶ تبدیل می شود.

نکته سوم. تبدیل سایر مجازات های تعزیری به مجازات دیگر از همان درجه یا یک درجه پایین تر، در نتیجه تبدیل شلاق درجه ۶ به جزای نقدی درجه ۶ یا ۷.

نکته چهارم. تقلیل سایر مجازات های تعزیری به میزان یک یا دو درجه (تا دو درجه).

۹۷. گزینه ۱ پاسخ می باشد.

نکته اول: مستند به ماده ۶۶۳ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات، هرکس عالماً در اشیا و اموالی که توسط مقامات ذی صلاح توقیف شده است و بدون اجازه دخالت یا تصرفی نماید که منافی با توقیف باشد ولو مداخله کننده یا متصرف مالک آن باشد به حبس محکوم خواهد شد.

نکته دوم: دخالت در اموال توقیف شده زمانی جرم است که منافی با توقیف باشد.

نکته سوم: در فرض مسئله از آنجایی که با انجام اعمالی محل نگهداری مال توقیف شده را مختل و دستکاری کرده است. لذا عمل منافی با توقیف محقق گردیده و جرم مداخله در اموال توقیف شده تحقق یافته است.

نکته چهارم: اما اگر شخصی با اتومبیل با سرعت در حال رانندگی باشد و مأمور راهنمایی و رانندگی اتومبیل را توقیف کند و به پارکینگ ببرد، اما شخص راننده در موقعیتی مناسب وارد پارکینگ شود و کیف سی دی هایش را از داخل ماشین بردارد، جرمی محقق نشده زیرا عمل او منافی با توقیف نبوده است.

نکته پنجم: سرقت نیست زیرا مال متعلق به خودش بوده است.

۹۸. گزینه ۲ پاسخ می باشد.

نکته: مصادره کل اموال درجه یک و مصادره بخشی از اموال درجه هفت محسوب می شود.

۹۹. گزینه ۳ پاسخ می باشد.

نکته اول: سرقت ربودن مال غیر است نه مال خود.

نکته دوم: در صورتی که عین مال متعلق به رایبنده باشد سرقت محقق نخواهد شد حتی اگر یک شخص دیگر از حق یا منفعتی بر آن مال برخوردار باشد.

نکته سوم: هرگاه عین مالی از دیگری غصب یا حتی اجاره شده باشد، ربایش آن توسط مغضوب منه یا موجر سرقت نیست.

نکته چهارم: منفعت آتی (آینده) مال مورد اجاره هنوز موجود نمی باشد تا بتواند مورد سرقت قرار گیرد.

نکته پنجم: ربودن عین مرهونه یا مستاجره توسط راهن یا موجر، سرقت نیست.

نکته ششم: منقول بودن و قابلیت جابه جایی، شرط لازم برای وقوع سرقت است در نتیجه غیر منقول حکمی، آنگاه که تمام یا بخشی از آن جا به جا شود می تواند سرقت باشد.

۱۰۰. گزینه ۴ پاسخ می باشد.

نکته اول. در کلاهبرداری رایانه ای برخلاف کلاهبرداری موضوع جرم فقط مال نیست و می تواند مال، منفعت، خدمات یا امتیاز مالی باشد.

نکته دوم. مجازات کلاهبرداری رایانه ای از درجه پنج محسوب می شود و لذا قابل تعلیق است.

نکته سوم. شروع به کلاهبرداری رایانه ای هم جرم است.

نکته چهارم. وارد کردن رمز کارت عابر بانک متعلق به دیگری به صورت غیر مجاز و بردن مال مشمول کلاهبرداری رایانه ای مذکور در ماده ۷۴۱ قانون مجازات اسلامی می باشد.

نکته پنجم. این سؤال برگرفته از کتاب تسلط نامه جزا استاد قاضی زاده (سوال ۱۲۱۱) می باشد.

آیین دادرسی کیفری:

۱۰۱. پاسخ گزینه ۳ می باشد.

نکته اول: از ۵ مرحله دادرسی کیفری، مرحله ۱ و ۲ و ۳ یعنی کشف و تعقیب و نیز دفاع از کیفرخواست و مرحله ۵ یعنی اجرا با دادرسی است که در معیت دادگاه صالح به مرحله ۴ یعنی دادگاه صالح به محاکمه کیفری انجام وظیفه می کند. طبق «اصل معیت دادرسی و دادگاه در موارد رسیدگی غیرمستقیم کیفری» که در ماده ۲۲ و ۳۱۷ ق.آ.د.ک. ۹۲ آمده است، برای احراز صلاحیت دادرسی باید به صلاحیت دادگاه متبوع آن نگاه کرد و به عبارتی طبق این ضربالمثل حقوقی رفتار کرد: «دادگاه را ببین و دادرسی را بگیر».

نکته دوم: در ماده ۲۶ ق.آ.د.ک. ۹۲ دادگاه محل وقوع اگر هم تشکیل شده باشد، صلاحیت ندارد اما در ماده ۴۰۱ ق.آ.د.ک. ۹۲ دادگاه محل وقوع جرم اگرچه صالح هست اما تشکیل نشده است. به طور خیلی خلاصه و رمزی در ماده ۲۶ دادگاه محل وقوع اگر هم تشکیل شده، صالح نیست اما در ماده ۴۰۱ دادگاه محل وقوع صالح هست ولی تشکیل نشده است.

نکته سوم: مصداق ماده ۲۶ مواردی است که صلاحیت محلی در مورد برخی جرائم بر اساس نوع آن ها مانند ماده ۳۰۵ و در مورد برخی مقامات بر اساس سمت آنان در شغل مانند مواد ۳۰۷ و ۳۰۸ و ۵۸۵ و ۵۹۸ و یا سمت آنان در جرم مثل مواد ۳۱۱ و تبصره ۳۱۱ و تبصره ۳۱۲ ق.آ.د.ک. ۹۲ تعیین می شود نه بر اساس محل وقوع جرم. توضیح مفصل این نکته در



فایل ۳۳۳ نکته‌ای احراز صلاحیت کیفری آمده است که در سایت مؤسسه داداستان (به نشانی Dadestan.com) قابل مشاهده و دانلود است لکن خلاصه آن این است که در این موارد، دادگاه محل وقوع جرم، صالح به رسیدگی نیست و به تبع آن طبق «اصل معیت دادرسی و دادگاه در موارد رسیدگی غیرمستقیم کیفری» دادرسی محل وقوع جرم هم صالح به وظایف قانونی خود نیست مثلاً به جرم استاندار خراسان رضوی، دادگاه‌های مشهد صالح نیستند زیرا استاندار یک مقام ۳۰۷ است و به تبع دادگاه‌های مشهد، دادرسی مشهد هم صلاحیت انجام وظایف چهارگانه خود به شرح نکته ۱ را ندارد.

نکته چهارم: اما در ماده ۴۰۱ ق.آ.د.ک. ۹۲ دادگاه کیفری یک یا انقلاب یا کیفری یک ویژه نوجوانان محل وقوع جرم صالح هست اما در آن محل و در دادگستری آن شهرستان تشکیل نشده است یا اگر تشکیل شده، با کمبود قاضی مواجه است و قاضی علی‌البدلی هم در آن دادگستری شهرستان برای وی وجود ندارد. طبق اصل معیت به شرح نکته ۱ و ۲، چون دادگاه محل وقوع جرم، بر فرض تشکیل، صالح به محاکمه است، لذا دادرسی محل وقوع که تشکیل هم شده است، صلاحیت انجام وظایف چهارگانه خود را دارد. البته چون دادگاه کیفری یک طبق ماده ۲۹۶ و دادگاه انقلاب طبق ماده ۲۹۷ و دادگاه کیفری یک ویژه نوجوانان طبق ماده ۳۱۵ اصلاحی ۳/۲۴/۱۳۹۴ اصولاً در شهرستان‌های مرکز استان‌ها تشکیل می‌شوند و در سایر شهرستان‌ها اصولاً تشکیل نمی‌شوند مگر به تشخیص رئیس قوه قضائیه، بنابراین اصولاً شهرستان‌های غیرمرکز استان، این سه دادگاه تشکیل نمی‌شوند. در اینجاست که طبق ماده ۴۰۱ دادرسی محل وقوع جرم به وظایف خود عمل و پس از صدور کیفرخواست در دادرسی محل وقوع جرم، پرونده طبق تبصره ۱ ماده ۲۹۶ ق.آ.د.ک. ۹۲ به لحاظ عدم تشکیل دادگاه صالح در شهرستان محل وقوع جرم یا به جهت کمبود قاضی صالح و در اجرای ذیل ماده ۴۲۲ به نزدیک‌ترین شعبه هم عرض دادگاه صالح در شهرستان مجاور در همان استان، صرفاً برای محاکمه ارسال می‌شود و حتی وظیفه دفاع از کیفرخواست و اجرای حکم صادره نیز با همان دادستان دادرسی محل وقوع جرم است.

نکته پنجم: در خصوص قسمت دوم سوال، با توجه به متن ماده ۲۷ قانون مزبور دادستان شهرستان مرکز استان بر اقدامات دادستان‌ها، مقامات قضائی دادرسی شهرستان‌های آن استان و افرادی که وظایف دادستان را در دادگاه بخش بر عهده دارند، از حیث این وظایف و نیز حسن اجرای آراء کیفری نظارت می‌کند و تعلیمات لازم را ارائه می‌نماید.

۱۰۲. پاسخ گزینه ۲ می‌باشد.

نکته اول: گزینه ۲ خلاف ماده ۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری است به خاطر سه اشتباه مندرج در آن یکی قید الزاماً دیگری مأمور مرد و دیگری موازین قانونی که قانون می‌گوید در صورت امکان باید امور زن طبق موازین شرعی از ایشان تحقیق کند.

نکته دوم: صحیح بودن سایر گزینه‌ها از حیث انطباق با مواد ۳۶، ۴۱ و ۵۶ قانون فوق است.

۱۰۳. پاسخ گزینه ۲ می‌باشد.

نکته اول: وفق ماده ۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری سقوط دعوای عمومی موجب سقوط دعوای خصوصی نیست، هرگاه تعقیب امر کیفری به جهتی از جهات قانونی موقوف یا منتهی به صدور قرار منع تعقیب یا حکم برائت شود، دادگاه کیفری مکلف است، در صورتی که دعوای خصوصی در آن دادگاه مطرح شده باشد، مبادرت به رسیدگی و صدور رأی نماید.

نکته دوم: و دلیل صحیح بودن سایر گزینه‌ها به لحاظ انطباق موضوع با مفاد مواد ۱۷، ۱۸ و ۱۹ و تبصره این ماده از قانون فوق می‌باشد.

۱۰۴. پاسخ گزینه ۴ می‌باشد.

نکته اول: بر اساس ماده ۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری از جمله شرایط آن می‌توان به سایر گزینه‌های مندرج در سوال فوق اشاره نمود، از جمله فقدان سابقه مؤثر کیفری متهم، جرم تعزیری درجه ۷ و ۸، شاکی گذشت نموده یا وجود نداشته، اخذ التزام کتبی

نکته دوم: قابلیت تعلیق بزه انتسابی از جمله شرایط قرار تعلیق تعقیب به عنوان یکی دیگر از قرارهای اصل مقتضی بودن تعقیب به موجب ماده ۸۱ این قانون می‌باشد.

۱۰۵. پاسخ گزینه ۴ می‌باشد.

نکته اول: ضمن نادرست بودن گزینه ۴ علت صحیح بودن سایر گزینه‌ها از سوال فوق به لحاظ انطباق با مفاد مواد ۹۶ و ۱۳۲ قانون آیین دادرسی کیفری می‌باشد، موارد انتشار تصاویر عبارتند از:

الف) متهمان به ارتکاب جرائم عمدی موضوع بند های الف، ب، پ و ت ماده ۳۰۲ این قانون که متواری بوده و دلایل کافی برای توجه اتهام به آنان وجود داشته باشد و از طریق دیگری امکان دستیابی به آنان موجود نباشد، به منظور شناسایی آنان و یا تکمیل ادله، تصویر اصلی و یا تصویر به دست آمده از طریق چهره نگاری آنان منتشر می‌شود.

ب) متهمان دستگیر شده که به ارتکاب چند فقره جرم نسبت به اشخاص متعدد و نامعلومی نزد بازپرس اقرار کرده اند و تصویر آنان برای آگاهی بزه دیدگان و طرح شکایت منتشر می‌شود.

پ) وفق تبصره ۱ ماده ۱۳۲ قانون مذکور در صورت ضرورت بازپرس می‌تواند دستور انتشار تصویر متوفی را در پایگاه‌های اطلاع رسانی نیروی انتظامی یا پزشکی قانونی و یا به هر نحو مناسب دیگر صادر نماید.

۱۰۶. پاسخ گزینه ۱ می‌باشد.

نکته اول: سؤال فوق از جمله سؤالات پر تکرار در آزمون‌های اخیر آزمایشی مؤسسه به لحاظ اهمیت موضوع می‌باشد و از طرفی امکان خلط موضوع بین عدم امکان دسترسی شاکی و همچنین عدم امکان دسترسی متهم به اوراق پرونده وجود دارد، که در سؤال فوق و با عنایت به مفاد تبصره‌های یک و سه ماده ۱۰۰ قانون آیین دادرسی کیفری چنانچه بازپرس مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق پرونده را بنا به درخواست شاکی منافی با ضرورت و کشف حقیقت بداند با ذکر دلیل قرار رد درخواست را صادر می‌نماید (برخلاف مفاد ماده ۱۹۱ قانون مذکور که چنانچه این دسترسی توسط متهم منافی با کشف حقیقت بداند اقدام به صدور قرار عدم دسترسی می‌نماید)

نکته دوم: و از طرفی حسب مفاد تبصره سه ماده مذکور شاکی باید از انتشار مطالب و مدارکی که انتشار آن‌ها به موجب شرع یا قانون ممنوع است امتناع نماید مگر در مقام احقاق حق خود در مراجع صالح

۱۰۷. پاسخ گزینه ۳ می‌باشد.

نکته اول: سؤال فوق مربوط به مواد متعددی از قانون آیین دادرسی کیفری مرتبط با بحث تأمین خواسته کیفری می‌باشد، که ضمن صحیح بودن پاسخ گزینه سوم از سؤال فوق به لحاظ انطباق این پاسخ با متن صریح ماده ۱۰۷ و تبصره آن در این قانون

نکته دوم: در خصوص نادرست بودن سایر گزینه‌ها باید توضیح داد که اجرای قرار تأمین خواسته مطابق با نص صریح ماده ۱۰۹ قانون مزبور توسط اجرای احکام کیفری دادرسی مربوطه بوده و مقام صادرکننده در اجرای آن نقشی ندارد

نکته سوم: و همچنین مطابق با ماده ۱۱۱ قانون فوق دادگاه حقوقی به اعتراض اشخاص ثالث نسبت به توقیف اموال ناشی از اجرای قرار تأمین خواسته مطابق مقررات اجرای احکام مدنی رسیدگی می‌نماید



نکته چهارم: و از طرفی وفق ماده ۱۱۳ قانون مزبور در صورتی که به جهتی از جهات قانونی تعقیب متهم موقوف یا قرار منع تعقیب صادر و یا پرونده به هر کیفیت مختومه شود پس از قطعیت رأی و اجرای آن از قرار تأمین خواسته رفع اثر می‌شود.

نکته پنجم: همچنین اضافه می‌گردد قرار تأمین خواسته کیفری برخلاف تأمین خواسته حقوقی برپایه پرداخت خسارت احتمالی نبوده و بلکه مبتنی بر ادله قابل قبول می‌باشد.

۱۰۸. پاسخ گزینه ۱ می‌باشد.

نکته: وفق ماده ۲۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری در باب اقدامات حمایتی از شاهد یا مطلع در موارد بیم خطر جانی یا حیثیتی و یا ضرر مالی می‌توان به سه اقدام حمایتی از جمله سایر بند های موضوع سوال فوق اشاره نمود، لکن بند اول سوال فوق به لحاظ خروج موضوعی از متن ماده ۲۱۴ مشمول این اقدامات حمایتی نمی‌گردد.

۱۰۹. پاسخ گزینه ۴ می‌باشد.

نکته اول: ضمن صحیح بودن گزینه چهارم از سوال فوق از حیث انطباق با مفاد ماده ۲۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری علت نادرستی سایر گزینه ها در این امر می‌باشد؛ اولاً فک مطلق قرارهای تأمین منتهی به بازداشت نیازمند تأیید دادستان نیست و بلکه فک قرار بازداشت موقت نیازمند این امر بر اساس ماده ۲۴۲ قانون فوق می‌باشد، و دوما حدنصاب مدت بازداشت در جرائم مستوجب مجازات های مندرج در ماده ۳۰۲ حداکثر دو سال حبس است، همچنین بر اساس ماده ۲۸۱ صرفاً قبل از ارسال پرونده به دادگاه امکان تغییر در نوع تأمین اخذ شده می‌باشد.

۱۱۰. پاسخ گزینه ۲ می‌باشد.

نکته اول: در خصوص قسمت اول سوال با توجه به مفاد ماده ۲۲۸ قانون آیین دادرسی کفیل یا وثیقه گذار در هر مرحله از تحقیقات و دادرسی با معرفی و تحویل متهم می‌تواند، حسب مورد رفع مسئولیت یا آزادی وثیقه خود را از مرجعی که پرونده در آنجا مطرح است درخواست کند.

نکته دوم: در خصوص قسمت دوم بر اساس ماده ۲۲۲ این قانون در صورت عدم پذیرش تقاضای کتبی وثیقه گذار توسط بازپرس مراتب با ذکر علت در پرونده منعکس می‌شود.

۱۱۱. پاسخ گزینه ۱ می‌باشد.

نکته اول: سوال فوق از حیث صحت به لحاظ انطباق با مفاد ماده ۳۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری می‌باشد.

نکته دوم: دادگاه بخش وفق ماده ۲۹۹ این قانون عهده دار وظایف و اختیارات دادگاه کیفری دو است.

نکته سوم: در دادگاه بخش وظایف دادستان از حیث تجدیدنظر خواهی از آرای صادره وفق ماده ۳۳۶ قانون مذکور برعهده رییس دادگاه بخش است.

نکته چهارم: بر اساس تبصره ماده ۸۰ قانون فوق مرجع تجدیدنظر مربوط به موارد رسیدگی مستقیم برعهده دادگاه تجدیدنظر استان است.

۱۱۲. پاسخ گزینه ۱ می‌باشد.

نکته اول: ضمن صحیح بودن گزینه اول از حیث انطباق با متن بند ج ماده ۴۲۱ علت نادرستی سایر گزینه ها در این امر می‌باشد:

الف) وفق بند ت ماده فوق الذکر، تنها اظهارنظر ماهوی قبلی دادرس در همان امر کیفری از موارد رد دادرس بوده و به علت تفکیک معنایی آن از اظهارنظر ماهیتی و شکلی، باید بین این سه نوع اظهارنظر قائل به تفکیک گردید. برای فهم کامل تفاوت این سه نوع اظهارنظر به تبصره های الحاقی مولف ذیل ماده ۴۲۱ در چاپ چهارم کتاب شبکه سازی یا فایل ۳۳۳ نکته ای احراز صلاحیت کیفری مراجعه فرمایید.

ب) طبق بند الف ماده ۴۲۱ وجود قرابت نسبی یا سببی بین دادرس و هر یک از طرفین پرونده تا درجه سوم از هر طبقه از جهات رد دادرس می‌باشد نه فوت اقرای دادرس که ربطی به طرفین ندارد. فوت اقربا از جهات عذر موجه متهم در ماده ۱۷۸ است نه از جهات رد دادرس در ماده ۴۲۱.

پ) و در نهایت وفق بند ث ماده ۴۲۱ اگرچه وجود دعوی قبلی به عنوان جهت رد دادرس فقط محدود به دعوی کیفری نیست و شامل دعوی حقوقی نیز می‌گردد لکن این امر یعنی زمان طرح دعوی طرفین یا همسر یا والدین یا فرزندان آنها با دادرس یا همسر یا والدین یا فرزندان دادرس، باید قبل از ارجاع پرونده به دادرس باشد و ان دعوی مطروحه قبلی یا منتهی به رای نشده و یا اگر منتهی به رای شده، دوسال از تاریخ صدور رای قطعی آن گذشته باشد. لذا اولاً مطرح شدن دعوی بعد از ارجاع از جهات رد دادرس نیست و در ثانی طبق رای وحدت رویه شماره ۸۲۸ صرف طرح شکایت از قاضی هم به معنی مطرح بودن دعوی کیفری و از جهات رد دادرس نیست.

نکته دوم: ارای وحدت رویه جدید همیشه مورد سوال بوده و هستند رأی وحدت رویه شماره ۸۲۸ - ۱۱/۱۱/۱۴۰۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور که در گزینه ۴ از ان استفاده شده است می‌گوید، صرف طرح دعوی کیفری یا شکایت علیه خود قاضی هم از جهات رد دادرس نیست چه رسد به شکایت از فرزند وی. طبق این رای: «نظر به اینکه اولاً، طبق ماده ۱۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی، بدون دلیل کافی برای توجه اتهام نمی‌توان کسی را به عنوان متهم احضار کرد. ثانیاً، وفق مواد ۳۹ و ۴۰ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰، تعقیب قاضی، در جرایم عمدی منوط به تعلیق وی از سمت قضایی به وسیله دادگاه عالی انتظامی قضات و در جرایم غیر عمدی منوط به تجویز دادستان انتظامی قضات است. ثالثاً، جهات رد جنبه استثنایی دارد و در موارد تردید، مطابق اصل، دادرس مکلف به رسیدگی است. بنابراین، صرف شکایت کیفری از قاضی رسیدگی کننده به معنای «مطرح بودن دعوای کیفری» بین او و شاکی نیست تا به استناد بند «ث» ماده ۴۲۱ قانون صدرالذکر، موجب رد دادرس شود....»

۱۱۳. پاسخ گزینه ۱ می‌باشد.

نکته اول: گزینه ۱ از حیث انطباق با متن ماده ۳۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری صحیح می‌باشد و دادگاه کیفری فقط در حدود مفاد کیفرخواست مبادرت به رسیدگی می‌نماید

نکته دوم: در موارد رسیدگی مستقیم چنانچه دادگاه کیفری یک نظر به عدم وقوع جرم داشته باشد همانند قواعد تحقیقات مقدماتی وفق ماده ۳۸۳ این قانون اقدام به صدور قرار منع تعقیب می‌نماید.

نکته سوم: بر اساس ماده ۳۸۵ این قانون در محاکم کیفری با تعدد قاضی هر یک از طرفین می‌تواند تا سه وکیل به دادگاه معرفی نمایند.

۱۱۴. پاسخ گزینه ۳ می‌باشد.

نکته اول: وخواهی ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ واقعی به عمل می‌آید.

نکته دوم: پس از انقضای مهلت وخواهی رای غیابی صادره حسب مورد قابل تجدیدنظر و یا فرجام است

نکته سوم: درخواست وخواهی ظرف بیست روز از تاریخ اطلاع موجب توقف رای خواهد بود

۱۱۵. پاسخ گزینه ۴ می‌باشد.

نکته: بر اساس بند پ ماده ۴۳۳ قانون آیین دادرسی کیفری جهات تجدیدنظرخواهی دادستان از آرای صادره عبارتند از جهت براءت متهم، عدم انطباق رای با قانون و یا عدم تناسب مجازات



۱۱۶. پاسخ گزینه ۲ می باشد.

نکته: وفق بند ۲ بند ب ماده ۴۶۹ قانون آیین دادرسی کیفری اگر رای صادره از نوع قرار و یا حکمی باشد که علت ناقص بودن تحقیقات نقض شود پرونده مجدداً به همان دادگاه صادرکننده رأی ارجاع می شود

۱۱۷. پاسخ گزینه ۴ می باشد.

نکته: آرای قابل تجدیدنظر یا فرجام خواهی دادگاه های نظامی زمان جنگ ظرف ۷۲ ساعت از زمان ابلاغ قابل تجدیدنظر یا فرجام است

۱۱۸. پاسخ گزینه ۱ می باشد.

نکته اول: هرگاه شیوه اجرای رای در دادنامه نباشد وفق ماده ۴۹۸ قانون آیین دادرسی کیفری قاضی اجرای احکام کیفری مطابق مقررات قانونی اقدام می نماید
نکته دوم: وفق ماده ۴۹۹ این قانون در موارد الزام قانونی یا در صورتی که به لحاظ آثار و تبعات اجتماعی بزه ارتكابی، نحوه ارتكاب جرم و سوابق مرتکب و بیم تجری اجرای علنی حکم وفق سایر شرایط مقرر در این ماده امکان پذیر است

۱۱۹. پاسخ گزینه ۳ می باشد.

نکته اول: وفق ماده ۶۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری صدور قرار تامین خواسته در صورت توجه اتهام به شخص حقوقی امکان پذیر است

نکته دوم: وفق ماده ۶۹۲ این قانون در صورت انحلال غیرارادی شخص حقوقی قرار موقوفی تعقیب صادر می نماید
نکته سوم: براساس ماده ۶۹۵ قانون مذکور اظهارات نماینده شخص حقوقی علیه شخص حقوقی اقرار محسوب نمی گردد
نکته چهارم: وفق ماده ۶۸۹ این قانون پس از حضور نماینده شخص حقوقی مفاد اتهام برای ایشان تبیین می گردد.

۱۲۰. پاسخ گزینه ۱ می باشد.

نکته اول: با توجه به قوانین اجرای احکام مدنی کسبه جز تاجر محسوب نگردیده لذا از شمول ماده ۵۳۹ قانون آیین دادرسی کیفری خارج است و شخص باید دادخواست تقسیط جزای نقدی مطرح نماید

نکته دوم: و براساس تبصره ماده ۵۳۷ این قانون چنانچه اجرای رای دادگاه یا انجام دستور مستلزم فروش مال باشد وفق مقررات اجرای احکام مدنی به عمل می آید؛ همچنین وفق ماده ۵۴۰ قانون مزبور سایر ترتیبات راجع به اجرا تابع قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی است.

قانون اساسی:**۱۲۱. گزینه ۱ پاسخ می باشد.**

نکته ۱. مهمترین رسالت و صلاحیت شورای نگهبان در قانون اساسی پاسداری از دو هنجار برتر نظام جمهوری اسلامی ایران یعنی شرع و قانون اساسی است.

نکته ۲. پیش از تشکیل مجلس شورای اسلامی نهادهای صالح قانون گذاری (مجلس شورای ملی، سنا و شورای انقلاب) قوانینی را وضع کرده اند که هم اکنون برخی از آن ها در نظام جمهوری اسلامی ایران مجری هستند.

پس بخشی از قوانین موجود در نظام حقوقی ما مصوب پیش از انقلاب است، سؤال این است که آیا شورای نگهبان می تواند این قبیل قوانین را مورد بررسی شرعی و قانونی قرار دهد؟
نکته ۳. عده ای از حقوقدانان به دلیل فقدان یک نص قانونی در این خصوص، تردید کرده اند اما با این وجود اصل نظارت شامل قوانین پیش از انقلاب نیز خواهد شد زیرا احتمال وجود قانون خلاف شرع در مجموعه قوانین پیش از انقلاب منتفی نیست.

نکته ۴. از دیگر سو با توجه به اصل ۴ قانون اساسی، قوانین غیر منطبق با موازین شرعی در جمهوری اسلامی ایران اعتباری ندارد و با توجه به اینکه هیچ مرجع دیگری غیر از شورای نگهبان برای تطبیق قوانین با شرع در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران وجود ندارد بنابراین اصل نظارت شرعی شورای نگهبان شامل قوانین قبل از انقلاب نیز خواهد شد.

نکته ۴. همچنین شورای نگهبان در یک نظریه تفسیری خود را برای بررسی قوانین پیش از انقلاب صالح دانسته و در پاسخ به استفسار شورای قضایی مقرر داشته که برای تطبیق قوانین پیش از انقلاب با شرع، مرجع صالح است.

نکته ۵. در خصوص بررسی قوانین از لحاظ مطابقت با شرع، این فقهای شورای نگهبان هستند که صالح به رسیدگی می باشند.

۱۲۲. گزینه ۲ پاسخ می باشد.

نکته ۱. اصل ۱۷۷ قانون اساسی در خصوص بازنگری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان شده است، که پیشنهاد بازنگری، اعضای شورای بازنگری و شرایط بازنگری در قانون اساسی را به طور کامل شرح می دهد.

نکته ۲. در بندهای انتهایی اصل ۱۷۷ به این نکته اشاره می شود که محتوای اصول مربوط به اسلامی بودن نظام و ابتنای کلیه قوانین و مقررات بر اساس موازین اسلامی و پایه های ایمانی و اهداف جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بودن حکومت و ولایت امر و امامت امت و همچنین اداره امور کشور با اتکا به آرای عمومی و دین و مذهب رسمی ایران تغییر ناپذیر است.

در نتیجه بین گزینه های ذکر شده در سوال فقط استقلال قوا در این اصل ذکر نشده و در صورت ضرورت، امکان بازنگری در قوانین مربوط به آن وجود دارد.

۱۲۳. گزینه ۳ پاسخ می باشد.

نکته ۱. فلسفه ی نظارت بر انتخابات، پیشگیری از رقابت ناسالم بین داوطلبان و جلوگیری از تخلفات و خطاهای برگزارکنندگان انتخابات و صیانت از آرای مردم است.

نکته ۲. نظام جمهوری اسلامی ایران بر مبنای آرای عمومی و انتخابات اداره می شود، بدین ترتیب باید نهاد نظارتی در جهت اجرای قانون و صیانت از آرای مردم وجود داشته باشد.
مطابق اصل ۹۹ قانون اساسی شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آرای عمومی و همه پرسی را بر عهده دارد.

نکته ۳. بر این اساس نظارت بر انتخابات به طور کلی در صلاحیت شورای نگهبان است، به جز در مورد انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا که قانون اساسی نظارت بر آن را به شورای نگهبان محول نکرده است.

اصل ۱۰۰ قانون اساسی در رابطه با انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا بیان می دارد: شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان و حدود وظایف و اختیارات، نحوه انتخاب و نظارت شوراهای مذکور و سلسله مراتب آنها را قانون معین می کند.

مقصود از قانون در این اصل، قانون عادی مصوب مجلس شورای اسلامی می باشد.



۱۲۴. گزینه ۴ پاسخ می‌باشد.

برای پاسخ به این سوال نیاز داریم که بر اصل ۲۸ قانون اساسی مراجعه کنیم. این اصل بیان می‌دارد هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.

۱۲۵. گزینه ۱ پاسخ می‌باشد.

اصل ۲۶ قانون اساسی، احزاب، انجمن‌ها، جمعیت‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی و یا اقلیت‌های دینی را که شناخته شده می‌باشند، آزاد می‌داند، مشروط به اینکه استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند و هیچکس را نمی‌توان از شرکت در آن‌ها منع کرد یا به شرکت در یکی از آن‌ها مجبور ساخت. پس در پاسخ به این سؤال با توجه به مطالب یاد شده، نتیجه می‌گیریم که فقط گزینه یک با عنوان حقوق عمومی در این اصل جایی ندارد.

۱۲۶. گزینه ۲ پاسخ می‌باشد.

نکته ۱: مطابق اصل ۹۸ قانون اساسی، تفسیر هر یک از اصول این قانون انحصاراً بر عهده شورای نگهبان است و هیچ مرجع دیگری حق تفسیر هیچ یک از اصول این قانون را ندارد. نکته ۲: در این خصوص نظریات تفسیری متعددی وجود دارد که در یکی از آنها بیان شده است که اصولاً نظریاتی که در ارتباط با قانون اساسی از سوی شورای نگهبان ابراز شده در صورتی که تصریح نشده باشد که مشورتی است طبق اصل ۹۸ قانون اساسی اعلام شده و تفسیری است.

۱۲۷. گزینه ۳ پاسخ می‌باشد.

نکته ۱: هرچند به موجب اصل ۷۱ قانون اساسی مجلس شورای اسلامی که منتخب مردم است حق تصمیم‌گیری در عموم مسائل را دارد، اما به موجب اصل ۴ قانون اساسی مصوبات این مجلس نباید خلاف شرع و قانون باشد.

بنابراین خرد و عقلانیتی در جمهوری اسلامی پذیرفته است که با وحی الهی و شرع ناسازگار نباشد.

نکته ۲: در نظام جمهوری اسلامی ایران شورای نگهبان وظیفه بررسی قوانین از لحاظ مغایرت با شرع و قانون را بر عهده دارد.

نکته ۳: درخصوص تعارض دو قانون که شورای نگهبان هر دو را تایید نموده است، مطابق یکی از آرای تفسیری بیان شده است که: بدون تردید اعتبار قانونی مصوبات مجلس شورای اسلامی منوط به اظهار نظر شورای نگهبان است و در مقام تعارض دو قانون که شورای نگهبان هر دو را تایید نموده است، معیار و ملاک تاریخ تصویب مجلس شورای اسلامی است و در صورت وحدت زمان، قانون خاص قانون عام را تخصیص می‌زند.

۱۲۸. گزینه ۴ پاسخ می‌باشد.

نکته ۱: در قانون اساسی به اصولی برمی‌خوریم که برخی نهادها ذیل هیچ کدام از قوای سه گانه قرار نمی‌گیرند مانند:

● شوراها در اصل ۷ و اصل ۱۰۰ قانون اساسی

● صدا و سیما اصل ۱۷۵ قانون اساسی

● شورای عالی امنیت ملی در اصل ۱۷۶ قانون اساسی

● مجمع تشخیص مصلحت نظام

نکته ۲: یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران ایجاد شوراهای اسلامی است و یکی از مظاهر دموکراسی و حاکمیت مردم به شمار می‌رود.

نکته ۳: اصل ۷ قانون اساسی بیان می‌دارد: شوراها، مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظایر این‌ها از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند. موارد، طرز تشکیل و حدود اختیارات و وظایف شوراها را این قانون و قوانین ناشی از آن معین می‌کند.

نکته ۴: انتخابات شورای شهر تنها انتخابات سراسری در کشور است، که بدون نظارت شورای نگهبان برگزار می‌شود.

نکته ۵: بررسی و رسیدگی به صلاحیت داوطلبان انتخابات شوراهای اسلامی بر عهده هیئت‌های اجرایی و نظارت بر انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا است.

۱۲۹. گزینه ۱ پاسخ می‌باشد.

نکته ۱: طبق ذیل اصل ۱۰۸ قانون اساسی هرگونه تغییر و تجدید نظر در این قانون و تصویب سایر مقررات مربوط به وظایف خبرگان در صلاحیت خود آنان است.

نکته ۲: مصوبات مجلس خبرگان برخلاف قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی برای تشخیص مغایرت یا عدم مغایرت با موازین شرعی و قانون اساسی به شورای نگهبان نمی‌رود، هرچند تدوین مقررات مجلس خبرگان نباید مخالف با قانون اساسی و مخصوصاً با اصول مهم آن مانند متکی بودن نظام بر آرای عمومی باشد.

نکته ۳: شورای نگهبان در نظریه تفسیری ۱/۷۳۴۶ مورخ ۵/۱۳۶۲ اعلام داشته است: تشخیص مغایرت و عدم مغایرت مصوبات مجلس خبرگان با شورای نگهبان نیست، ولی علی‌الاصول همه نهادها باید رعایت قانون اساسی را بنمایند.

مصوبات مجلس خبرگان خارج از محدوده ی اصل ۱۱۱ قانون اساسی و اصول دیگر قانون اساسی اعتبار ندارد.

۱۳۰. گزینه ۲ پاسخ می‌باشد.

نکته ۱: شورای نظارت بر سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران نهادی برای نظارت بر این سازمان است که بر اساس اصل ۱۷۵ قانون اساسی تشکیل شده است.

این شورا را نباید با مرکز نظارت و ارزیابی سازمان صدا و سیما که زیر نظر رئیس سازمان صدا و سیما کار می‌کند اشتباه گرفت.

نکته ۲: اصل ۱۷۵ قانون اساسی در این خصوص بیان می‌دارد: در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تامین گردد.

نصب و عزل رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران با مقام رهبری است.

و شورایی مرکب از نمایندگان رئیس جمهور و رئیس قوه قضاییه و مجلس شورای اسلامی (هر کدام دو نفر) نظارت بر این سازمان خواهند داشت.

خط مشی و ترتیب اداره سازمان و نظارت بر آن را قانون معین می‌کند.

حقوق ثبت:**۱۳۱. گزینه ۳ پاسخ می‌باشد.**

نکته ۱: مستند به ماده ۱۰۴ آئین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرائی مصوب ۱۳۸۷



نکته ۲: هرگاه مورد وثیقه مال منقول باشد بستانکار می تواند بلافاصله بعد از ابلاغ اجرائیه درخواست بازداشت آن را بکند.

۱۳۲. گزینه ۲ پاسخ می باشد.

نکته ۱: مستند به ماده ۱۰۷ آئین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرائی مصوب ۱۳۸۷

نکته ۲: در مواردی که وثیقه دهنده غیر از مدیون اصلی است ابلاغ اجرائیه و سایر عملیات اجرائی باید به طرفیت مالک وثیقه و مدیون جریان یابد.

۱۳۳. گزینه ۳ پاسخ می باشد.

نکته ۱: مستند به ماده ۱۱۲ آئین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرائی مصوب ۱۳۸۷

نکته ۲: مرتهن می تواند مادام که دین بر ذمه راهن باقی است از رهینه اعراض کند.

نکته ۳: هرگاه اعراض قبل از صدور اجرائیه باشد باید مرتهن در دفتر اسناد رسمی مربوطه حاضر شود و با ذکر توضیح در ملاحظات ثبت سند مراتب قید و به امضاء او برسد، در این صورت با توضیح موضوع اعراض اجرائیه صادر خواهد شد.

نکته ۴: اگر پس از صدور اجرائیه رهنی اعراض به عمل آید باید مراتب کتباً به اجراء اعلام و رئیس اجراء پس از احراز صحت انتساب تقاضانامه مذکور موضوع را به متعهد ابلاغ کرده و برابر مقررات اسناد ذمه ای عمل بنماید

۱۳۴. گزینه ۱ پاسخ می باشد.

نکته ۱: مستند به ماده ۱۱۷ آئین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرائی مصوب ۱۳۸۷

نکته ۲: هرگاه مورد وثیقه واقعاً یا حکماً تلف شود، سند تابع مقررات اسناد ذمه ای خواهد بود

۱۳۵. گزینه ۱ پاسخ می باشد.

نکته ۱: مستند به ماده ۱۲۰ آئین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرائی مصوب ۱۳۸۷

نکته ۲: هرگاه بعد از ابلاغ اجرائیه به مدیون وقوع فوت بدهکار مستند به مدرک رسمی اعلام شود اجرا ضمن عملیات اجرائی اطلاعیه ای حاوی صدور اجرائیه و اینکه عملیات اجرائی در چه مرحله ای است به محل اقامت مدیون متوفی الصاق می کند.

نکته ۳: چنانچه ابلاغ اجرائیه به مدیون از طریق درج در روزنامه به عمل آمده باشد اطلاعیه موصوف یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشار محل یا نزدیک به محل، آگهی می شود.

نکته ۴: در این صورت تنظیم صورت مجلس مزایده و یا تنظیم سند انتقال و همچنین ثبت ملک در دفتر املاک به نام خریدار یا بستانکار محتاج به ارائه گواهی حصر وراثت نخواهد بود در مورد فوق هرگاه مال در مزایده به فروش برسد پرداخت مازاد به وراثت موقوف به ارائه گواهی حصر وراثت و گواهی دارائی است.

۱۳۶. گزینه ۴ پاسخ می باشد.

نکته ۱: مستند به ماده ۱۶۲ و ۱۶۳ آئین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرائی مصوب ۱۳۸۷

نکته ۲: به خسارت تأخیر حق الاجرا تعلق می گیرد .

نکته ۳: همین طور است حق الوکاله اگر جزو مدلول سند باشد.

نکته ۴: ابراء ذمه متعهد، بعضاً یا کلاً پس از ابلاغ اجرائیه موجب سقوط ذمه متعهد از حق الاجرا نمی شود و برابر تبصره ماده ۱۳۱ قانون ثبت باید وصول شود.

۱۳۷. گزینه ۴ پاسخ می باشد.

نکته ۱: مستند به ماده ۱۵ قانون ثبت اسناد و املاک کشور مصوب ۱۳۱۰

نکته ۲: اگر تقاضاکننده در موقع تعیین حدود خود یا نماینده اش حاضر نباشد ملک مورد تقاضا با حدود اظهار شده از طرف مجاورین تحدید خواهد شد.

نکته ۳: هرگاه مجاورین نیز در موقع تعیین حدود حاضر نشوند و باین جهت حدود ملک تعیین نگردد اعلان تحدید حدود نسبت به آن املاک تجدید می شود و اگر برای مرتبه دوم نیز تقاضاکننده و مجاورین هیچ یک حاضر نشده و تحدید حدود به عمل نیاید حق الثبت ملک دو برابر اخذ خواهد شد.

۱۳۸. گزینه ۳ پاسخ می باشد.

نکته ۱: مستند به ماده ۱۱ قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۰

نکته ۲: از تاریخ انتشار اولین آگهی مذکور در ماده ۱۰ تا شصت روز باید متصرفین به عنوان مالکیت و اشخاص مذکور در دو ماده ۲۷ و ۳۲ نسبت به املاک واقع در آن ناحیه، به وسیله اظهارنامه درخواست ثبت نمایند.

نکته ۳: اداره ثبت مکلف است تا ۹۰ روز پس از انتشار اولین آگهی مذکور، صورت کلیه اشخاصی را که اظهارنامه داده اند با نوع ملک و شماره ای که از طرف اداره ثبت برای هر یک معین شده در روزنامه ها آگهی نماید.

نکته ۴: این آگهی تا شصت روز، فقط در دو نوبت، به فاصله ۳۰ روز، منتشر خواهد شد.

۱۳۹. گزینه ۳ پاسخ می باشد.

نکته ۱: مستند به ماده ۱۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰

نکته ۲: هرگاه در مورد قسمتی از ملک مورد درخواست متقاضی، قبلاً اظهارنامه ثبتی پذیرفته نشده یا تقدیم نشده باشد، هیات به موضوع رسیدگی و نظر خود را جهت تنظیم اظهارنامه حاوی تحدید حدود، به واحد ثبتی ابلاغ می کند.

نکته ۳: واحد ثبتی مکلف است پس از تنظیم اظهارنامه حاوی تحدید حدود، مراتب را در اولین آگهی نوبتی و تحدید حدود به صورت همزمان به اطلاع عموم برساند.

۱۴۰. گزینه ۴ پاسخ می باشد.

نکته ۱: مستند به ماده ۴ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰

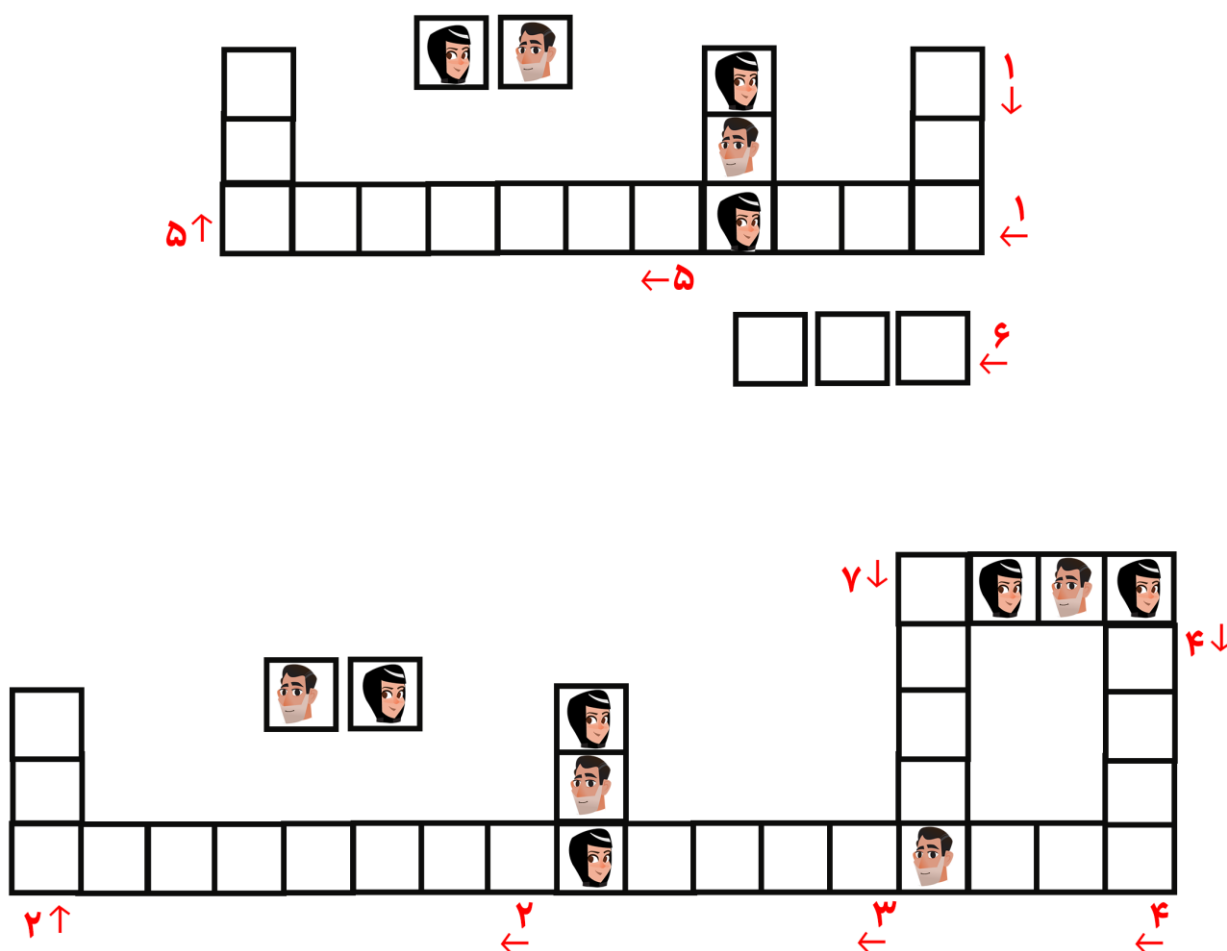
نکته ۲: در صورتی که تمام یا بخشی از اعیان در اراضی موقوفه احداث شده باشد، هیئت با موافقت متولی و اطلاع اداره اوقاف محل و رعایت مفاد وقف نامه انجام می شود .

نکته ۳: چنانچه متولی منصوص نداشته باشد با موافقت اداره اوقاف و رعایت مفاد وقف نامه و مصلحت موقوف علیهم و با در نظر گرفتن جمیع جهات به موضوع رسیدگی و پس از تعیین اجرت عرصه و حقوق موقوفه که حداکثر ظرف دوماً توسط اداره مذکور صورت می گیرد به صدور رأی اقدام می کند.



دفترچه درسنامه آزمون‌های مفهومی و مهارتی داداستان

ماجد جدول



دفترچه درسنامه آزمون‌های مفهومی و مهارتی داداستان

ماجد
سوالات

- (۱) تقابل دو دین است.
- (۲) در مورد نوجوانان ممکن نیست.
- (۳) خارج از دادگاه به موجب سند رسمی است یا عادی.
- (۴) حکم نسبت به همواره حضوری است.
- (۵) به محض ایجاد و بدون نیاز به ثبت دارای شخصیت حقوقی می‌گردند.
- (۶) بعد از علم به آن فوری است.
- (۷) نصب و عزل رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران با اوست.



دفترچه درسنامه آزمون‌های مفهومی و مهارتی داداستان

طنزاد

آگهی فروش یک خانه:

خانه ای است با بهترین شرایط، نزدیک مدرسه، با راه های
وصولی خوب، قیمت ارزان و..... تا پانزده مایلی هیچ وکیلی
ساکن نیست.



دفترچه درسنامه آزمون‌های مفهومی و مهارتی داداستان

تأرد

با عرض سلام و ادب خدمت دوستان داداستانیم.

در ابتدا خداوند را شاکرم که مرا یاری نمود تا در آزمون وکالت موفق شوم و موجبات خرسندی خانواده ام را فراهم نمایم و هم اکنون بعنوان عضو کوچکی از مجموعه داداستان در خدمت شما عزیزان باشم.

به راستی که "معلوم بودن هدف نقطه شروع همه موفقیت است".

اما در کنار، آنچه که به نظر بنده در رسیدن به این هدف نقش بسزایی دارد، خدمتتان عرض می‌نمایم امیدوارم مفید واقع شود:

(۱) اهدافتان را محقق شده بیندازید و از هم اکنون اهداف و برنامه‌هایتان را به نحو محقق شده برای سال بعد بنویسید.

(۲) به بودجه بندی پایبند باشید و مطالعه صحیح و با برنامه داشته باشید و ملاکتان را صرفاً ساعات مطالعه و حجم مطالب قرار ندهید بلکه ملاک ادراک مفاهیم باشد، مخصوصاً در درس حقوق مدنی.

در کنار مطالعه، انگیزه و روحیه مثبت اندیشی نیز حائز اهمیت است، ارتباط با افراد منفی‌گرا را محدود نمایید. زیرا به طور ناخودآگاه در شما تاثیر خواهند گذاشت و بالعکس با افراد مثبت اندیش و با انرژی در ارتباط باشید.

(۳) از ابتدا منبعی را که برای مطالعه انتخاب می‌کنید، اعم از کتاب، جزوه، شرکت در کلاس‌ها اعتماد داشته باشید. مبدا شایعات و اکاذیب شما را مردد نماید. مخصوصاً در ماه‌های پایانی، همچنین آرای وحدت رویه و قوانین خاص را به ماه‌های پایانی واگذار نکرده و هیچ درسی را حذف ننمایید.

(۴) به "محشا نویسی" توجه ویژه داشته باشید زیرا علاوه بر اینکه از پراکندگی مطالب خودداری می‌شود در مرور مطالب و تسلط بر آنها بسیار موثر است. در محشا نویسی دقت لازم را بکار ببرید و حتی الامکان از رنگهای متعدد و روش نموداری و رمزنگاری استفاده نمایید.



دفترچه درسنامه آزمون‌های مفهومی و مهارتی داداستان

ادامه ...

۵) در آزمونهای آزمایشی، تکنیک‌های تست زنی را اجرا نموده و سعی در اصلاح کاستی‌های خود نمایید و شرایط متفاوت محیط را نیز تجربه کنید تا عادت نکنید خود را با شرایط محیط وفق دهید چه بسا در روز برگزاری آزمون اصلی آرامش لازم حاکم نباشد و یا صندلی شما مناسب نباشد و مواردی از این قبیل که آرامش و تسلط شما را برهم می‌زند.

۶) در مدت مطالعه سختی‌ها، ناامیدی‌ها و مشکلات به سراغ همه ما می‌آید اما ۱۰ سال آینده را برای خود مجسم نمایید و به گونه‌ای تلاش نمایید تا در آینده برای کارهای نکرده، افسوس نخورید و در نهایت نتیجه را به خداوند واگذار نمایید که بهترین‌ها را مقدر خواهد نمود.

در پایان برخورد واجب می‌دانم از زحمات اساتید ارجمند جناب آقای دکتر قاضی زاده و جناب آقای دکتر مروارید و کلیه پرسنل و مدیریت محترم مجموعه بی‌نظیر داداستان تشکر کنم.

با آرزوی پیروزی در تمام آزمون‌های زندگی تان



دفترچه درسنامه آزمون‌های مفهومی و مهارتی داداستان

آراد

آراد

"امهات قانون اجرای احکام مدنی"
(همراه قانون اجرای احکام خوانده شود)

- ۱- حکم قطعی شده یا قرار اجرای موقت در مواردی که قانون معین کرده باشد.
۲- محکوم له یا وکیل یا قائم مقام قانونی او کتبا از دادگاه تقاضا نماید.
۳- محکوم علیه یا وکیل یا قائم مقام قانونی او ابلاغ شده باشد.

اجرای احکام دادگستری مستلزم:

• حکمی که موضوع آن معین نیست قابل اجرا نمی باشد.

- ۱- حکم جنبه ی اعلامی داشته باشد، مگر مستلزم انجام عملی از طرف محکوم علیه باشد که نیاز به اجرائیه دارد. مثل: اعلام اصالت یا بطلان سند، فسخ سند...
۲- اگر طرف دعوی سازمان ها و موسسات دولتی و وابسته به دولت نباشد ولی اجرای حکم باید بوسیله آنها صورت بگیرد (اگر سازمانها و موسسات دولتی... جزء اصحاب دعوا باشند نیاز به اجرائیه دارند).

- صدور ← با دادگاه نخستین است. (و توسط قسمت اجرای همان دادگاه به موقع اجرا گذاشته می شود).
• برگ اجرائیه ← به تعداد محکوم علیه‌ها ۲ نسخه صادر می شود. (در آن نام و نام خانوادگی و محل اقامت محکوم علیه و له و مشخصات موضوع آن و اینکه پرداخت حق اجرا به عهده محکوم علیه می باشد نوشته شده و به امضاء رئیس دادگاه و مدیر دفتر رسیده به مهر دادگاه ممهور و برای ابلاغ فرستاده می شود).
• ابلاغ آن ← طبق قانون آ.د.م.

اجرائیه

در صورتیکه محکوم علیه محل اقامت خود را اعلام نکند ← یک نوبت آگاهی می شود

در این مورد که آگاهی روزنامه است ← ۱۰ روز پس از آن موقع اجرا گذاشته می شود.

در صورتیکه: اموال محکوم علیه دسترسی باشد به تقاضای محکوم له معادل محکوم به از اموال محکوم علیه توقیف می شود.

- در صورتیکه محکوم علیه محجور یا فوت کند: { قبل از ابلاغ اجرائیه فوت شده ← حسب مورد به ولی، قیم، امین، وصی، ورثه یا مدیر ترکه او اجرائیه ابلاغ می گردد.
بعد از ابلاغ اجرائیه ← مفاد اجرائیه و عملیات انجام شده بوسیله ابلاغ اخطاریه به آنها اطلاع داده می شود.

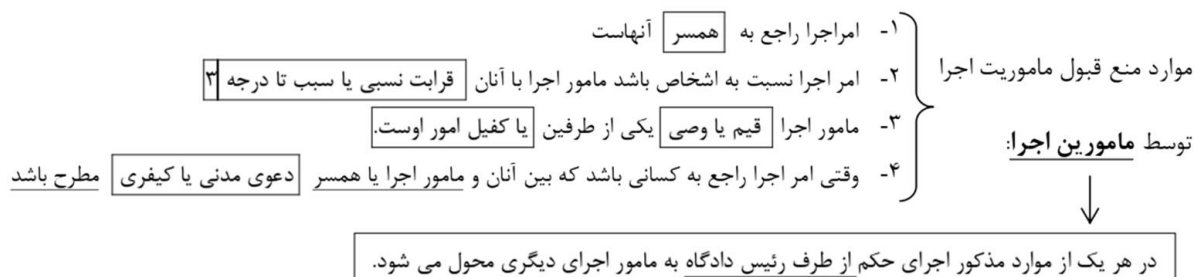
اگر محکوم به مهر باشد ← بعد از ۲۰ روز بعد از ابلاغ محکوم علیه فوت کند ← ابلاغ جدید به وراث

به اقتضای مورد اجرائیه، را ابطال یا تصحیح نماید یا عملیات اجرایی الیاء کند و دستور استرداد مورد اجرا را بدهد.

اشتباه در صدور اجرائیه { دادگاه (صادر کننده اجرائیه)
یا هر یک از طرفین



دفترچه درسنامه آزمون‌های مفهومی و مهارتی داداستان



* هرگاه تمام یا قسمتی از عملیات اجرایی مامور اجرای عملیات مزبور را به قسمت اجرا دادگاه آن حوزه محول می کند. باید در حوزه دادگاه دیگری به عمل آید

* مامور اجرا برای اجرای حکم، پرونده تشکیل می دهد ← طرفین می توانند پرونده اجرایی را ملاحظه و از محتویات آن رونوشت یا فتوکپی بگیرند. (هزینه آن برابر مقررات آ.د.م اخذ می شود).

اجرای حکم ← توسط دادگاهی که حکم توسط آن اجرا می شود (دادگاه نخستین) اصلاح میشود.

بعد از شروع به اجرا مامور اجرا نمی تواند اجرای حکم را تعطیل یا توقیف یا قطع نماید یا به تاخیر اندازد مگر اشکالی در :

مفاد حکم یا اختلافاتی که به اجرای حکم است که ناشی از اجمال یا ابهام حکم یا محکوم به حادث شود ← توسط دادگاهی که حکم را صادر کرده رسیدگی می شود.

رای داور که موضوع آن معین نیست ← قابل اجرا نیست.



دفترچه درسنامه آزمون‌های مفهومی و مهارتی داداستان



دفترچه درسنامه آزمون‌های مفهومی و مهارتی داداستان

- شخص ثالث می تواند بجای محکوم علیه برای استیفای محکوم به مالی معرفی کند.

محکوم له تا قبل از انقضاء مهلت مذکور (۱۰ روز) میتواند اموالی را از محکوم علیه معرفی می نماید (به قسمت اجرای حکم معرفی کند)

بعد از آن مهلت هر وقت مالی از محکوم علیه به دست آید استیفای محکوم به را از آن مال بخواهد.

مجازاتهای ماده ۳۴ و ۳۵ منوط به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت گذشت او تعقیب یا اجرای مجازات موقوف می گردد.

نکته: مأمور اجرایی به دستور دادگاه به ترتیبی که برای اجرای حکم مقرر است بدون صدور اجرائیه به عمل می آید.

در موارد فسخ یا نقص به موجب حکم نهایی اعاده دادرسی

❖ محکوم علیه تا ۱۰ روز مهلت اجرای حکم را از زمان ابلاغ اجرائیه دارد .

❖ محکوم علیه تا ۳۰ روز پس از ابلاغ اجرائیه در صورت عدم اجرا محکومیت مالی حبس نمیشود. بعد از آن هم حبس نمیشود اگر دادخواست اعسار با

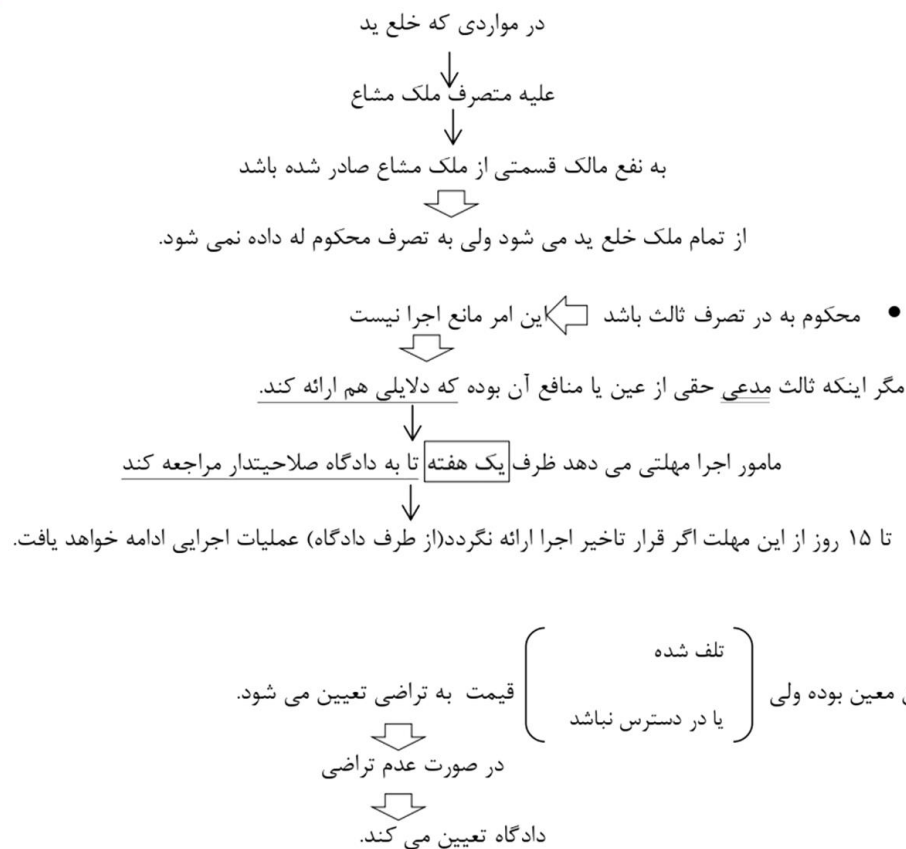
توجه شرایط مندرج در قانون داده باشد. ماده ۳ ق. نحوه محکومیتهای مالی ۱۳۹۴

شناسایی اموال محکوم علیه طبق قانون نحوه محکومیتهای مالی ۱۳۹۴
۱- محکوم به عین معین بوده و محکوم له شناسایی و تحویل آن را تقاضا کرده باشد نیز مرجع اجراءکننده رأی مکلف به شناسایی و توقیف آن مال است.
۲- مرجع اجراءکننده رأی باید به درخواست محکوم له به بانک مرکزی دستور دهد که فهرست کلیه حسابهای محکوم علیه در بانکها و مؤسسات مالی و اعتباری را برای توقیف به مرجع مذکور تسلیم کند. (ماده ۱۹)
۳- دادگاه (به نظر می رسد دادگاه نخستین باشد) باید به درخواست محکوم له یا خوانده دعوای اعسار به مراجع ذی ربط از قبیل ادارات ثبت محل و شهرداریها دستور دهد که براساس نشانی کامل ملک یا نام مالک پلاک ثبتی ملکی را که احتمال تعلق آن به محکوم علیه وجود دارد برای توقیف به دادگاه اعلام کند.
* این حکم در مورد تمامی مراجعی که به هر نحو اطلاعاتی در مورد اموال اشخاص دارند نیز مجری است.
** مراجع مذکور مکلفند فهرست و مشخصات اموال متعلق به محکوم علیه و نیز فهرست نقل و انتقالات و هر نوع تغییر دیگر در اموال مذکور از زمان یک سال قبل از صدور حکم قطعی به بعد را به دادگاه اعلام کنند. (ماده ۱۹)

✓ مفاد ماده ۱۹ ق. نحوه محکومیتهای مالی ۱۳۹۴ در مورد اجرای قرارهای تأمین خواسته موضوع ماده (۱۰۸) قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ و نیز اجرای مفاد اسناد رسمی مجری است.



دفترچه درسنامه آزمون‌های مفهومی و مهارتی داداستان



درخواست تبدیل مالی را که توقیف شده است به مال دیگری (ماده ۵۳)	
(می‌توانند یک بار تا قبل از شروع به عملیات راجع به فروش درخواست تبدیل مالی را که توقیف شده است به مال دیگری بنمایند)	
محکوم علیه	محکوم له
مشروط بر این که مالی که پیشنهاد می‌شود از حیث قیمت و سهولت فروش از مالی که قبلاً توقیف شده است کمتر نباشد.	بدون هیچ قید و شرطی می‌تواند درخواست تبدیل مال توقیف شده را بنماید.

- در صورتی که محکوم علیه یا محکوم له به تصمیم قسمت اجرا معترض باشند می‌توانند به دادگاه صادرکننده اجراییه مراجعه نمایند. تصمیم دادگاه در این مورد قطعی است.

مالی که توقیف شده وثیقه یا در مقابل طلب دیگری توقیف شده باشد:	
مرجع اجرا ← به درخواست محکوم له ← توقیف مازاد ارزش مال مزبور را ← حسب مورد به اداره ثبت یا مرجعی که قبلاً مال توقیف کرده اطلاع می‌دهد.	
نکته: در این صورت اگر مال دیگری به تقاضای محکوم له توقیف شود که تکافوی طلب او را بنماید از توقیف مازاد رفع اثر خواهد شد. نکته: در صورت فک وثیقه یا رفع توقیف اصل مال، توقیف مازاد خودبه خود به توقیف اصل مال تبدیل می‌شود. نکته: در این موارد هر گاه محکوم علیه به عنوان عدم تناسب بهای مال با میزان بدهی معترض باشد به هزینه اموال ارزیابی شده از مقدار زائد بر بدهی رفع توقیف خواهد شد. نکته: در مورد مالی که وثیقه بوده یا در مقابل مطالباتی توقیف شده باشد محکوم له می‌تواند تمام دیون و خسارات قانونی را با حقوق دولت حسب مورد در صندوق ثبت یا دادگستری تودیع نموده تقاضای توقیف مال و استیفای حقوق خود را از آن بنماید در این صورت وثیقه و توقیفهای سابق فک و مال بابت طلب او و مجموع وجوه تودیع شده بلافاصله توقیف می‌شود.	



دفترچه درسنامه آزمون‌های مفهومی و مهارتی داداستان

نکات تکمیلی مال توقیف شده:

- ۱- هر گونه نقل و انتقال اعم از قطعی و شرطی و رهنی نسبت به مال توقیف شده باطل و بلااثر است.
- ۲- هر گونه قرارداد یا تعهدی که نسبت به مال توقیف شده بعد از توقیف به ضرر محکوم‌له منعقد شود نافذ نخواهد بود مگر این که محکوم‌له کتباً رضایت دهد.
- ۳- در صورتی که محکوم‌علیه، محکوم به و خسارات قانونی را تأدیه نماید قسمت اجرا از مال توقیف شده رفع توقیف خواهد کرد.
- ۴- محکوم‌علیه می‌تواند با نظارت داورز (مأمور اجرا) مال توقیف شده را بفروشد مشروط بر این که حاصل فروش به تنهایی برای پرداخت محکوم به و هزینه‌های اجرایی کافی باشد و اگر مال در مقابل قسمتی از محکوم به توقیف شده حاصل فروش نباشد از مبلغی که در قبال آن توقیف به عمل آمده کمتر باشد.
- ۵- عدم حضور محکوم‌له و محکوم‌علیه مانع از توقیف مال نمی‌شود ولی توقیف مال به طرفین اعلام خواهد شد.

توقیف		
اموال غیر منقول	اموال منقول	
توقیف مال غیر منقول که سابقه ثبتی ندارد به عنوان مال محکوم‌علیه وقتی جائز است که محکوم‌علیه در آن تصرف مالکانه داشته باشد. و یا محکوم‌علیه به موجب حکم نهایی مالک شناخته شده باشد.	متصرف نسبت به آن ادعای مالکیت کند یا آن را متعلق به دیگری معرفی نماید به عنوان مال محکوم‌علیه توقیف نخواهد شد.	مال در تصرف کسی غیر محکوم علیه باشد:
* در موردی که حکم بر مالکیت محکوم‌علیه صادر شده ولی به مرحله نهایی نرسیده باشد توقیف مال مزبور در ازاء بدهی محکوم‌علیه جایز است ولی ادامه عملیات اجرایی موقوف به صدور حکم نهایی است.	* در صورتی که خلاف ادعای متصرف ثابت شود مسئول جبران خسارت محکوم‌له خواهد بود.	
* قسمت اجرا توقیف مال غیر منقول را با ذکر شماره پلاک و مشخصات ملک به طرفین و اداره ثبت محل اعلام می‌کند.	* اگر مالی در محلی باز شد که در آن بسته باشد در صورت امتناع از باز کردن داورز با حضور مأمور شهربانی یا ژاندارمری یا دهقان محل اقدام لازم برای باز کردن در و توقیف مال معمول می‌دارد. اگر کسی نباشد حسب مورد نماینده دادستان یا دادگاه بخش باید حضور یابد.	نحوه توقیف :
* اداره ثبت پس از اعلام توقیف در صورتی که ملک به نام محکوم‌علیه ثبت شده باشد مراتب را در دفتر املاک و اگر ملک در جریان ثبت باشد در دفتر ملک بازداشتی و پرونده ثبتی قید نموده به قسمت اجرا اطلاع می‌دهد و اگر ملک به نام محکوم‌علیه نباشد فوراً به قسمت اجرا اعلام می‌دارد.	* از اموال منقول موجود در محل سکونت زوجین آنچه معمولاً و عادتاً مورد استفاده اختصاصی زن باشد متعلق به زن و آنچه مورد استفاده اختصاصی مرد باشد متعلق به شوهر و بقیه از نظر مقررات این قانون مشترک بین آنان محسوب می‌شود مگر این که خلاف آن ثابت گردد.	
* توقیف محصول املاک و باغات با رعایت مقررات مواد ۲۵۴ تا ۲۵۷ قانون آیین دادرسی مدنی به عمل می‌آید.	* اگر مالی منقولی در خارج از محل سکونت یا محل کار محکوم علیه باشد در صورتی توقیف می‌شود که دلایل و قرائن کافی بر احراز از مالکیت او در دست باشد.	
توقیف مال غیر منقول موجب توقیف منافع آن نمی‌گردد.	توقیف مال منقول موجب توقیف منافع آن می‌گردد.	منافع مال

نکته: در صورتی که عوائد یک‌ساله مال غیر منقول به تشخیص دادگاه برای اداء محکوم به و هزینه اجرایی کافی باشد و محکوم‌علیه حاضر شود که از عوائد آن ملک، محکوم به داده شود عین ملک توقیف نمی‌شود و فقط عوائد توقیف و محکوم به از آن وصول می‌گردد، در این صورت قسمت اجراء مکلف است مراتب را به ثبت محل اعلام نماید.



دفترچه درسنامه آزمون‌های مفهومی و مهارتی داداستان

مستثنیات دین (قانون نحوی محکومیت‌های مالی ۱۳۹۴)

الف - منزل مسکونی که عرفاً در شأن محکوم‌علیه در حالت اعسار او باشد.
ب - اثاثیه مورد نیاز زندگی که برای رفع حوائج ضروری محکوم‌علیه و افراد تحت تکفل وی لازم است.
ج - آذوقه موجود به قدر احتیاج محکوم‌علیه و افراد تحت تکفل وی برای مدتی که عرفاً آذوقه ذخیره می‌شود.
د - کتب و ابزار علمی و تحقیقاتی برای اهل علم و تحقیق متناسب با شأن آنها
هـ - وسایل و ابزار کار کسبه، پیشه‌وران، کشاورزان و سایر اشخاص که برای امرار معاش ضروری آنها و افراد تحت تکفلشان لازم است.
و - تلفن مورد نیاز مدیون (نوآوری)
ز - مبلغی که در ضمن عقد اجاره به موجر پرداخت می‌شود، مشروط بر اینکه پرداخت اجاره‌بها بدون آن موجب عسر و حرج گردد و عین مستأجره مورد نیاز مدیون بوده و بالاتر از شأن او نباشد. (نوآوری)

- نکته ۱ -** چنانچه منزل مسکونی محکوم‌علیه بیش از نیاز و شأن عرفی او در حالت اعسارش بوده و مال دیگری از وی در دسترس نباشد و مشارالیه حاضر به فروش منزل مسکونی خود تحت نظارت مرجع اجراءکننده رأی نباشد به تقاضای محکوم‌له به وسیله مرجع اجراءکننده حکم با رعایت تشریفات قانونی به فروش رفته و مازاد بر قیمت منزل مناسب عرفی، صرف تأدیه دیون محکوم‌علیه خواهد شد مگر اینکه استیفای محکوم‌به به طریق سهل‌تری مانند استیفاء از محل منافع بخش مازاد منزل مسکونی محکوم‌علیه یا انتقال سهم مشاعی از آن به شخص ثالث یا طلبکار امکان‌پذیر باشد که در این صورت محکوم‌به از طرق مذکور استیفاء خواهد شد.
- نکته ۲ -** چنانچه به حکم قانون مستثنیات دین تبدیل به عوض دیگری شده باشد، مانند اینکه مسکن به دلیل قرار گرفتن در طرح‌های عمرانی تبدیل به وجه گردد، یا در اثر از بین رفتن، عوضی دریافت شده باشد، وصول محکوم‌به از آن امکان‌پذیر است مگر اینکه محرز شود مدیون قصد تهیه موضوع نخستین را دارد.
- نکته ۳ -** چنانچه منشأ دین، قرض یا در اختیار گرفتن اموالی از دیگران به موجب هر قرارداد دیگری باشد و محکوم‌علیه از بدو امر قصد عدم تأدیه دین یا تبدیل آن به یکی از مستثنیات دین به منظور فرار از تأدیه را داشته باشد، هر مالی که در عوض اموال مذکور خریداری کرده یا به موجب سایر عقود به ملکیت خود درآورد به‌عنوان جریمه اخذ و محکوم‌به از محل آن استیفاء و مابقی به وی مسترد خواهد شد.
- نکته ۴ -** احکام مندرج در این قانون جز احکام راجع به حبس محکوم‌علیه، اعسار و مستثنیات دین حسب‌مورد در مواردی که محکوم‌علیه شخص حقوقی باشد نیز مجری است و نسبت به مدیران و مسؤولان متخلف اشخاص حقوقی مطابق قانون مجازات اسلامی عمل می‌شود.
- نکته ۵ -** مقررات این قانون در مورد گزارش‌های اصلاحی مراجع قضائی و آرای مدنی سایر مراجعی که به موجب قانون، اجرای آنها برعهده اجرای احکام مدنی دادگستری است و همچنین آرای مدنی تعزیرات حکومتی نیز مجری است.
- نکته ۶ -** محکومیت‌های کیفری سازمان تعزیرات حکومتی تابع مقررات حاکم بر اجرای احکام کیفری دادگاهها است.

- تصنیفات و تالیفات و ترجمه‌ها که هنوز به چاپ نرسیده اند بدون رضایت تصنیفات یا ورثه آنها یا قائم مقام آنها.
- اموال ضایع شدنی و اموالی که توقیف آنها دارای هزینه زیاده است فردا ارزیابی و با تصویب دادگاه بدون تشریفات فروش می‌رسد.
- اگر اموالی در محل سکونت محکوم علیه باشد باید به عنوان مال مشترک بازداشت شود حتی اگر زوجه ادعا کند جهیزیه اوست.



دفترچه درسنامه آزمون‌های مفهومی و مهارتی داداستان

صورت برداری اموال

اموال غیر منقول	اموال منقول
(مأمور اجرا) پس از توقیف اموال غیر منقول صورت اموال را تنظیم و <u>نسخه‌ای</u> از آن را به محکوم علیه ابلاغ می‌نماید تا اگر شکایتی داشته باشد ظرف یک هفته کتباً به قسمت اجراء تسلیم دارد. مدیر اجرا به شکایات مزبور رسیدگی و در صورتی که شکایت وارد باشد صورت مشخصات مال توقیف شده را اصلاح یا تجدید می‌نماید. (دادن نسخه نه رونوشت) دادن نسخه نیاز به تقاضای محکوم علیه نیست ولی نسبت به محکوم له رونوشت به تقاضای اوداده میشود. * مراتب زیر باید در صورت اموال غیر منقول قید شود: ۱ - تاریخ و مفاد ورقه اجراییه. ۲ - محلی که مال غیر منقول در آنجا واقع است. ۳ - وصف مال غیر منقول با ذکر مشخصات ملک و مالک و این که ملک مشاع است یا مفروز و اشخاص دیگر نسبت به آن حقی دارند یا نه و اگر حقی دارند چه نوع حقی است و منافع ملک به کسی واگذار شده است یا خیر. ۴ - حدود ملک و مجاورین آن. * در صورتی که <u>مساحت ملک معین نباشد</u> (مأمور اجرا) مساحت تقریبی آن را در صورت قید می‌کند. * <u>محکوم علیه حین تنظیم صورت باید اسناد راجع به ملک یا مال غیر منقول</u> را به (مأمور اجرا) ارائه دهد. * هر گاه راجع به تمام یا قسمتی از ملک توقیف شده <u>دعوایی در جریان</u> باشد مراتب <u>در صورت قید و تصریح</u> می‌شود که دعوی در چه مرجعی مورد رسیدگی است.	(مأمور اجرا) باید قبل از توقیف اموال منقول، صورت اموال را تنظیم می‌نماید. اموال از قبیل نوع - عدد - وزن - اندازه و غیره که با تمام حروف و اعداد باشد تنظیم نماید. در مورد طلا و نقره عیار آنها (هر گاه عیار آنها معین باشد) و در جواهرات اسامی و مشخصات آنها و در کتاب، نام کتاب و مؤلف و مترجم و خطی یا چاپی بودن آن با ذکر تاریخ تحریر یا چاپ و در تصویر و پرده نقاشی خصوصیات و اسم نقاش (اگر معلوم باشد) و در مصنوعات، ساخت و مدل و در مورد فرش بافت و رنگ و در مورد سهام و اوراق بهادار نوع و تعداد و مبلغ اسمی آن و به طور کلی در هر مورد مشخصات و خصوصیاتی که معرف کامل مال باشد. * (مأمور اجرا) به <u>تقاضای محکوم له</u> یا محکوم علیه <u>رونوشت گواهی شده</u> از صورت اموال را به آنها خواهد داد. (الزامی نیست باید تقاضا بشود) * <u>تراشیدن و پاک کردن و الحاق و نوشتن بین سطرها</u> در صورت اموال ممنوع است و اگر سهو و اشتباهی رخ داده باشد (مأمور اجرا) در ذیل صورت آن را تصحیح و به امضاء حاضران می‌رساند. * هر گاه <u>اشخاص ثالث</u> نسبت به اموالی که توقیف می‌شود <u>اظهار حقی</u> نمایند (مأمور اجرا) مشخصات اظهارکننده و خلاصه اظهارات او را قید می‌کند. * هر گاه <u>محکوم له و محکوم علیه</u> یا <u>نماینده قانونی آنها</u> حاضر بوده و راجع به <u>تنظیم صورت ایراد و اظهاری</u> نمایند (مأمور اجرا) ایراد و اظهار آنان را با جهات رد یا قبول در آخر صورت قید می‌کند. طرفین اگر حاضر باشند ظرف یک هفته از تاریخ تنظیم صورت حق شکایت خواهند داشت والا صورت اموال از طرف قسمت اجرا به طرف غایب ابلاغ می‌شود و طرف غایب حق دارد ظرف یک هفته از تاریخ ابلاغ شکایت نماید. * در صورت اموال باید <u>تاریخ و ساعت شروع و ختم</u> عمل نوشته شود و به امضاء (مأمور اجرا) و حاضران برسد هر گاه محکوم له و محکوم علیه یا نماینده قانونی آنها از امضاء ذیل صورت اموال امتناع نمایند مراتب در صورت قید می‌شود.

ارزیابی

اموال منقول و اموال غیر منقول
• <u>ارزیابی اموال حین توقیف، قیمت اموال را محکوم له و محکوم علیه به تراضی معین می‌نماید.</u> اگر تراضی نکنند یا حاضر نباشند ارزیاب معین می‌کند. • ارزیاب به تراضی طرفین معین می‌شود و در صورتی عدم تراضی یا عدم حضور ← مأمور اجرا از بین کارشناس رسمی و گرنه از بین اشخاص معتمد و در هر صورت ارزیابی امکان نباشد قیمتی که محکوم له تعیین کرده ← مأمور اجرا به قید فوریت نسبت به تعیین ارزیاب و تقویم مال اقدام خواهد کرد. • <u>قسمت ارزیابی شده بلافاصله به طرفین ابلاغ می‌شود و اعتراض به ارزیابی ظرف ۳ روز از تاریخ ابلاغ است.</u> اعتراض در دادگاهی که اجرا بوسیله آن است مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. تصمیم دادگاه قطعی است. * <u>حق الزحمه ارزیاب</u> با در نظر گرفتن کمیت و کیفیت و ارزش کار به وسیله (مأمور اجرا) معین می‌گردد <u>پرداخت آن به عهده محکوم علیه</u> است. هر گاه نسبت به میزان حق الزحمه اعتراضی باشد دادگاه در این مورد تصمیم مقتضی اتخاذ خواهد کرد. در مورد اعتراض به ارزیاب حق الزحمه آن را معترض می‌دهد و اگر ظرف سه روز از تاریخ ابلاغ اخطار نپردازد به اعتراض او ترتیب اثر داده نخواهد شد. * هر گاه محکوم علیه از <u>پرداخت حق الزحمه ارزیاب امتناع</u> نماید <u>محکوم له می‌تواند</u> آن را بپردازد. در این صورت (مأمور اجرا) وجه مزبور را ضمن اجرای حکم از محکوم علیه وصول و به محکوم له خواهد داد.



دفترچه درسنامه آزمون‌های مفهومی و مهارتی داداستان

✱ **مال غیر منقول** بعد از تنظیم صورت و ارزیابی حسب مورد موقتاً به مالک یا متصرف ملک تحویل می‌شود و مشارالیه مکلف است ملک را همانطوری که طبق صورت تحویل گرفته تحویل دهد.

✱ در صورتی که عوائد موجود مال غیر منقول توقیف شود به امینی که طرفین معین کرده‌اند سپرده می‌شود و در صورت عدم تراضی به شخص امینی که (مأمور اجرا) معین می‌کند سپرده خواهد شد ولی اگر عوائد وجه نقد باشد به قسمت اجرا تسلیم می‌گردد.

- اموال توقیف شده در همان جا که هست حفظ می‌شود مگر جایجا کردن ضرورت داشته باشد.
- تعیین حافظ
 - ۱- با توافق طرفین یا
 - ۲- مأمور اجرا شخص قابل اعتمادی را معین می‌کند
 - ۳- در مورد اوراق بهادار و جواهر و امثال  در صورت اقتضا در یکی از بانکها به امانت گذاشته می‌شود.

- اموال توقیف شده بدون تراضی
 - ۱- اقربای سببی و نسبی مأمور اجرا تا درجه سوم
 - ۲- محکوم له و محکوم علیه و همسر آنان و اقربای سببی و نسبی تا درجه ۳

- هرگاه مال منقول متعلق به محکوم علیه نزد ثالث باشد که طلب باشد که محکوم علیه از ثالث دارد  اختطاری در باب توقیف مال یا طلب و میزان آن به پیوست رونوشت اجراییه به شخص ثالث ابلاغ و رسید دریافت می‌شود و مراتب فوراً به محکوم علیه نیز ابلاغ می‌گردد.
- اگر مالی که نزد ثالث توقیف شده عین معین یا وجه نقد یا طلب حال باشد ثالث باید در صورت مطالبه آن را به داد ورز بدهد و رسید دریافت کند
- اموال منقولی که نزد ثالث بعنوان مال محکوم علیه معرفی و در خواست بازداشت آنها می‌گردد در صورتی قابل بازداشت که ثالث تایید یا سکوت کند.
- اگر ثالث مدعی تلف بدون تقصیر قبل از مطالبه قسمت اجرا  می‌تواند به دادگاه دادخواست دهد. دادگاه در صورتی که دلایل او را موجه تشخیص دهد قرار می‌دهد در باب توقیف عملیات اجرایی تا تعیین تکلیف نهایی صادر می‌کند.

- از حقوق و مزایای دولت یا وابسته یا پنگاه های خصوصی
 - ۱- دارای زن یا فرزند  یک چهارم
 - ۲- غیره  یک سوم

- حقوق و مزایای نظامیان که در جنگ هستند توقیف نمی‌شود.
- توقیف حقوق مانع از این نیست اگر مالی معرفی نگردد ولی اگر آن مال کافی باشد دیگر حقوق محکوم علیه موقوف نمی‌شود.
- توقیف اموال غیر منقول  با ذکر شماره پلاک و مشخصات ملک به طرفین و اداره ثبت محل اعلام می‌گردد.
- توقیف مال غیر منقول که سابقه ثبتی ندارد به عنوان مال محکوم علیه وقتی جایز است که محکوم علیه در آن تصرف مالکانه داشته باشد یا محکوم علیه به موجب حکم نهایی مالک شناخته شده باشد  اگر حکم نهایی شده باشد توقیف مال در ازاء بدهی محکوم علیه جایز است ولی ادامه عملیات اجرایی موکول به صدور حکم نهایی است.
- اگر عواید یکسال برای محکوم به کافی باشد و محکوم علیه حاضر باشد فقط عواید توقیف می‌شود.
- توقیف مال غیر منقول باعث توقیف منافع آن نمی‌شود.
- بعد از صورت برداری و ارزیابی حسب مورد موقتاً به مالک یا متصرف ملک تحویل داده می‌شود.
- ترتیب فروش اموال غیر منقول به استثناء مواردی مانند فروش اموال منقول است.
- اگر مال مشاعی باشد فقط سهم مشاع فروش می‌رسد مگر شرکای دیگر راضی باشند.
- دادگاه در صورت احراز صحت مزایده دستور صدور سند انتقال را به نام خریدار می‌دهد. این دستور قطعی است.



دفترچه درسنامه آزمون‌های مفهومی و مهارتی داداستان

- در صورتی که ملک خریدار نداشته و محکوم له آن را در مقابل طلب خود قبول نماید مالک ظرف دو ماه از تاریخ انجام مزایده می تواند کلیه بدهی و خسارات و هزینه ها را بپردازد و مانع انتقال ملک به محکوم له شود. در صورت انقضای مدت مزبور دادگاه دستور انتقال تام یا قسمتی از ملک را که معادل طلب محکوم له باشد خواهد داد.
 - هر گاه مالک حاضر به امضاء به نام خریدار نشود نماینده دادگاه به جای او در محضر اسناد رسمی به نام خریدار امضاء می نماید.
 - **فروش اموال از طریق مزایده است.**
 - دولت یا شهرداری محلی برای فروش اموال منقول معین می کنند.
 - آگهی فروش باید در یکی از روزنامه های محلی یک نوبت منتشر شود.
 - آگهی باید علاوه بر انتشار در قسمت اجرا و محل فروش هم الصاق شود
 - اگر مامور اجرا بهای آن به وعده معین کند باید ۱۰٪ بها فی المجلس به عنوان سپرده به قسمت اجرا تسلیم نماید تا حداکثر از یک ماه تجاوز نخواهد کرد.
 - اگر مال منقول خریدار نداشت محکوم له می تواند مال دیگر از محکوم علیه معرفی کند. یا مال را به قیمت ارزیابی شده قبول کند یا تقاضای تجدید مزایده مال توقیف شده را بنماید.
- هزینه مزایده را محکوم له می دهد.

فروش اموال :

بعد از تنظیم صورت مال منقول یا غیر منقول و ارزیابی آنها در صورتی که نسبت به محل و موعد فروش بین محکوم له و محکوم علیه ترازی شده باشد به همان ترتیب رفتار می شود



در غیر این صورت



فروش اموال از طریق مزایده به عمل می آید.

محل فروش



اگر از طرف دولت و شهرداری محلی برای فروش مشخص شده فروش در آن محل به عمل می آید.
و اگر محلهای تعیینی دولت و شهرداری متعدد باشد ، محلی که منافع محکوم علیه ترجیح داده شود به عمل می آید.



مگر

- ۱- محلی معین نشده باشد از طرف دولت و شهرداری ← محل فروش را مدیر اجرا معین می کند.
- ۲- در مواردی که حمل اموال منقول به محل دیگری مخارج زیاد داشته باشد اشیاء توقیف شده در محلی که حفظ می شده به فروش می رسد.

موعد فروش

- * موعد فروش را مدیر اجرا نظر به کمیت و کیفیت اموال توقیف شده معین و آگهی می نماید.
- * موعد فروش باید طوری معین شود که فاصله بین انتشار آگهی و روز فروش بیش از یک ماه و کمتر از ده روز نباشد.



دفترچه درسنامه آزمون‌های مفهومی و مهارتی داداستان

آگهی فروش

آگهی فروش باید در یکی از روزنامه‌های محلی یک نوبت منتشر شود.

مگر:

۱- در نقاطی که روزنامه نباشد ۲- در مورد اموالی که قیمت آنها بیش از دویست هزار ریال نباشد آگهی به جای انتشار روزنامه به تعداد کافی در معابر الصاق و تاریخ الصاق در صورت مجلس قید می‌شود.

نکته: (انتشار مجدد آگهی به تقاضای محکوم له یا محکوم علیه به خرج خودامکان پذیر است)

آگهی باید علاوه بر انتشار در قسمت اجرا و محل فروش هم الصاق شود.

نکته: در صورتی که تغییر روز فروش ضرورت پیدا کند مجدداً آگهی خواهد شد.

نکته: هر کس می‌تواند در مدت پنج روز قبل از روزی که برای فروش معین شده است اموالی را که آگهی شده ملاحظه نماید.

نکته: در آگهی فروش مال منقول نکات ذیل تصریح می‌شود:

۱- نوع و مشخصات اموال توقیف شده.

۲- روز و ساعت و محل فروش.

۳- قیمتی که مزایده از آن شروع می‌شود.

* آگهی باید علاوه بر انتشار در قسمت اجرا و محل فروش هم الصاق شود.

نکته: در آگهی فروش مال غیرمنقول باید نکات ذیل تصریح شود:

۱- نام و نام خانوادگی صاحب ملک.

۲- محل وقوع ملک و توصیف اجمالی آن و تعیین این که ملک محل سکونت یا کسب و پیشه یا تجارت یا زراعت و غیره است.

۳- تعیین این که ملک ثبت شده است یا نه.

۴- تعیین این که ملک در اجاره است یا نه و اگر در اجاره است مدت و میزان اجاره.

۵- تصریح به این که ملک مشاع است یا مفروز و چه مقدار از آن فروخته می‌شود.

۶- تعیین حقوقی که اشخاص نسبت به آن ملک تحت هر عنوان دارند.

۷- قیمتی که مزایده از آن شروع می‌شود.

۸- ساعت و روز و محل مزایده.

* آگهی مزبور علاوه بر انتشار در روزنامه در محل ملک نیز الصاق می‌گردد.

فروش با حضور: ۱- (مأمور اجرا) ۲- نماینده دادسرا به عمل می‌آید و صورت مجلس فروش به امضاء آنها می‌رسد

خریداران: محکوم له می‌تواند مثل سایرین در خرید شرکت نماید

ولی

۱- ارزیابان ۲- (مأمورین اجرا) ۳- سایر اشخاصی که مباشر امر فروش هستند ۴- اقرباء نسبی و سببی آنان تا درجه سوم نمی‌توانند در خرید

شرکت کنند

قیمت مزایده: مزایده از قیمتی که ارزیابی شده شروع می‌شود و مال متعلق به کسی است که بالاترین قیمت را قبول کرده است.



دفترچه درسنامه آزمون‌های مفهومی و مهارتی داداستان

خرید اقساطی در مزایده : (مأمور اجرا) می‌تواند پرداخت بهای اموال را به وعده قرار دهد.

در این صورت برنده مزایده باید ده درصد بها را فی‌المجلس به عنوان سپرده به قسمت اجرا تسلیم نماید حداکثر مهلت مزبور از یک ماه تجاوز نخواهد کرد و در صورتی که برنده مزایده در موعد مقرر بقیه بهای اموال را نپردازد سپرده او پس از کسر هزینه مزایده به نفع دولت ضبط و مزایده تجدید می‌گردد.

*تسلیم مال فقط بعد از پرداخت تمام بهای آن صورت خواهد گرفت.

نکته : صاحب مال می‌تواند تقاضا کند که بعضی از اموال او را مقدم یا مؤخر بفروشند و یا این که خود او بالاترین قیمت پیشنهادی را نقداً پرداخت و از فروش آن جلوگیری نماید.

هر گاه مالی که مزایده از آن شروع می‌شود خریدار نداشته باشد :

محکوم‌له می‌تواند مال دیگری از محکوم‌علیه معرفی و تقاضای توقیف و مزایده آن را بنماید.

یا

معادل طلب خود از اموال مورد مزایده به قیمتی که ارزیابی شده قبول کند

یا

تقاضای تجدید مزایده مال توقیف شده را بنماید و در صورت اخیر مال مورد مزایده به هر میزانی که خریدار پیدا کند به فروش خواهد رفت و هزینه آگهی مجدد به عهده محکوم‌له می‌باشد. و هر گاه طلبکاران متعدد باشند رأی اکثریت آنها از حیث مبلغ طلب برای تجدید آگهی مزایده مناط اعتبار است. هر گاه در دفعه دوم هم خریداری نباشد و محکوم‌له نیز مال مورد مزایده را به قیمتی که ارزیابی شده قبول ننماید آن مال به محکوم‌علیه مسترد خواهد شد.

*در مواردی که ملک (مال غیر منقول) خریدار نداشته و محکوم‌له آن را در مقابل طلب خود قبول نماید مالک ظرف دو ماه از تاریخ انجام مزایده می‌تواند کلیه بدهی و خسارات و هزینه‌های اجرایی را پرداخته و مانع انتقال ملک به محکوم‌له شود. دادگاه بعد از انقضای مهلت مزبور دستور انتقال تمام یا قسمتی از ملک را که معادل طلب محکوم‌له باشد خواهد داد.

اتمام مزایده در مال منقول: تاریخ فروش و خصوصیات مال مورد فروش و بالاترین قیمتی که پیشنهاد شده و اسم و مشخصات خریدار در صورت مجلس نوشته شده و به امضاء خریدار می‌رسد.

اتمام مزایده در مال غیر منقول: پس از انجام مزایده صورت مجلس تنظیم و در آن نام و نام خانوادگی مالک و خریدار و خصوصیات ملک و قیمتی که به فروش رسیده نوشته می‌شود و به ضمیمه پرونده اجرایی به دادگاهی که قسمت اجرای آن دادگاه اقدام به فروش کرده است تسلیم می‌گردد. شکایت راجع به تنظیم صورت ملک و ارزیابی آن و تخلف از مقررات مزایده و سایر اقدامات (مأمور اجرا) ظرف یک هفته از تاریخ وقوع به دادگاهی که دادورز (مأمور اجرا) در آنجا مأموریت دارد داده می‌شود دادگاه در وقت فوق‌العاده به موضوع شکایت رسیدگی و در صورتی که شکایت را وارد و مؤثر دانست اقدامی را که برخلاف مقررات شده است ابطال و دستور مقتضی صادر خواهد نمود. قبل از این که دادگاه در موضوع شکایت اظهار نظر نماید سند انتقال داده نمی‌شود.

دادگاه در صورت احراز صحت جریان مزایده (در مال غیر منقول) دستور صدور سند انتقال را به نام خریدار می‌دهد و این دستور قطعی است.

*هر گاه مالک حاضر به امضاء سند انتقال به نام خریدار نشود نماینده دادگاه سند انتقال را در دفترخانه اسناد رسمی به نام خریدار امضاء می‌نماید.



دفترچه درسنامه آزمون‌های مفهومی و مهارتی داداستان

* اگر فروش قسمتی از اموال توقیف شده برای پرداخت محکوم به هزینه‌های اجرایی کافی باشد بقیه اموال فروخته نمی‌شود و به صاحب آن مسترد می‌گردد.

ملک مشاعی: هر گاه ملک مشاع باشد فقط سهم محکوم علیه به فروش می‌رسد مگر این که سایر شرکاء فروش تمام ملک را بخواهند در این صورت طلب محکوم له و هزینه‌های اجرایی از حصه محکوم علیه پرداخت می‌شود.

در موارد زیر فروش از درجه اعتبار ساقط و مزایده تجدید می‌شود:

- ۱ - هر گاه فروش در غیر روز و ساعت معین یا در غیر محلی که به موجب آگهی تعیین گردیده به عمل آید.
 - ۲ - هر گاه کسی را بدون جهت قانونی مانع از خرید شوند و یا بالاترین قیمتی را که خواسته است رد نمایند.
 - ۳ - در صورتی که مزایده بدون حضور نماینده دادسرا باشد.
 - ۴ - در صورتی که خریدار ممنوع از خرید بوده باشد. (ارزیابان و مأمورین اجرا) و سایر اشخاصی که مباشر امر فروش هستند همچنین اقرباء نسبی و سببی آنان تا درجه سوم نمی‌توانند در خرید شرکت کنند.)
- شکایت راجع به تخلف از مقررات مزایده در موارد مذکور ظرف یک هفته از تاریخ فروش به دادگاه داده می‌شود و قبل از انقضای مهلت مذکور یا قبل از اتخاذ تصمیم دادگاه (در صورت وصول شکایت) مال به خریدار تسلیم نخواهد شد.

اعتراض ثالث اجرایی

هر گاه نسبت به اموال غیر منقول یا منقول یا وجه نقد شخص ثالث اظهار حقی نماید اگر ادعای مزبور مستند به حکم قطعی یا سند رسمی باشد که تاریخ آن مقدم بر تاریخ توقیف است. **توقیف رفع**

در غیر اینصورت عملیات توقیف ادامه پیدا می‌کند و شخص ثالث برای اثبات ادعای خود به دادگاه مراجعه می‌نماید.

شکایت شخص ثالث اجرایی در تمام مراحل بدون رعایت تشریفات آ.د.م و پرداخت هزینه دادرسی رسیدگی می‌شود (مثل اعاده دادرسی طبق ماده ۱۸)

- اگر دلایل شکایت قوی باشد **قرار توقیف** عملیات تا تعیین تکلیف نهایی
- اتخاذ تصمیم از طرف دادگاه در خصوص اعتراض ثالث اجرایی، **قابل واخواهی نیست.**

- | | | |
|--|---|---|
| <ol style="list-style-type: none"> ۱- اگر مال (منقول و غیر منقول) محکوم علیه رهن یا وثیقه یا مورد معامله شرطی و امثال آن «یا در توقیف تامینی یا اجرایی باشد محکوم له نسبت به مال مزبور به میزان محکوم به بر سایر محکوم لهم حق تقدم دارد. ۲- خدمه ها چه خانه، محل کار و کارگر نسبت به ۶ ماه خود ۳- نفقه زن و هزینه نگهداری اولاد صغیر ۶ ماه و مهریه تامینان دویست هزار ریال ۴- سایرین | } | <p>در صورتی که اجراییه های متعدد به قسمت اجرا رسیده باشد حق تقدم:</p> |
|--|---|---|

- در صورتی که نسبت به مال غیر منقول ثبت شد از دو مرجع ثبت و دادگستری دستورهای متعدد بازداشت صادر شود علی اصول حق تقدم به دستوری است که قبل از همسر به اداره ثبت محل وقوع مال واصل گردیده است.
- اگر از تاریخ صدور اجراییه بیش از ۵ سال گذشته و محکوم له عملیات اجرایی را تعقیب نکرده باشد. اجراییه بلا اثر تلقی اگر حق اجرا وصول نشده باشد قابل وصول نیست و محکوم له می تواند مجدداً از دادگاه تقاضای صدور اجراییه کند ولی در مورد اجرای هر حکم فقط یکبار حق اجرا دریافت می شود.
- حکم الزام به تنظیم عقد نامه رسمی بین زن مسلمان و مرد غیر مسلمان **قابل** نمی شود اجراییه گرفت.
- استرداد عین در حکم باشد جزء مستثنائات دین نیست م. ۵۲۷ آ.د.م



دفترچه درسنامه آزمون‌های مفهومی و مهارتی دادستان

اخبار دادسیما

- ۱ رئیس کل دادگستری استان خراسان رضوی از آغاز به کار محاکم صلح در مرکز استان خبر داد و گفت: بیش از ۸۰ شعبه دادگاه صلح در مشهد مستقر خواهد شد.
- ۲ کارگاه فنون موفقیت در آزمون وکالت ۱۴۰۴ رایگان شد در تاریخ ۱۴ آبان ماه ساعت ۱۶ الی ۱۹ به صورت رایگان برای ارتقاء دانش جامعه حقوقی برگزار می‌گردد.
- ۳ در صورت عدم ثبت معاملات اموال غیر منقول (ساختمان ها و املاک و زمین ها) در مهلت قانونی در سامانه ثبت الکترونیک اسناد سازمان ثبت، شکایت انتقال مال غیر به استناد سند عادی (مبايعه نامه یا قولنامه و ...) پذیرفته نمی شود.
- ۴ کارگاه تحلیل و بررسی قانون جدید الزام به ثبت رسمی معاملات غیر منقول با تدریس استاد مجید حسینی مدرس آیین دادرسی مدنی در روز یکشنبه ۶ آبان برگزار شد.
- ۵ کارگاه مهم و کاربردی «قانون الزام ...» که برگزار شده، برای تمامی اعضا تالار افتخارات داداستان (وکلا ی پذیرفته شده داداستانی) هدیه و رایگان می باشد.
- ۶ رئیس دیوان عدالت اداری تاکید کرد: دستگاه‌های اجرایی که مصوبات خلاف آرای قبلی هیئت عمومی دیوان وضع کنند مسئول جبران خسارت وارده به اشخاص هستند. ماده ۹۲ قانون دیوان عدالت اداری مقرر داشته است که «چنانچه مصوبه‌ای در هیئت عمومی ابطال شود، پس از ابلاغ رای به طرف شکایت یا انتشار در روزنامه رسمی، رعایت مفاد آن برای مرجع طرف شکایت و سایر مراجع و مقامات مسئول دستگاه‌های موضوع ماده (۱۲) این قانون الزامی است.
- ۷ شهرهایی که آزمون کارشناسی رسمی قوه قضاییه ۱۴۰۳ در آنها برگزار می‌شود عبارتند از: تبریز، مراغه، ارومیه، میاندوآب، اردبیل، اصفهان، کرج، ایلام، بوشهر، تهران، شهرکرد، بیرجند، مشهد، بجنورد، اهواز، زنجان، سمنان، زاهدان، شیراز، قزوین، قم، سندج، کرمان، کرمانشاه، بویراحمد، گرگان، رشت، خرم آباد، بابلسر، ساری، چالوس، اراک، بندرعباس، همدان و یزد.
- ۸ روز پنج شنبه (۳ آبان ۱۴۰۳) محمد سرگزی رئیس کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس خبر داد: آیین دادرسی کیفری و قانون تسهیل از جمله قوانینی هستند که اصلاح آنها در دستور کار مجلس قرار گرفته است. وی از مرکز وکلای قوه قضاییه خواست اصلاحات لازم و پیشنهادات خود را ارائه کنند. به نظر می‌رسد، برای آزمون وکالت ۱۴۰۴ قانون تسهیل (درباره آزمون وکالت و سردفتری) تغییر خواهد داشت.
- ۹ مهلت ثبت نام آزمون قضاوت ۱۴۰۳ برای دومین بار تمدید شد. به منظور مساعدت و فراهم نمودن تسهیلات بیشتر برای آن دسته از داوطلبانی که در بازه زمانی مقرر برای ثبت نام اقدام ننموده‌اند، مقرر گردید فرصتی ایجاد شود تا بتوانند تا ۲۰ آبان ماه با مراجعه به نشانی الکترونیکی s.jg.eadl.ir مندرج در اطلاعیه سایت رسمی معاونت منابع انسانی قوه قضاییه نسبت به ثبت نام خود اقدام نمایند.
- ۱۰ در مسابقه «غلط بگیر، سکه ببر» به هریک از داداستانی‌های عزیز که در سوالات آزمون داداستان به شرح ذکر شده در سایت، حتی یک غلط یا اشتباه موثر پیدا کنند، یک سکه طلای تمام بهار آزادی تقدیم می‌گردد.

